

سپهر فرهنگی

آیتم
بی‌پناه

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال	بیست و یکم
پاییز	۱۳۹۸ شمسی
۶۶	۵۷۸۰ غری
نوامبر	۲۰۱۹ میلادی

شماره
۵۱



آیین بزرگداشت شهدای یهودی

چشم و شادمانی برای تورات

توارث همزمان مسلمانان و پیروان ادیان الهی

دیپلماسی نجات یهودیان ایرانی

تاریخچه‌ی حضور نمایندگان کلیمیان در مجلس

موزه یهودیان (نیویورک)



سوریه
کاسه برنجی منبت کاری شده بانقره، مس و طلا دوره
مملوک دمشق اهدایی دکتر جی هری فردمن (قرن ۱۴)
ضرب المثل عربی "بیماری فردناشی از نیت اوست"
بر روی آن منبت کاری شده است.



افغانستان
شمعدان شب شبات از جنس نقره اوایل قرن ۲۰



سوریه
دمشق اوایل قرن ۲۰
ظرف نقره نگهداری بالنگ (אחרוג)



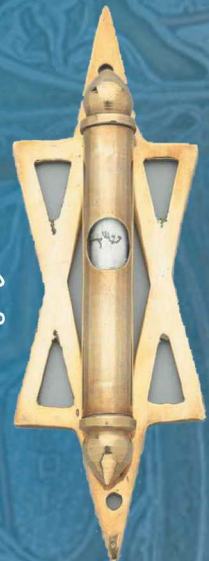
مهر، قرن ۴ تا ۷ میلادی احتمالاً "شمال فلسطین
یا شرق سوریه



افغانستان
ریمونیم (آذین تورات)
از جنس نقره اوایل قرن ۲۰



هندوستان
جلد تورا، اهدایی ۱۸۷۶



ترجمه و گردآوری: الهام مودب

اُفْتִינָה

אָפֿק בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و یکم - شماره ۵۱

پاییز ۱۳۹۸ شمسی

خشوان 5780 عبری

نوامبر 2019 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سردبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - اتوسا آرمین - آرش آرمین - سیما اخلاقی
شرگان انورزاده - آیدین برخورداری - نیوشا پایاب - نسترن جاذب
رحمن دلرحیم - لیورا سعید - المیرا سعید - امید شایان مهر
مردخای امین شموئیلان - فرزاد طویبان - فرانک عراقی - فرینوش لازار
امید محبتی مقدم - مهران ملک - دوریتا معلمی - بهادر میکائیل
الهام مؤدب - امیرفراز نعیموت - مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبائی - فرانک عراقی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئیلان

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bin126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

کانال نشریه: @ofok_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

عکس روی جلد: یادمان شهدای یهودی ایران - آرامستان بهشتیه

● سخن سردبیر: اندکی تأمل و تفکر / فرانک عراقی / ۲

● سرمقاله: کودکان امروز، آینده‌سازان فردا / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

* مذهبی

● جشن و شادمانی برای تورات / امید شایان مهر / ۴

* گزارش و مصاحبه

● همנוعت را مانند خودت دوست بدار / فرانک عراقی / ۵

● زادگاهی که دوست می‌دارم / الهام مؤدب / ۷

● دیدار اعضای انجمن کلیمیان اصفهان با شهردار اصفهان / بیژن خاکشور / ۹

● تجربه‌ی تدریس در دانشگاه‌های آمریکا / مرجان یشایایی / ۱۱

● واژگانی از گویش کلیمیان کاشان / لیورا لایوان / ۱۳

● توارث همزمان مسلمانان و پیروان ادیان الهی / پیمان ساکت‌خو / ۱۴

* فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی

● ضررهای کتمان شخصیت واقعی / رحمن دلرحیم / ۱۷

● فرهنگ یهودی‌های شیراز / رحمن دلرحیم / ۱۸

● دیو نهفته‌ی درون ما / اتوسا آرمین / ۱۹

● رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز / لیورا سعید / ۲۲

● خواستم اما نشد / المیرا سعید / ۲۴

● وزارت امور خارجه ایران و حفاظت از کلیمیان ایرانی / رضا آذری شهرضایی / ۲۵

● ریشه‌ی یهودیان اشکنازی / سیما اخلاقی / ۲۹

● کلیمیان در آذربایجان ایران / نسترن جاذب / ۳۱

● همه‌ی ما مقصریم / دکتر آرش آرمین / ۳۳

● نشست تخصصی محبت و عطوفت در ادیان ابراهیمی / ۳۴

● یهودیان مراکش / میلاد خردمهر / ۳۵

● قدیمی‌ترین کنیسه‌های قاره آسیا / مهندس فرینوش لازار / ۳۷

● آشنایی با مشاهیر یهود جهان: امی لوتر / نیوشا پایاب / ۴۰

● گذری بر تاریخچه‌ی کنیسه‌های تهران، ملاحنینا / مهندس مهران ملک / ۴۵

* ادب و هنر

● تاریخچه‌ی حضور نمایندگان کلیمی در مجلس / مهندس آرش آبائی / ۴۷

● در باب وظایف قلب‌ها / آرش آبائی / ۴۸

● اقتصاددان یهودی برنده نوبل ۲۰۱۹ / آرش آبائی / ۴۹

● بهانه / شرگان انورزاده / ۵۰

● قدر این آدم‌ها را باید دانست / سحر بروخیم / ۵۰

● سه کتاب تنخ، سه فلسفه زندگی / آرش آبائی / ۵۱

* طنز

● بهتر نیست که به تیمارستان بروی؟ / رحمن دلرحیم / ۵۳

● از من بپرسید / شیپورچی / ۵۴

* تغذیه

● سال نو و شیرینی / مژده یمینیان / ۵۶

* حقوقی

● فیشینگ چیست؟ / امیرفراز نعیموت / ۵۹

* اخبار

● اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۶۱

● مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۸۰ عبری / آرش آبائی / ۶۸



کهن سخن سردبیر

اندکی تأمل و تفکر

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

یکسال دیگر هم گذشت و سال جدید ۵۷۸۰ عبری از راه رسید. سال عبری به همراه موعدهیم (اعیاد) آغاز می‌شود. حدوداً ۲۳ روز ابتدای سال را یهودیان جهان با مناسبت‌های مختلف به جشن و شادی و عبادت می‌پردازند. روش‌هشانا، ایام سلیحوت، روزه‌ی کیپور و موعده سوکا (عید سایبانها)، ایام دلپذیری هستند که با اجرای مراسم مذهبی و سنتی در بین همکیشان مورد استقبال قرار می‌گیرد و کنیسه‌های مختلف پذیرای دوستان و عزیزان یهودی از نقاط گوناگون شهر هستند. افرادی هستند که شاید به ندرت در طول سال سری به کنیسه بزنند اما در این ایام خصوصاً در روز کیپور زمانی را هر چند کوتاه به عبادت و نیایش مشغول شده و به نوای شوفار گوش می‌سپارند. در سطح شهر تهران به فراخور این که چه تعداد افراد همکیش در محل هستند، کنیسه وجود دارد که بعضی پرجمعیت‌تر بوده و برخی حتی برای اجرای فرایض دینی به حد نصاب نمی‌رسند. مسئله‌ای که مدت‌هاست ذهن مرا مشغول کرده این که بسیاری از همکیشان ترجیح می‌دهند برای عبادت به کنیسه‌های پرجمعیت‌تر و مرکزی‌تر بروند حتی اگر محل آن دور باشد، در صورتی که کنیسه‌ای هم در نزدیکی محل زندگی‌شان هست و می‌توانند به آنجا رفته و عبادت خود را در آنجا به جای آورند. البته هرکس مختار است محل عبادتش را خودش انتخاب کند اما گاه این انتخاب پیامدهای منفی نیز دارد، مانند آن که متأسفانه بسیاری از کنیسه‌ها برای تفیلا به صورت جماعتی به حد نصاب نمی‌رسند و گاهی فقط یک روز در هفته فعال هستند. در صورتی که کنیسه‌های بزرگتر شاید هر روز چند نوبت نماز (تفیلا) صبح و دوباره و چندباره نماز ظهر و شب را برگزار کنند و البته این تکرار با حضور اکثریت جوانانی هست که از حضور در کنیسه‌ای محلی خود اجتناب می‌کنند که استدلال‌های مختلفی هم در این زمینه دارند. حال باید دید نتیجه‌ی این انتخاب مخصوصاً از طرف نسل جوان چه پیامدهایی خواهد داشت: به مرور اعضای کنیسه‌های محلی و کوچک کم و کمتر خواهد شد و کهنسالانی که به آن محیط بیشتر انس دارند به جا خواهند ماند و گاه برای رسیدن یک پیشنهاد یا به حد نصاب رسیدن کنیسه باید به تکاپو افتاد و به تدریج فعالیت این مکان مذهبی متوقف شده و چیزی جز افسوس برجای نخواهد ماند.

پس اندکی بیشتر تأمل باید کرد ...



کسرمقاله

کودکان امروز، آینده‌سازان فردا

دکتر همایون سامعی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

کودکان امروز آینده‌سازان جامعه‌ی فردای ما خواهند بود و هر چه در آموزش و پرورش و تربیت آنان بیشتر همت کنیم مطمئناً در آینده جامعه‌ی پویاتری خواهیم داشت و از این روست که یکی از اهداف مهم انجمن کلیمیان تهران در اولویت قرار دادن مراکز آموزشی جامعه و رسیدگی هر چه بیشتر به مهدهای کودک و مدارس یهودی است. در این دوره نیز با در نظر گرفتن این نکته با تجهیز و استاندارد کردن مهدهای کودک یلدا ۱ و ۲ گامی مؤثر در جهت رفاه و آموزش و پرورش بهتر فرزندانمان برداشتیم، چرا که کودکانمان استحقاق بهترین‌ها را دارند. موفقیت و ماندگاری مدارس و مهدهای کودک جامعه یهودی ارتباط مستقیمی با چند گزینه دارد:

۱. حمایت دولت و نظام از مدارس که خوشبختانه تا این زمان این حمایت از جامعه‌ی ما دریغ نشده و همیشه شکرگزار آن هستیم و خواهیم بود.
 ۲. حمایت والدین از این مراکز یعنی با ثبت نام فرزندان خود و همچنین همکاری و همیاری و حمایت مالی اولاً باعث رونق گرفتن مراکز آموزشی شده و ثانیاً محیطی پربارتر و جذاب‌تر و آرامش‌بخش‌تر برای فرزندانمان ایجاد خواهد شد.
 ۳. یکپارچگی و انسجام انجمن اولیاء و مربیان و مشارکت با مدیریت مرکز و همچنین تصویب راهکارهای مناسب در جهت ارتقاء مرکز آموزشی که البته برای رسیدن به این هدف، همدلی و قدرت این انجمن از اهم واجبات است.
 ۴. پشتیبانی انجمن کلیمیان از مدارس و مهدهای کودک که این کار در طی سالیان متوالی انجام گرفته است و به همین دلیل کمیته علمی و آموزشی یکی از پرمشغله‌ترین کمیته‌های انجمن است، جلسات متوالی اعضای کمیته‌ی فرهنگی، جلسات بسیار زیاد با حضور مسئولین وزارت آموزش و پرورش، اعضای اولیاء و مربیان و مدیران مدارس و همچنین فعالیت‌های کمیته املاک در ساخت و ساز و تعمیرات ساختمان مدارس و همچنین اختصاص یارانه‌های بسیار زیاد برای مدارس یهودی، از جمله گام‌هایی است که در راستای حمایت از مراکز آموزشی برداشته شده است.
- با این همه باید در نظر داشته باشیم که این به تنهایی کافی نبوده و حمایت جامعه از این مراکز بسیار لازم و تأثیرگذار است. به جرأت می‌توان گفت که اکثریت مدارس ما در امر آموزش بسیار موفق هستند البته در بعضی از موارد دارای کاستی‌هایی نیز هستند که امیدوارم با تلاش و پی‌گیری‌های مداوم مرتفع خواهد شد. ■



جشن و شادمانی برای تورات

امید شایان مهر

فعال اجتماعی و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان

است جشن باشکوهی به مناسبت سالگرد ازدواج ترتیب دهد. پادشاه علت این امر را از داماد خود جویا شد. داماد با احساس شادمانی به پادشاه گفت: پادشاه! وقتی که شما سال گذشته من مسکین را به عنوان داماد خود انتخاب کردید، بسیار متعجب و از طرفی غمگین شدم و پیش خود تصور کردم که احتمالاً دختر شما دارای مشکلات جسمی یا روحی می‌باشد که حاضر شده با من ازدواج کند، اما بعد از این که یک سال از زندگی مشترکمان گذشت به جز خوبی و نیکی از دختر شما چیزی ندیدم بنابراین می‌خواهم جشن باشکوهی گرفته و خاطره سال گذشته را زنده کنم.

این مثال دقیقاً وضعیت ما را در روز سیمخت تورا مشخص می‌کند چرا که در زمان اعطای تورا در روز شاوووعوت اندکی ناراحت بودیم و پیش خود فکر می‌کردیم که چرا این غنیمت بزرگ تنها بایستی به ما داده شود، شاید قوانین خیلی سخت و غیرقابل اجرا و باوری در آن وجود داشته باشد. اما با گذشت یک دور کامل از مطالعه توراتنو هقدوشا به این باور رسیدیم که چه ثروت عظیمی را خداوند منان شامل حال ما کرده است. بنابراین در روز خاتمه پنج سفر تورا جشن باشکوهی برگزار می‌کنیم.

در این صورت روز «سیمخت تورا» که روز پایانی اعیاد ما می‌باشد به روز پیوند بین قوم بیسرائل (یهود) و خداوند به وسیله‌ی تورا خواهد بود. روز اتصال به خداوند به همین جهت در این روز تورا به پایان می‌رسانیم و دوباره آن را از ابتدا آغاز می‌نماییم و با تورا و خداوند شاد هستیم تا بگوییم این عشق به خداوند است که در قلب ما وجود دارد.

روز جشن تورا همانند جوهره و چکیده تمام سال می‌باشد یعنی با شادی در این روز می‌توانیم شادی طول سال خود را تضمین شده قلمداد کنیم. در واقع ما در این روز مهم با خداوند راز و نیاز می‌کنیم و می‌گوییم: «پروردگارا! ما در این روز آمده‌ایم تا با شادی توراتنو هقدوشا که همان وسیله‌ی ارتباطی ما با تو می‌باشد، فاصله‌ها را کم کنیم و به تو نزدیک و نزدیک‌تر شویم.»

پس بارالها! نزدیکی خود را به ما در طول این سال حفظ بفرما و شادی ما را مستدام بگردان. ■

با خاتمه موعد سوکا (عید سایبان‌ها) همراه با کوله‌باری از میسوا به استقبال جشن بزرگ تورا می‌رویم. جشنی که به پاس قدردانی از الطاف بیکران الهی توسط خمامیم (دانشمندان قوم یهود) تعیین شده است. در واقع ما با شادی در این روز از خداوند منان تشکر می‌کنیم که یک بار دیگر توفیق بهره‌برداری و کسب فیض از ۵ جلد تورا و مرور مجدد آن را به ما عنایت فرمود.

اما سؤالی که در رابطه با جشن بزرگ «سیمخت تورا» قابل توجه است این است که چرا این جشن در روز اعطای تورا یعنی عید شاوووعوت تعیین نشده است و با خاتمه یک دور سفر تورا این شادمانی را برپا می‌کنیم. آیا بهتر نبود در هنگام گرفتن هدیه‌ی بزرگ یعنی توراتنو هقدوشا از خالق هستی تشکر کنیم و سپاس و قدردانی خود را تا پایان استفاده از آن هدیه به تأخیر نیندازیم؟ در جواب خمامیم با مطرح کردن مثالی حقیقت موضوع را مشخص می‌کنند:

در شهری بزرگ پادشاهی مقتدر زندگی می‌کرد. پادشاهی که تنها دختر خود را در موقعیت و سن ازدواج مشاهده می‌نمود. بنابراین موضوع را با او در میان گذاشت. دختر پادشاه تمایل خود را با ازدواج اعلام کرد اما در ضمن ابراز داشت که مایل است شوهر آینده‌اش به جای داشتن پول و ثروت و تکبر شاهانه، از نجابت و تواضع و خصلت‌های نیک برخوردار باشد. بنابراین علاقه‌مند وصلت با شخص ساده و بی‌ریا می‌باشد. به ناچار پادشاه گروهی از درباریان خود را عازم سفر کرد تا پسری مناسب و متواضع را برای دخترش پیدا کند. درباریان حرکت خود را آغاز کردند و در طول سفر با چوپانی ساده اما بسیار باهوش و خوش سیرت آشنا شدند و او را به عنوان بهترین گزینه به دربار پادشاه آوردند.

پادشاه با اندکی صحبت با آن جوان نجابت و صداقت را در چهره او مشاهده کرد و تصمیم گرفت دخترش را به ازدواج آن جوان درآورد. جوان با تعجب بسیار خود را در لحظه داماد پادشاه و صدراعظم دربار مشاهده کرد. بالاخره مدت یک سال از آن ازدواج گذشت. در روز سالگرد ازدواج آن جوان ساده به نزد پادشاه آمد و ابراز داشت که مایل

همنوع را مانند خودت دوست بدار

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

همگی ما در مورد یاری رساندن و کمک کردن به دیگران از دیرباز شنیده‌ایم. حتی ضرب‌المثل‌های مختلفی در فرهنگ ما در این مورد گفته شده مثل: ای که دستت می‌رسد دستی بگیر، از هر دست بگیری از همان دست پس می‌گیری، خوبی کردن هرگز گم نمی‌شود و جملات قصاری مثل: دستی که کمک می‌کند از دستانی که برای دعا بالا می‌روند مقدس‌تر است. امروزه دانشمندان با تحقیقات خود دریافته‌اند که کمک به دیگران قسمت‌های مشخصی را در اعصاب مغز فعال می‌سازد که به صحت‌مندی و احساس خوشی فرد کمک می‌کند. خوشبختانه در جامعه‌ی ما نیز افراد زیادی هستند که چه به صورت گمنام و چه به صورت تشکیل مراکز خیریه دستی در این امر خیر دارند.

«دست مهربان من و تو» یکی از این انجمن‌های خیریه است که یکی از جوانان همکیش کلیمی متولی آن است. آیلین تشخیصی بنابر علاقه‌ی شخصی خود چند سالی است این مرکز را راه‌اندازی کرده و در این مسیر بسیار موفق است. در ادامه نظر خوانندگان عزیز را به گفت‌وگوی دوستانه‌ای که با ایشان انجام داده‌ام جلب می‌کنم.



همه شریک شوم.

همین احساس، باعث تولد «دست مهربان من و تو» شد. یک اسم که هر روز بزرگ و بزرگ‌تر شد. آذر ماه ۱۳۹۴ فعالیت مرکز به صورت علنی ادامه یافت و اولین فعالیت گسترده برای تهیه و توزیع آجیل شب یلدا آغاز شد و من شدم متولی دست‌های مهربان تمام فرشته‌هایی که

- درود بر شما. می‌دانم در این ایام که بازگشایی مدارس آغاز شده، مشغله‌تان خیلی زیاد است، با این وجود قبول کردید تا گفت‌وگویی با هم داشته باشیم که بسیار ممنونم. لطفا کمی از خودتان برای خوانندگان مجله بگویید.

* سپاس از شما. من آیلین تشخیصی هستم، ۳۵ سال دارم و زاده‌ی تهران هستم. تحصیلاتم فوق دیپلم تصویرسازی کتاب کودک از جهاد دانشگاهی است. دارای سابقه فعالیت در سازمان دانشجویان و خانه جوانان یهود تهران هستم و در حال حاضر در کمیته‌ی ورزش انجمن کلیمیان تهران فعالیت می‌کنم.

- انجمن خیریه «دست مهربان من و تو» چگونه به وجود آمد؟

* همیشه کمک کردن به کسانی که نیاز به کمک داشتند باعث خوشحالی من می‌شد و حالم را خوب می‌کرد. کم‌کم به این نتیجه رسیدم که هر کس در این دنیا وظیفه‌ای دارد و وظیفه‌ی من هم یاری رساندن و خوشحال کردن نیازمندان است.

ابتدا این کار را بدون نام و نشانی و به صورت پنهانی شروع کردم. کم‌کم شادی نیازمندان باعث شادی و لذت بیشتر در من شد و احساس کردم باید این خوشحالی را با



درمان، دارو، سبب کالا و مواد غذایی ماهانه‌شان تامین می‌شود. مواردی هم داریم که نیاز به تجهیزات پزشکی دارند مانند ویلچر و سمک و...

در کنار تمام این موارد، برگزاری مراسم شاد مثل جشن آسایشگاه‌های سالمندان به مناسبت‌های مختلف مانند شب یلدا، تولد مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها، مراسم عیدانه که قبل از شروع هر سال جدید برای ۲۵۰ کودک معلول جسمی و حرکتی برگزار می‌شود و کفش و پوشاک به آنها داده می‌شود، جزو فعالیت‌های ماست. برگزاری پیک‌نیک و گردش‌های دسته‌جمعی برای کودکان رها یافته از اعتیاد، فرستادن لوازم مورد نیاز در زلزله‌ی کرمانشاه و اهدای لوازم التحریر در شروع فصل پاییز از دیگر فعالیت‌های این مرکز خیریه است.

- برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟

* درصدد هستیم که کار این مرکز را گسترش داده و ثبت قانونی را انجام بدهیم. ضمناً دنبال مناطق محروم شهرهای دیگر هم هستیم تا در آن جا هم فعالیت کنیم و کمک‌های مورد نیاز را برایشان فراهم کنیم

- چه پیامی برای خوانندگان مجله دارید؟

* روزی که این فعالیت را آغاز کردم جمله‌ای از تورات مقدس را همواره سرلوحه‌ی کارهایم قرار دادم که می‌گوید: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار» و فکر می‌کنم اگر از هر سه نفر یک نفر به این جمله اعتقاد داشته باشد، دنیای خیلی بهتری خواهیم داشت.

از شما و دست‌های مهربان بسیار سپاسگزارم و برایتان آرزوی موفقیت روز افزون دارم. ■

دست یاری دارند و همین همکاری و همفکری اتفاقات خوبی را رقم زد.

- از کمک‌های دولتی هم برخوردار هستید؟

* از اسفند ماه ۱۳۹۷ شهرداری تهران اقدام به برگزاری جلسات هم‌اندیشی با خیریه‌ها کرد. جناب حناچی شهردار تهران شخصا در این جلسات حضور داشتند و در دو مرحله به مناسبت سال نو و ماه رمضان سبدهای کالا را به صورت رایگان برای پخش بین مددجویان در اختیار انجمن قرار دادند.

- آیا تا به حال اقلیت مذهبی بودن شما اختلالی در امر

فعالیت شما به وجود آورده؟

* اکثر مردم وقتی متوجه می‌شوند من اقلیت مذهبی هستم بیشتر تعجب می‌کنند که چه طور به کسی غیر از هم دینم کمک می‌کنم. اما در بیشتر مواقع همین موضوع باعث شده در این امر مشتاق‌تر شوند و بیشتر با من همکاری کنند. در کل باید بگویم اقلیت بودن من نه تنها مانع فعالیت من نشده بلکه در بیشتر مواقع به پیشرفت من هم کمک کرده است.

- چه کسانی در این مسیر به شما کمک می‌کنند؟

* از طریق فراخوان‌هایی که در فضاهای مجازی منتشر می‌کنیم دوستانی به ما کمک می‌کنند. عده‌ای هم هستند که در طول مسیر با هم آشنا شدیم و در صورت نیاز همیشه با حضورشان به من کمک می‌کنند. مهم‌ترین شخص خواهر عزیزم است که همیشه من را در این مسیر تشویق و همراهی می‌کند.

- با چه مشکلاتی روبرو هستید؟

* البته که بی مشکل هم نیست اما وقتی تصمیم می‌گیری دل‌های زیادی را شاد کنی انرژی‌های مثبت، از طریق دعای خیر و خوشحالی عزیزان اجازه‌ی بروز هیچ مشکلی را نمی‌دهد.

- اصولاً حوزه‌ی فعالیت شما چگونه تعیین می‌شود؟

* حوزه‌ی فعالیت انجمن، بستگی به نیاز فردی یا جمعی دارد که به من معرفی می‌شوند. اما به طور ثابت خانواده‌هایی را تحت پوشش داریم که ماهیانه هزینه‌های



زادگاهی که دوست می‌دارم

الهه مودب

مترجم زبان انگلیسی

در جامعه اقلیت حتی اگر خودت قصد مهاجرت نداشته باشی، تاثیرات مهاجرت سایرین خواهی نخواهی بر زندگی‌ات سایه می‌افکند. داستان مهاجرت یهودیان از شهرهای مختلف ایران به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی بارها تکرار شده است. در سال‌های اخیر در پی مهاجرت گسترده یهودیان به تهران و شهرهای بزرگ شاهد این امر در میان جمعیت اندک شهرهای یزد، میاندوآب، همدان، سرپل ذهاب، کامیاران، کرمان و رفسنجان بوده‌ایم. دل‌کندن از شهر و دیاری که دوست داری و سال‌ها از آن خاطرات تلخ و شیرین داری سخت است. اما روزی چون دیگران ناگزیر می‌شوی رها کنی. خاطرات زیبایی گذشته زادگاهی که دوست می‌داری را چون میراثی با ارزش در ذهن‌ات حک کنی. کوله‌بارت را برداری و از نو ساز زندگی‌ت را بناوی.

در یکی از پایتخت‌های دوران زنده، یکی از پنج شهر تاریخی ایران با جاذبه‌هایی چون مجموعه گنجعلی خان و بازار، شهر معادن و پنجمین شهر مس جهان، شهر بیدمشک‌های عطرآگین و زیره‌های معطر و معروف، پته-های زیبا و رنگارنگ هنرمندان و شهر کلمپه، کامچ، یهودیانی که قدمت حضورشان به دوران ساسانی می‌رسد، در کنار هموطنان مسلمان، زرتشتی و مسیحی زندگی کرده‌اند. اما پس از انقلاب در پی مهاجرت گسترده شمار شهروندهای غیر مسلمان کاهش یافت.

یهودیان کرمان در دوران صفویه مانند یهودیان شهرهای کاشان و اصفهان دچار فراز و نشیب‌هایی شدند. قبل از انقلاب تقریباً ۸۰۰ نفر یهودی و تا ۶ سال گذشته ۱۰ خانواده یهودی با جمعیتی در حدود ۴۰-۵۰ نفر در آنجا زندگی می‌کردند ولی اکنون فقط چند خانواده ساکن این شهر می‌باشند. در گذشته یهودیان در سایر شهرهای استان کرمان از جمله بم، سیرجان، نگار و رفسنجان ساکن بودند.

سیونیت‌دگریایی از ساکنین کرمان: مسیحیان بطور

پراکنده در کرمان زندگی می‌کردند. زرتشتیان در خیابان آلاشت معرف به محله‌گیری‌ها و یهودیان در چهار راه کاظمی که به قدس تغییر یافته و معروف به کوچه به کوچه یا محله کلیمیان است زندگی می‌کردند. هنوز ما و چند خانواده یهودی باقیمانده در همان محل ساکن هستیم. همه همسایه‌های یهودی و یک همسایه زرتشتی مهاجرت کرده‌اند. فقط ۴ خانواده مسلمان قدیمی باقی مانده‌اند.

در آخرین روز سفرم به محله کلیمیان رفتم. محله‌ای که خاطرات زیادی را در دل خود جای داده است. الگا ساعور تنها کنیسای باقیمانده کرمان، سالن عروسی، میقوه (حوضچه غسل شرعی) و محله را نشانم داد.

سیونیت‌دگریایی با خوشرویی و صبر و حوصله برایم از دیروز می‌گوید: در گذشته در محله یهودیان ۳ کنیسا، یک قصابی کاشر، حمام و مدرسه گنج دانش بوده است. کنیسای موجود به همت عزیز بن صبی ساخته شده است. قصاب موسی ییشایی بود و ۲ نفر شحیطا (ذبح شرعی) را انجام می‌دادند. حمام در سال ۱۳۴۵ راه‌اندازی شد و روزهای دوشنبه و چهارشنبه به خانم‌ها و کودکان اختصاص داشته است. مدیران و معلمان مدرسه گنج‌دانش همه یهودی بودند. بعدازظهرها همه دانش‌آموزان در کنیسای مدرسه نماز گروهی می‌خواندند ولی امروز دیگر سر و صدای پرشور دانش‌آموزانی که از مدرسه باز می‌گذشتند در این محله نمی‌پیچد.

روزگاری کنیسای کرمان در روزهای شبات (شنبه) و سایر مناسبت‌ها جمعیت بسیاری را در خود جای می‌داد اما به گفته‌ی ادوین اسحاقی- از جوانان مذهبی کرمان- اکنون به دلیل مشکل عسارا (حضور ۱۰ مرد بالغ برای نماز جماعت) فقط بعضی شب‌ها و روزهای شبات (شنبه) نمازهای گروهی خوانده می‌شود.

در گذشته حاخام منوچهر زرگری نقش مهمی در امور

عید پسخ تهیه نمی‌شود. در گذشته مصا را از کرمان تهیه می‌کردیم ولی با کم شدن جمعیت مصا را از تهران و شیراز تهیه می‌کنیم. به گفته دوستان در گذشته اکثر یهودیان در بازار قدیم و بزرگ کرمان پارچه، فرش و خشکبار می‌فروختند و حدود ۱۰۰ مغازه به آنان اختصاص داشت.

نظر دوستان را از زندگی در کرمان در کنار سایر هموطنان جویا می‌شوم:

الگا از خونگرمی و مهربانی کرمانی‌ها برایم تعریف می‌کند. او به رفتار خوب مدیران و معلمان در مدرسه با پسرانش و برخورد خوب همسایه‌های مغازه همسرش و فروشنده‌هایش اشاره می‌کند.

ادوین اسحاقی مغازه پارچه فروشی دارد. او می‌گوید گاهی تعصباتی دیده می‌شود، اما اکثر مسلمانانی که از ما خرید می‌کنند کلیمیان را منصف و قابل اعتماد می‌دانند. همسایه‌های مسلمان قدیمی رابطه خوب و بدون تعصب با خانواده ما دارند. معلم مسلمان‌ام که در محله یهودیان زندگی می‌کرد به دانش‌آموزان می‌گفت: «همیشه طی روز در منازل یهودیان باز بود و به منزل هم می‌رفتند و به هم اعتماد داشتند. از اعتمادی که به ما داشتند روزهای شنبه به منزل‌شان می‌رفتیم و چراغشان را روشن می‌کردیم».

در مسیر بازگشت به تهران خاطرات زیبایی را که صیونیت ذکرایی برایم تعریف کرد بیاد می‌آورم:

در یکی از مناسبت‌های مذهبی همه زنان شهر انواع حلوا با آرد برنج می‌پختند. سینی بزرگ شامل یک حلوا به نام کوپو سهن را با آرد جوانه گندم، روغن و خرما تهیه می‌کردند و به بزرگان شهر تقدیم می‌کردند.

یکی از مراسم مرسوم پختن آش اعلی یا آش باران برای بارش باران بوده است. این آش با انواع حبوبات و گندم پخته و هر سال بین همه ساکنین محله توزیع می‌شد. هر سال همسایه‌های مسلمان و زرتشتی سراغ آن را می‌گرفتند.

وقتی به تهران می‌رسم با خود می‌اندیشم که در چنین شهرهایی چگونه پویایی زندگی اجتماعی و گروهی دیروز جای خود را به سکون امروز داده است. ارزش امکانات مختلف در شهرهای بزرگ را چنین دوستانی به خوبی می‌دانند. گفته ادوین اسحاقی در گوشم طنین می‌اندازد: «چه خوب می‌شد اگر دوستان به‌جز دوران انتخابات سری به ما بزنند».

مذهبی داشته است و پس از فوت او همه ساکنین با مشکلات مختلفی از جمله تهیه گوشت کاشر روبرو شده‌اند. آموزش دعا‌های روزانه به زبان عبری و قوانین مذهبی به کودکان و نوجوانانی که به سن برمی‌خورند و بت میتصوا (سن تکلیف) می‌رسند از دیگر مشکلات است.

پسران الگا ساعور با وجود عدم برگزاری کلاس عبری در کرمان برایم دعا‌های روزانه را با صوتی زیبا به خوبی می‌خوانند. او هر سال در تابستان آنان را برای حضور در کلاس‌های آموزش عبری به شیراز نزد مادرش فرستاده است. فرناز قاضی‌زاده، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت تهران، که طرح پایان‌نامه‌ی خود را به آرامگاه‌هایی با قدمت بیش از ۱۵۰ سال و محله‌ی اطراف آن اختصاص داده است می‌گوید: این مکان نخستین بار برای زرتشتیان ساکن کرمان مقدس بوده و بعد برای ادیان دیگری چون مسیحیت و یهودیت به دلیل دفن مردگان‌شان قابل احترام شده است. این احترام نه در گذشته بلکه تا سال‌های اخیر نیز ادامه داشته، هرچند احداث پارک به شکلی که اکنون انجام شده لطماتی را به اصالت این مکان وارد کرده است.

ادوین اسحاقی می‌گوید چون در سال‌های گذشته شهرداری بخشی از آرامگاه کلیمیان را به پارک تبدیل کرد و آنجا غیرقابل استفاده شد، نمی‌توانیم درگذشتگان را در کرمان دفن کنیم. پدرم در سال ۱۳۸۵ فوت کرد و ما مجبور شدیم او را در آرامگاه شیراز به خاک بسپاریم. پس از فوت پدر سایر متوفیان به آرامگاه بهشتیه تهران منتقل شدند.

تانیا گلرخ که مدتی است برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمده است می‌گوید: گاهی در مدرسه با تعصبات و مشکلاتی روبرو بودیم. طی ۶ سال گذشته تنها دختر جوان کرمان من بودم و حضور در بین جوانان همکیش همسن و سال خیلی با ارزش است که از آن محروم بودم. رستوران کاشر و مدرسه مختص یهودیان مانند تهران و سایر شهرهای پرجمعیت نداریم.

میترا بن ذکریا پدر و پدر شوهرش از کرمانی‌هایی بودند که در بازار بم مغازه داشتند. پدرش فرش و پارچه فروشی داشته که در تعطیلات و اعیاد به کرمان سر می‌زد. در سال ۱۳۵۵ به عنوان آخرین یهودی ساکن بم به کرمان باز می‌گردد. او می‌گوید: در اینجا مصا (نان فطیر) برای مراسم

دیدار اعضای انجمن کلیمیان اصفهان با شهردار اصفهان

بیژن فاکشور

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان



پس از گذشت نزدیک به دو سال از معارفه‌ی قدرت‌الله نوروزی به عنوان شهردار جدید اصفهان، جمعی از اعضای انجمن کلیمیان اصفهان در مرداد ماه ۹۸ در دیدار با وی و به طرح خواسته‌ها و مشکلات جامعه‌ی کلیمی اصفهان پرداختند.

در این دیدار، شهردار اصفهان گفت: خوشحالیم که فضا و جو تفاهم بین ادیان، خوب و ایده آل است، و شما در این جامعه احساس

افتخار ایران و اصفهان بوده‌اند.

وی به عنوان نمونه به مهندس سلیمان ساسون اشاره نمود که یک کلیمی موفق و تاثیرگذار در جامعه و شهر اصفهان است؛ و افزود: فضای تعاملی، بهترین فضایی است که باید در شهر، بین ادیان اتفاق بیفتد که خود به خود تعامل ادیان در این شهر، آبرو و اعتبار اصفهان را بالا می‌برد، همانطور که اصفهان یهودیه بوده است و همواره تساهل و تسامح بین ادیان توحیدی برقرار بوده است و ما به این بستر زیبای میراث و فرهنگی و گردشگری دینی می‌نازیم و می‌بالیم.

در این جلسه خاتون آبادی معاون شهردار در امور هیئت‌ها و مساجد نیز گفت: در جوهره یکی از همسایگان، ۴۰ سال پیش تعریف کرده بود که ما برای راه‌اندازی هیأت امام حسین به مشکل مالی برخورد کرده بودیم و یهودیان جوهره برای حل این مشکل کمک شایانی به ما کردند و علیرغم تفاوت در دین و رسوم با همکاری و کمک حضور در این هیأت‌ها و مراسم، وحدت ادیان توحیدی در اصفهان را به تصویر کشیدند.

ناامنی نمی‌کنید همانطور که مسلمانان هم هیچ آسیبی از جانب شما ندیده‌اند و مودت و دوستی و مهربانی که مدنظر همه ادیان است، به نوعی قابل حس و لمس است همان-گونه که ما در ایران، همواره به دنبال صلح پایدار بوده‌ایم و خواهیم بود. به همین خاطر امیدوارم در دوران مدیریت من نیز شما احساس خاطر جمعی و آسایش داشته باشید نه احساس دلواپسی و نگرانی. همه‌ی ما قبول داریم که شرایط اقتصادی سختی را طی می‌کنیم و خود به خود همه‌ی افراد جامعه درگیر این مسائل هستند با این وجود، ما هم در حد وسع و توان خود هر کاری از دستان بر بیاید برای اصفهان و صد البته جامعه‌ی شما انجام می‌دهیم. ما به دنبال تعادلیم و من به‌شخصه هیچ‌وقت به دنبال تبعیض نبوده‌ام و نیستم. در این دیدار دکتر عیدی معاون شهردار اصفهان نیز با اشاره به قدمت حضور یهودیان در ایران گفت:

کلیمیان همواره در میراث فرهنگی ایران نقش مهمی داشته‌اند و جدا از تاثیر در شکوفایی اقتصاد و تجارت جامعه، در مباحث فرهنگی و هنری و علمی نیز همواره باعث

مراسم پایان دوره مرکز آموزش موسیقی کر مهندس فریدون طوبی مسئول مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

سه‌شنبه ۱۳۹۸/۶/۲۶، در بیستمین سالگرد تاریخ تأسیس مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران یک دوره دیگر از مراسم پایان دوره با حضور عده زیادی از همکیشان عزیز و ریاست محترم انجمن کلیمیان تهران دکتر همایون سامه‌یج و نغمه کدخدا و هرتصل گل‌شیرازی سرپرستان جدید کمیته جوانان در محل این مرکز در ساختمان سرابندی برگزار شد، نوجوانان عزیز ما آن چه در طی این دوره از استادان خود آموخته بودند با هنرمندی فراوان به اجرا گذاشتند که بسیار مورد تشویق قرار گرفتند، از طرف انجمن کلیمیان تهران جوایزی به آنها اهدا شد، به مناسبت آغاز سال جدید عبری ۵۷۸۰ آهنگ *בשנה הבאה* با سرپرستی نادر دانیالی و چند نفر از هنرجویان خوانده و ترجمه زیبای آن توسط «شارونا شلتیل» برای همکیشان عزیز بیان گردید. دینا روبنیان و بهاره کدخدا تهیه هدایا و مدیریت این جشن را برعهده داشتند که به خوبی برگزار شد. اجرای رشته‌های موسیقی و نام هنرجویان هنرمند ما به صورت زیر بود:

۱. پیانو و ارگ «خانم آوانسیان»
شهاب اسحاقی، آناتل سله، رونیتا سخایی، پویا اصفهانی، دانیلا دانیالی
 ۲. دف و تنبک «آقای قدوسی»
اسحاق گیدانیان، بنیتا فروغی‌مهر
 ۳. اجرای آهنگ سال جدید عبری «با سرپرستی نادر دانیالی»
دانیلا یوسف دانیالی، فراز هارونیان، شانائل دانیل مفرد، داوید نقره‌ئیان
 ۴. گیتار «ایمان صادقان»
الیا پوراتی، سیپورا رحیمیان، آنزل اسحاقی، نیما ساسانیان
 ۵. گیتار «نادر دانیالی»
شانائل دانیل مفرد، بنیامین فروغی‌مهر، داوید نقره‌ئیان، فراز هارونیان، یوسف گیدانیان
 ۶. ویلن «خانم وحیدی»
الین دانیل مفرد
- از زحمات امید کدخدا که نصب سیستم صوتی را به عهده داشتند و آنزل اسحاقی که مجری برنامه بود بسیار سپاسگزاریم. ■

در این دیدار، خاخام سلیمان صدیق‌پور به مضمون گذشت و رأفت و مهربانی در ادیان اشاره نموده و به عنوان مثال به گذشت و عظمت حضرت علی (ع) اشاره کرد که حتی در قبال قاتل خود نیز رأفت و محبت داشتند و به



خادمان خود سفارش می‌کردند که از شیری که من می‌نوشم به او نیز بدهید و تشنه و گرسنه نماند.

سیون ماه‌گرفته رئیس انجمن کلیمیان اصفهان نیز خطاب به شهردار اصفهان و معاونان وی گفت: از این دیدار و رویارویی بسیار خوشحالم، البته ما در زمان معارفه نیز با شما گفت و شنودی داشتیم و معتقدیم وجود ادیان الهی در این شهر باید به فرصتی برای توسعه و پیشرفت و ترقی تبدیل شود.

در این دیدار سیون ماه‌گرفته، سلیمان صدیق‌پور، بیژن خاکشور، یوسف سپارزاده و لئا دانیالی از اعضای انجمن کلیمیان اصفهان حضور داشتند و از شهرداری اصفهان درخواست کردند تا در حل مسائل مدرسه‌ی اتحاد، کنیسه‌های جوواره و مجتمع فرهنگی رفاهی کلیمیان اصفهان همکاری و مساعدت نماید. اعضای انجمن کلیمیان اصفهان در پایان یک جلد قرآن مجید و یک جلد تورات نفیس به رسم یادبود به شهردار و شهرداری اصفهان تقدیم کردند. ■



مرجان یشایی

روزنامه‌نگار

تجربه تدریس در دانشگاه‌های امریکا



مطلوب عبارت است از رابطه‌ی برابر و نزدیک دانشجو و استاد؛ کسی که در مقام تدریس قرار می‌گیرد این باور را در خود نهادینه کرده باشد که به همان اندازه که یاد می‌دهد موظف است یاد بگیرد.

این احساس وظیفه‌ی فردی برای آموختن در آموزگار، راه را برای ایجاد رابطه‌ی نزدیک همواری کند. لحظه‌ای که دانشجو ببیند که آموزگار خود را باز گذاشته که از دانشجو بیاموزد، آن لحظه است که دانشجو هم مسئولیت سنگین آموزگاری را حس می‌کند، با قبول این مسئولیت است که وظیفه‌ی خودش می‌بیند که پژوهش و دانشی را که در اختیارش قرار داده می‌شود فرا بگیرد، درباره‌ی آن بیاندیشد، و از همه مهم‌تر با تفکر تحلیلی و رویکرد انتقادی آن دانش و نحوه‌ی انتقال را ارزیابی کند. بخشی از رسالت یک آموزگار نشان دادن خطاهاست، ولی چالش اصلی تدریس در چه‌گونه نشان دادن خطاست، نه در تشخیص و نشان دادن صرف.

برابری، تنها شرط نزدیکی نیست. عامل دیگری که در ایجاد رابطه‌ی صمیمانه لازم است، کنجکاوی آموزگار است برای شناخت فردی از دانشجو. یعنی آشنایی با فضای ذهنی و روحیات دانشجو، مسیر زندگی‌اش، و روزمرگی زندگی‌اش.

شیدا دیانی، متولد ۱۳۶۱، دانش آموخته‌ی کارشناسی ادبیات انگلیسی و دکترای مطالعات خاورمیانه از دانشگاه نیویورک (NYU)، پژوهشگر نمایش و مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه هاروارد است. یک مجموعه شعر فارسی و یک کتاب پژوهشی به زبان انگلیسی درباره‌ی تاریخ نمایش در ایران و تأثیرات متقابل میان نمایش بومی و نمایشنامه‌نویسی سبک اروپایی از آثار اخیر اوست. اشعار، مقالات، و ترجمه‌های فارسی او پیش از این در نشریات بخارا و نگاه‌نو به چاپ رسیده‌اند.

دیانی پیش از این علاوه بر فعالیت در دانشنامه‌ی ایرانیکا، به ترجمه‌ی همزمان نیز پرداخته و مترجم چهره‌های بسیاری از جمله عباس کیارستمی، اصغر فرهادی، محمود دولت‌آبادی، مارتین اسکورسیزی، و براین ویلیامز بوده است. کلاس‌های کنونی و پیشین او در دانشگاه هاروارد به شرح زیر هستند:

درام داستان‌گویان: تاریخ نمایش در ایران - متون تاریخی و ادبی فارسی: از رودکی تا بیضایی - مقدمه‌ای بر ادبیات فارسی در قرن ۱۳ و ۱۴ شمسی - زبان فارسی، سطوح مقدماتی تا پیشرفته

خلاصه‌ای از سخنرانی دیانی در جمع فارغ-التحصیلان کلیمی در تیرماه ۱۳۹۸ در ادامه می‌آید:

کلید پژوهش دانشگاهی درک این نکته است که تحقیق یعنی خشت بر خشت دیگران گذاشتن و فهم میراث گذشته. هیچ پژوهشگر قابلی، هر چه‌قدر هم در کارش پیشرو و سرآمد باشد، نمی‌تواند ادعا کند که بنایی را خودش از ابتدا و به تنهایی ساخته است. از طرفی پژوهش بر پایه‌ی تدریس استوار است و اگر تدریس نباشد، تحقیق هم معنای چندانی نمی‌دهد. بهترین اتفاقی که برای یک پژوهشگر علوم انسانی می‌تواند بیافتد این است که از تحقیق‌اش در تدریس استفاده کند. مهم‌ترین رکن یک فضای دانشگاهی

خودش در مورد مسأله‌ای که برایش مهم بود استفاده کنم. راه‌حلی که به نظرم رسید این بود که جلوی خنده‌ام را نگیرم که ببیند طنزش برابم باارزش است، و بعد از او بخواهم که «در و داف» را درباره‌ی شمس و مولوی توضیح دهد و به من بگوید از کجای این غزلی که خوانده چنین برداشتی داشته. سارا به من یاد داد که چه‌طور از اخلاق‌اش سر کلاس استفاده کنم؛ هر جاکه حس می‌کردم حوصله‌اش سر رفته و الآن است که شروع کند معایب یک مسأله را یادآور بشود، سر شوخی را باز می‌کردم که باریک‌بینی‌اش به جای کسالت و عیب‌جویی به طنز و تحلیل بکشد.

یک روز عصر سارا نوشته‌ای دستش بود که گفت همان موقع تمام کرده و می‌خواهد که من الآن آن را بخوانم. تمرکز کلاس‌های فارسی هاروارد بر خواندن و نوشتن است ولی من نوشتن خلاق فارسی را هم در برنامه گنجانده‌ام. بخشی از شعر «تولدی دیگر» فروغ در کتاب‌درسی ما هست. آن بند معروفش که می‌گوید:

«زندگی شاید یک خیابان دراز است که هر روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد» الی آخر. یکی از پیشنهادهای که من به دانشجویها می‌دهم بازنویسی این بند است؛ می‌گویم اگر قرار بود شما این شعر را بنویسید چه‌طور می‌نوشتید؟ آن نوشته‌ای که سارا آورده بود پاسخ به همین پیشنهاد بود. عنوان‌اش هست:

چیزی که پدرم درباره‌ی زندگی به من یاد داد
پدرم بعد از رفتن چیزهای بسیاری به من یاد داد.
فکرمی کردم:
زندگی یک اجرا است.
مردم بازیگر هستند.
پدرم قبلاً قورمه سبزی دوست داشت،
ولی حالا مواد مخدر دوست دارد.
اشکال ندارد!
مرسی از پدرم.
پدرم بعد از برگشتن چیزهای بسیاری به من یاد داد.
زندگی چیست؟

شاید زندگی دانستن این است که پدر و مادر هم انسان هستند،

شرط اصلی خواست خود دانشجوی است و در وهله‌ی اول اوست که باید با آموزگارش احساس راحتی کند و بخواهد که او را در جریان زندگی‌اش بگذارد. یادمان باشد هدف در درجه‌ی اول، آموزش انسانیت و شناخت انسانی‌ست. متأسفانه شیوع بیماری‌های روحی روانی در دانشگاه‌های امریکا بالاست. طبق پژوهشی که پارسال در هاروارد انجام شد، ۱۸٪ دانشجویهای رشته‌ی اقتصاد در سراسر امریکا از افسردگی و اضطراب رنج می‌برند؛ این آمار سه برابر میزان ابتلا به افسردگی در غیردانشگاه‌هاست. البته عارضه‌ی افسردگی در دانشگاه مختص امریکا نیست؛ طبق آمار که APA یا انجمن روان‌شناسی امریکا پارسال منتشر کرده، در هشت کشور در سراسر دنیا از هر سه دانشجوی سال اول دوره‌ی کارشناسی، یک دانشجوی مبتلا به عوارض روحی روانی است. با این آمار نگران‌کننده، دانشجویی که با فاصله‌ی بسیار از خانه و فرهنگ خانواده، زندگی می‌کند، اغلب هم از فشار مالی رنج می‌برد، به کی باید مراجعه کند؟ اگر شناخت نسبی وجود داشته باشد، آن آموزگار شاید بتواند تشخیص بدهد که این فرد نیاز به کمک دارد و با اتکا به همان رابطه‌ی برابر و نزدیک، دانشجوی را تشویق کند که به مراکز درمانی مراجعه کند.

در این ده سالی که من تجربه‌ی تدریس داشته‌ام، معمولاً هر سال دو سه نفر هستند که طالب ارتباط پایداراند و تشنه‌ی رابطه‌ی عمیق‌تر از کلاس و درس و مفتعلن مفتعلن هستند. خودشان هم سراغ آدم می‌آیند.

دانشجویی داشتم به اسم سارا که هر پدیده‌ی تازه‌ای را با شیطنت آمیخته به طنز بررسی می‌کرد و عقایدش را بی‌پرده می‌گفت ولی در بحث جدی شرکت نمی‌کرد.

اولین روزی که می‌خواستیم سر کلاس مولوی بخوانیم من با فارسی کتابی از کلاس پرسیدم: «شمس که بود؟» همان‌طور که بقیه با چهره‌های جدی در فکر ساختن جمله‌های درست بودند، سارا گفت: «در و داف مولانا بود، یا حالا هرکی». این جمله را به انگلیسی کوچه‌خیابانی ادا کرد و من این‌جا ترجمه‌اش را گفتم. من دو کار می‌توانستم بکنم: یا او را متوجه کنم که کلاس جدی‌ست، یا از جدیت

واژگانی از گویش کلیمیان کاشان

لیورا لاویان

کارشناس مغرافیا

هاما: ما	یُورت: اتاق
أفتو: آفتاب	ویشه: گرسنه
یاواش: یواش	وچه: بچه
کِه: چه کسی	مقبیل: زیبا
روج: روز	میلی: گربه
نیادار: نگه دار	سیرت: صورت
وقتیه: آن وقت	وَریو: بی قرار
پراز: برادر	سِرا: خانه
خار: خواهر	جُومخو: رخت خواب
باخاجه: پدربزرگ	قایم: محکم
أو: آب	گیلوه: جوراب
پسین: عصر	ایتا: یکی
سیا: فردا	بو: باشه
جر: پایین	نوم: نام
ب: بیرون	وَفَر: برف
بوره: بیا	وارون: باران
بشه: برو	کیا: کجا
باخاسوره: پدرزن	کیچه: کوچه
إتا: این	وامنده: جامونده
خبو: خوبه	هنی: هنوز
ویتر: بهتر	إنده: اینجا
ایبادا: بهویی	خيله: خیلی
أویه: آنجا	جَن: زن
یدایه: تنهایی	مد: مرد
مَخ: گم	توسون: تابستان
أشنیجه: عطسه	غِلا: کلاغ
بالابون: پشت بام	دل گامال: دل گنده
پیشه: تخمه	تاس: کاسه
جر: زیر	گدی: بزرگ
دیمبادیم: رو به رو	ویجیکی: کوچک
زی زی: زود	یا: آن ها
قَلبجه: مارمولک	
ایرا: این طرف	
اورا: آن طرف	
مُن: من	
پس سیا: پس فردا	

و دانستن این که گاه پدر یا مادر عاشق کس دیگری می‌شوند.

شاید زندگی بخشش است،

چون زندگی سخت است.

شاید زندگی این است که فکرکنی دنیا دارد امشب تمام می‌شود،

آنگاه صبح بیدار شوی و بفهمی که نشده است.

شاید زندگی یک جعبه است؛

یک جعبه پر از سنگ‌های قیمتی،

ولی جعبه‌ای که کسی می‌دزدد.

که گاه

شاید زندگی هیچ چیزی ندارد،

آنگاه هدیه گرفتن یک قصر است.

من هدیه‌ها دریافت کرده ام

و چیزها گم کرده ام.

شاید زندگی دانستن این است که هیچ چیز بی‌تغییر نیست.

این‌ها درس‌های خوبی هستند،

ولی حیف که این درس‌ها از پدرم به من رسیده اند.

اشکال ندارد،

مرسی از پدرم.

شما را بخشیده‌ام.

از آن‌جا بود که سارا سر صحبت درباره‌ی زندگی

شخصی‌اش را باز کرد و به من اجازه داد او را بهتر بشناسم.

حالا هم دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه نیویورک

است. همان سال من این شعر را برای دوستی خواندم، آن

دوست سراغ تخته‌سیاه کوچکی رفت که به دیوار دفتر من

است و این سطر از شعر سارا را نوشت:

«شاید زندگی دانستن این است که هیچ چیز بی‌تغییر

نیست»

هنوز هم شعر سارا و دست‌خط دوست من روی آن

تخته هست و من هر جاکه عرصه را تنگ می‌بینم به این

خط نگاه می‌کنم و ممنون وجود سارا خانم می‌شوم. ■

توارث همزمان مسلمانان و پیروان ادیان الهی

پیمان ساکت فو

مقوقدان و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز



گزارشی از پایان نامه کارشناسی ارشد پیمان ساکت خو، با عنوان «مطالعه تطبیقی راجع به توارث همزمان مسلمانان و پیروان ادیان الهی در حقوق ایران، اسناد بین المللی و فقه اسلامی» با راهنمایی دکتر فائزه هاشمی بهرمانی که در شهریورماه ۱۳۹۸ مورد دفاع قرار گرفت.

واسطه حرفه وکالت از نزدیک با آنها آشنا هستیم، بارها شنیده یا دیده‌ام که یکی از طرفین اختلاف، اظهار می‌نماید که «به جای پیگیری قانونی حق و حقوقم، مسلمان می‌شوم و بدین نحو تمام سهم الارث دیگر وراث (طرف دیگر دعوا) را تصاحب می‌کنم.»!

همانطور که گفته شد مشکل اینجاست که مستند به ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی اگر فردی از وراث یک متوفای غیرمسلمان، مسلمان باشد، تمام مایملک متوفا به وراث مسلمان می‌رسد، هرچند در طبقه دورتری از طبقات دیگر وراثین واقع شده باشد. از طرفی «ارث» از جمله مصادیق احوال شخصیه می‌باشد که ما قوانین خاص دیگری نیز در باب احوال شخصیه ایرانیان غیرمسلمان داریم، از جمله:

الف) اصل سیزدهم قانون اساسی

ب) «ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان

غیر شیعه» مصوب ۱۳۱۲

ج) «قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال

یکی از قوانین وضع شده‌ای که در آن حقوق «اقلیت‌های دینی» یا بنا به تعبیر فقهی «کفار» نادیده گرفته شده است، فراز آخر ماده‌ی ۸۸۱ مکرر قانون مدنی می‌باشد. این بخش از ماده مقرر فرموده است «اگر در بین متوفای کافری مسلم باشد، وراث کافر ارث نمی‌برند، اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.» به دیگر سخن اگر فردی غیرمسلمان فوت کند و در بین وراث وی فردی مسلمان باشد تمام میراث وی به وراث مسلمان تعلق می‌گیرد.

بر فرض صحت در عمل، آیا این موضوع برخلاف مصالح، نظم عمومی جامعه و تحکیم بنیان خانواده نیست؟ آیا با ایجاد بی‌انگیزگی در فعالیت‌های اقتصادی غیرمسلمانان، خللی در رونق اقتصادی ایجاد نمی‌گردد؟ آیا به راستی رویه دادگاه‌ها چنین است و در عمل، دادگاه‌ها مستند به این ماده حکم صادر می‌کنند؟ در اختلافات بین وراث و افراد یک خانواده که به

آخرین اراده مقتن می‌باشند، لازم‌الرعايه خواهند بود. مستند ما برای پذیرش این استدلال روایتی از حضرت امام صادق (ع) است که خطاب به یکی از پیروانشان می‌فرماید: «اگر ما دو حدیث مخالف هم در دو زمان مختلف گفتیم، شما به حدیث آخری عمل کنید.»

از سوی دیگر با مذاقه در قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، متوجه خواهیم شد که به اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی تصریح شده است، لذا می‌توان گفت که مجمع با مصلحت‌اندیشی و درایت، به درستی با نام بردن از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، آنها را از شمول کفار قید شده در فراز آخر ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی خارج نموده است که در علم اصول به این موارد «تخصیص» گفته می‌شود و یا اینکه اساساً این افراد از شمول کفار خارج بوده‌اند و به دیگر سخن خروج موضوعی داشته‌اند و به همین دلیل در این مصوبه به موضوع آنها پرداخته شده است، که در علم اصول به آن «تخصص» گفته می‌شود.

دلایل فقهی تقنین ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی، روایات و اجماع فقها عنوان شده است که در ذیل به طور خلاصه به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

آیات قرآن کریم، در بحث ارث بری، وراثت به طور مطلق و برای تمام وراثت اعم از مسلمان و غیرمسلمان مطرح شده است. فقها با استناد به اجماع در روایات گفته‌اند که این آیات قرآن مقید شده و در مورد کفار موضوعیت ندارد.

نخست آنکه، راویان روایاتی که بر آن ادعای اجماع شده است، مورد وثوق نیستند و نام هیچیک از آنان در کتاب علم رجال به عنوان راوی مورد ثقه ذکر نشده است، لذا این روایات «صحیح» نیستند.

دوم آن که، در مقابل این روایات، روایتی از «ابن ابی نجران» به نقل از امام صادق (ع) وجود دارد که که در آن حضرت در پاسخ به سوالی در این باب می‌فرماید: در صورت وجود همزمان وارث مسلمان و غیرمسلمان برای متوفای غیرمسلمان، «وراثت غیرمسلمان بر سهم ارث خود

شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام (د) تبصره چهارم ماده چهار «قانون حمایت از خانواده» مصوب ۱۳۹۱

در تمامی این قوانین مذکور، قانونگذار محترم به رعایت مقررات و قواعد دینی غیرمسلمانان در اختلافاتی که مربوط به احوال شخصیه آنها است، تاکید نموده است.

لذا از آنجا که مباحث ارث، از مصادیق احوال شخصیه می‌باشد، بین قوانین موضوعه فوق‌الذکر و فراز آخر ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی، تعارض ظاهری وجود دارد که منتج به سردرگمی دادگاه برای تشخیص قانون حاکم در این گونه دعاوی خواهد شد.

محل بحث اینجاست که در صورت بروز اختلاف کدامیک از این قوانین حاکم بر دعوا است و دادگاه با استناد به کدام قانون رسیدگی و حکم صادر می‌کند؟

در چنین مواردی که شک و تردید بین قوانین متعارض داشته باشیم، طبق قاعده باید به اصل رجوع نماییم، در موضوع ما، اصل همان قانون اساسی است، چراکه منبع تقنین بوده و از طرفی مستند به اصل ۹۴ همین قانون، قوانین موضوعه‌ی دیگر، نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشند. در اصل سیزدهم این قانون مقرر شده است که اقلیت‌های دینی شناخته شده در این قانون «در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» لذا با مراجعه به قانون اساسی تکلیف مشخص است.

مضافاً به اینکه ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ نیز صراحتاً رعایت قواعد و اصول دینی متوفا را در این موارد حاکم دانسته است.

از طرفی دیگر در اصول حقوقی و فقهی، دستورات موخر الصدور و قوانین موخر التصویب (قوانینی که از لحاظ زمانی بعد از قوانین دیگر تصویب شده‌اند)، از آنجاکه ناشی از آخرین اراده شارع و قانونگذار می‌باشند، همواره بر دستورات و قوانین مقدم، ارجحیت دارند. لذا قوانین خاص فوق‌الذکر در بندهای «ج» و «د» که بعد از ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی تصویب شده‌اند با عنایت به اینکه نشانگر

حقوق مالی آنها از جمله ارث بری قائل شد. لازم به ذکر است که «عقد ذمه» امروزه به «تابعیت» فرد تعبیر می‌گردد.

در اسناد بین‌المللی نیز از قبیل ماده دوم «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و مواد مختلفی از «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به صراحت عنوان شده است که افراد مختلف بشر به علت تفاوت‌های دینی نباید از حقوق خود محروم شوند و به دیگر سخن تفاوت دین بین افراد یک کشور نبایست باعث تبعیض بین آن افراد شود. از آنجا که ایران به این میثاق پیوسته و این معاهده در مجلس نیز به تصویب رسیده است، لذا مستند به ماده هفت قانون مدنی مقررات آن در حکم قانون بوده و لازم الاتباع خواهند بود.

بنابراین با عنایت به این اسناد بین‌المللی هم، فراز آخر ماده مورد بحث که موجب تبعیض بین وراثت به علت تفاوت در دین آنها می‌گردد، بر خلاف قوانین بوده و قابلیت ترتیب اثر ندارد.

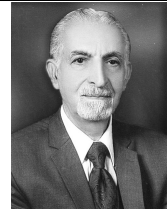
آنچه که در این گزارش مطرح شد، نمونه‌هایی از مجموعه ادله مخالف با حکم مقرر در بخش دوم ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی می‌باشد که در پایان نامه نگارش یافته به طور کامل به آنها پرداخته شده است. امیدواریم با تلاش نمایندگان محترم اقلیت‌های دینی در مجلس و همراهی دیگر نمایندگان و مسئولان دلسوز نظام، هرچه زودتر شاهد تصویب تبصره‌ی الحاقی یا دستورالعمل اجرایی برای رفع این مشکل باشیم تا دشمنان نظام و این مملکت نیز از بیان اتهامات واهی تبعیض دینی در ایران، بیش از پیش دلسرد و مایوس شوند. ■

می‌باشند» که اتفاقاً راوی آن نیز مورد وثوق می‌باشد. مضافاً به اینکه حتی با فرض صحت هر دو دسته روایت موافق و مخالف، با استناد به قاعده «الدلیلان اذا تعارضوا، تساقطوا» هر دو روایت مخالف با یکدیگر، ساقط شده و قابلیت استناد ندارند.

سوم آنکه، در مورد اجماعی که از دلایل دیگر تقنین این ماده قانون مدنی عنوان شده است، باید گفت از آنجا که این اجماع فقها با استناد به روایات بوده و حاصل استنباط و اجتهاد فقها و مجتهدین نبوده است، لذا اجماع «محصل» نبوده و اجماع از نوع «مدرکی» است که این نوع اجماع نزد فقهای شیعه حجیت نداشته و قابل استناد نمی‌باشد.

همچنین در روایات مختلف و اسناد فقهی، به رعایت حقوق غیر مسلمانان تاکید شده است. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر در مورد نحوه حکمرانی، فرموده‌اند که «مردم دو گونه‌اند، یا برادران دینی تو و یا همسان تو در آفرینش هستند، با همه آنها دوست و مهربان باش و به عدالت رفتار کن». امام سجاده (ع) در کتاب «رساله الحقوق» و در بخش «حق الذمه» به مباحث مهمی در راستای حفظ حقوق غیرمسلمانان و رعایت آنچه که خداوند برای آنان مقرر فرموده است پرداخته‌اند. لذا احترام به حقوق اقلیت‌های دینی همواره از سفارشات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و همچنین دغدغه رهبران جمهوری اسلامی بوده است.

از طرفی دیگر، به نظر آنچه که در کنار دیگر مستندات فقهی، قابلیت استناد عقلایی نیز دارد، وجود عقدی به نام «عقد ذمه» است که در زمان صدر اسلام بین کفار با حاکم مسلمان منعقد می‌شد و پس از آن، کفار تحت امان حکومت اسلامی قرار می‌گرفتند و جان و مال آنها که تا آن زمان دارای احترام نبود از آن پس محترم شمرده می‌شد. بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که تمام مباحث فقهی پیرامون تفاوت ارث بری وراثت مسلمان و غیر مسلمان، مربوط به زمانی است که غیر مسلمانان هنوز با حاکم مسلمان عقد ذمه منعقد نکرده‌اند و پس از انعقاد آن است که تحت استیمان حکومت اسلامی قرار گرفته‌اند و نباید تفاوتی بین



دکتر امین دلرمیه

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

ضررهای کتمان شخصیت واقعی

«شخصیت واقعی خود را نشان دهید»

شخصیت روانی آدمی امروزه از سه دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در حقیقت هر انسانی دارای شخصیتی سه بعدی است. ابتدا آن چه که او درباره واقعیت خود تصور می‌کند دوم آن چه که دیگران درباره او فکر می‌کنند سوم آن چه که در حقیقت باید باشد و آن کمال معنوی و هدف نهایی است که خداوند برای بشر تعیین کرده است که بعد سوم می‌تواند مسیر زندگی را کاملا تغییر دهد. برای قدوسیت بخشیدن به این مقاله گفتارم را با آیه‌ای از کتاب ایوب پیغمبر فصل ۱۹ آیه ۲۶ شروع می‌کنم که می‌گوید **וּמַבְשֵׁרִי אֱחִיזָה אֱלֹהִים** یعنی «با توجه به جسمم آفریدگار را می‌بینم» یعنی خودشناسی خداشناسی است. در حدیث نبوی هم آمده: **مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ** یعنی کسی که خودش را شناخت قطعاً خدای خودش را شناخت و یا **أَعْلَمُكُمْ بِرَبِّهِ أَعْلَمُكُمْ بِنَفْسِهِ** یعنی داناترین شما به پروردگارش داناترین شما به نفس خود است. به طور کلی می‌خواهد به ما بفهماند که هر کس خودش را بیشتر بشناسد، خدا را بیشتر می‌شناسد.

از برناردشاو فیلسوف معروف انگلیسی پرسیدند: پس از تقریباً یک قرن زندگی اگر بخواهید با یک جمله انسان‌ها را برای رسیدن به خوشبختی راهنمایی کنید چه می‌گویید؟ او پس از اندکی تفکر پاسخ داد می‌گویم «خودتان باشید» و بعد هم به عنوان توضیح اضافه کرد خداوند در طبیعت بیشترین توانایی را برای خود بودن و صداقت داشتن با خود در اختیار بشر گذاشته است. سقراط هم می‌گوید: «خود را بشناس که خودشناسی اساس اخلاق است». بعضی از افراد سعی می‌کنند با تظاهر و نشان دادن شخصیتی غیرواقعی توجه دیگران را بیشتر جلب کنند در حالی که این امر نه

تنها به انسانی بودن روابط لطمه می‌زند بلکه زیان‌هایی برای خود شخص به بار می‌آورد به طوری که می‌توان گفت: سرپوش گذاشتن بر شخصیت واقعی خود از بزرگترین اشتباهاتی است که ممکن است فرد مرتکب آن گردد خود نبودن «به هر دلیلی که باشد بیش از آن که موجب گمراهی دیگران شود خود را گول می‌زند و این گول زدن خود ممکن است صدمات شدید روحی به شخص وارد کند. و شکسپیر هم می‌گوید اگر می‌خواهید از آرامش و آسایش برخوردار شوید تا آن جا که می‌توانید «خودتان باشید». دکتر آلبرت ایس معتقد است که صداقت نداشتن با خود ریشه بیشتر ناهنجاری‌های روحی و فکری است. شیوه صحیح زندگی این است که یک فرد نه تنها بکوشد خود را کامل‌تر بشناسد بلکه باید بتواند صداقتانه درباره خود قضاوت کند تجربه نشان داده که ریشه بیشتر روابط ناخوش‌آیند بین انسان‌ها به خصوص در زندگی‌های زناشویی ناموفق اثری از خود گول زدن و فرار از واقعیت وجود خود دیده می‌شود. سوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که بعضی افراد چرا موفق نمی‌شوند یا نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند که خودشان باشند؟ بزرگ‌ترین علت آن ترس باطنی و عدم اعتماد به نفس در شخص است.

پرده‌پوشی، هر چند ناخودآگاهانه باشد شخص را گرفتار ترس دائمی می‌کند و همین ترس به تنهایی می‌تواند زندگی او را تباہ و مختل سازد. کتمان شخصیت واقعی چه به صورت دائم و چه به صورت موقت چه شامل تمام شخصیت بشود و چه فقط قسمت‌هایی از آن را در برگیرد عملی است که نه تنها هیچ نفعی دربر ندارد بلکه زیان حاصل از آن به مراتب بیشتر از منفعت احتمالی‌اش است. برای امتحان هم که شده به یک نفر شخصیت واقعی خود

فرهنگ یهودی‌های شیراز (همن دلریم)

لغات روزمره	لغات روزمره
خیار = خریزه	بندیر = مُتظر
فورک = اجاق گلی	کَل پُک = مارمولک
چی شو = چادر	عسک = عکس
زَع روو = ادرار	بَدن گو = بادمجان
عَمبار = یواش	پای وتی = پای برهنه
کلوپ = لامپ برق	اُشلوکک = سیکسکه
پَلِشْتَه = آشغال گوشت	عُصرونک = اَرُوق
قُپ = صورت	بَکرو = ته دیگ
عَسَم = کفگیر	کِسرِع = کهنه بچه شیرخوار
فَسق = سقف	پچوو = فراوان
تِش = شپش	گوُلِگ = برجستگی گوشت روی سر
تُخچ = آدم شیطان	کولوتع = کلاه بچه شیرخوار
پِری نَع = پریروز	چَلَم = شلخته
سِدک = نردبان	چراغ تیریک = چراغ برق
قُوز = کاغذ	خَشک = چانه
بالک = طاقچه	خودی کک = سوسک
	بُلنگ = خیار سبز

را نشان بدهید و ببینید که چطور در مقابل او آرامش واقعی و کامل برخوردار خواهید بود.

البته لازم است اول با خودتان شخصیت واقعی خود را کشف کنید و سپس آن را به همه بشناسانید. وقتی پذیرفتید که در دنیا ماشین‌زده‌ای که در هر لحظه هزاران واقعه اعصاب خردکن رخ می‌دهد خود بودن بهترین راه برخورداری از آرامش فکر و راحتی اعصاب است. سعی کنید در وهله اول این صداقت را به خود بیازمایید و خود واقعی بودن در مقابل همه مردم نشانه هوشمندی بلوغ فکری و مخصوصاً اعتماد به نفس است به علاوه زندگی را به مراتب ارزشمندتر و بامفهوم‌تر و عمیق‌تر می‌سازد.

دکتر «کارل راجرز» می‌گوید: کسی که خودش را شناخته و از آن پس به صورت واقعی خودش است هرگز از مشکلات زندگی نمی‌ترسد و با دیگران بیگانه نیست در خود اعتماد به نفس و اختیار احساس می‌کند و لذت زندگی برایش به حد کمال می‌رسد مگر انسان می‌تواند بدون ایمان زندگی کند؟ مگر نباید کودک شیرخوار به پستان مادر ایمان داشته باشد؟ آیا نباید به کسان خود به آنان که دوستشان می‌داریم و به خودمان ایمان داشته باشیم؟ در حقیقت انسان بدون ایمان بی‌یار، بی‌امید تا ژرفای هستی خود در ترس و هراس است. چه خوب در کتاب حقوق پیغمبر فصل ۲ آیه ۴ آمده است :

וצדיק באמונתו יחיה

و شخص عادل (مؤمن) با ایمانش زندگی می‌کند. ■



آتوسا آرمین

مترجم

دیو نهفته‌ی درون ما

هر روز و هر ساعت ما در موقعیت تصمیم‌گیری قرار می‌گیریم. نتیجه اتخاذ هر تصمیم تقویت یکی از دو نیروی نهفته در وجود ماست، نیکی و پلیدی. پرسشی که با آن روبرو هستیم تقابل خیر و شر در جهان پیرامون ما نیست، بلکه تقابل آن در نهان ما و هر لحظه از زندگی است. (استیو لدر)^۱

پس از گذشت ۴۰ سال خاطرات زیادی از اتفاقات سال اول دانشجویی رشته فلسفه در یادم نیست به جز یکی که به روشنی در ذهنم مانده و آن بحث در باره یک ضرب‌المثل لاتین است. «انسان گرگ انسان است»^۲

گرگ در این مورد استعاره‌ای است از هر نیت یا عملی که فرد نسبت به همنوعش بدون در نظر گرفتن اخلاق و وجدان و بر اساس خلق و خوی حیوانی انجام می‌دهد. قرن‌ها بعد فروید این ضرب‌المثل را به گونه‌ای دیگر مطرح کرده است: «آیا ما آنقدر شجاعت داریم که اعمال و رفتارمان در حضور خود ما سنجیده شود؟»

در زمان تحصیل علوم دینی دریافتم که در تلمود نیز این عقیده مطرح شده که انسان، درنده‌ی همنوع خودش است. آنجا که از زبان حخامیم می‌گوید که: «در فقدان قانون و حکومت، انسان‌ها یکدیگر را می‌درند.»

کافیست فقط پنج دقیقه به اخبار دنیا در رسانه‌ها توجه کنیم تا به درستی این گزاره مطمئن شویم. اما دیدگاه‌های

دیگری نیز در باره طبیعت و سرشت آدمی مطرح است. چنانچه بخش عمده‌ای از کتاب مقدس به نهاد نیک آدمی پرداخته است. آرای افلاطون، سقراط و بودا که در متون کهن ثبت شده تا هم عصران ما گاندی و جان دیویی و آن فرانک موید باور به سرشت نیک آدمی است. از این منظر ذات طبیعی انسان بر خوبی و مهربانی نهاده شده است. اهدای خون، کار داوطلبانه در آشپزخانه‌ی نیازمندان و گرمخانه‌ی بی‌خانمان‌ها یا حتی عمل ساده‌ای مثل صرف چند دقیقه برای راهنمایی مسافر غریبه‌ای که راهش را گم کرده است، شاهی بر این ادعا است.

ما در جهانی انتزاعی از ادبیات، فیلم و برنامه‌های تلویزیونی احاطه شده‌ایم در حالی که جهان با واقعیات تلخی همچون جنگ، رویارویی نظامی، فقر و گرسنگی روبروست. بدین ترتیب دوگانگی به قدمت نوع بشر، ادامه می‌یابد: تقابل خیر و شر، ما و ایشان. ای کاش قضیه به همین سادگی بود. اگر از یک فرد معتاد که حتی زمانی به کوتاهی یک روز، یک ساعت یا حتی یک لحظه به ترک اعتیاد اندیشیده باشد یا شخصی که پای‌بند به سوگند ازدواجش نیست، فارغ از زن یا مرد بودنش، و حتی فقط یک‌بار به خطا بودن عملش فکر کرده باشد یا هر کسی که به نوعی سبب گناه را گاز زده باشد و لحظه‌ای احساس شرمساری کرده باشد، پرسید پی می‌برید که در مواجهه با خیر یا شر یگانه بازیگر عرصه‌ی وجود هریک از ما، نفس ما است، و ما توسط دو نیروی بنیانی خیر و شر که نیت غلبه بر ما را دارند به سویی کشیده می‌شویم. کشمکش بین گروهی که انسان را گرگ می‌دانند و مخالفان‌شان در مورد هر کدام از ما دوباره و چند باره هر ساعت و هر روز و هر هفته تکرار می‌شود. هفته‌ها و ماه‌هایی که زندگی ما برآورد

^۱ Steve Leder ربای ارشد کنیسای ویلشایر بولوار شهر لس آنجلس. متولد ۱۹۶۰ در ایالات متحده. دو کتاب پر تیراژ زیباتر از گذشته *More beautiful than before* و چگونه رنج ما را تغییر می‌دهد *How suffering transforms us* نوشته اوست. مجله نیوزویک دو بار نام او را در فهرست ۱۰ ربای تاثیرگذار آمریکا قرار داده است. م.

^۲ Homo hominis lupus

شاد و سلامت بودند.

اگر با بدبینی به این داستان فکر کنیم می‌گوییم که بهشتیان از روی خودخواهی فرد مقابلشان را سیر می‌کردند تا او هم همین کار را بکند. بسیار خوب سوال اینجاست که چرا جهنمیان به این نتیجه نرسیده‌اند که شرط سیر شدن، غذا دادن به دیگری است؟ اینها که باید زرنگ‌تر و خودخواه‌تر از بهشتی‌ها باشند. پس تفاوت بهشت و جهنم در این است که انسان بهشتی توانایی این را دارد که به جز خودش به مصلحت دیگران نیز بیندیشد و نیکخواهی‌اش شامل دیگری هم بشود ولی انسان جهنمی در حصار خودبینی و خودخواهی زندانی است. هنگامی که خود از نعمتی محروم است چرا دیگری از آن بهره‌مند باشد؟

حاکم‌های قرون قدیم، تاریکی وصف شده در بلای نهم از ده بلایی که سر مصریان نازل شد را آنقدر سیاه می‌دانند که مصریان و عبرانیان قادر به دیدن اینکه خصم هم مانند خودشان انسان است نبودند.

چرا گاهی به کسی که پشت چراغ قرمز شیشه اتومبیل‌مان را پاک می‌کند انعامی گشاده دستانه می‌دهیم ولی وقتی دیگر رومیان را بر می‌گردانیم؟ چون حس همدلی برای همه ما حسی گذران است، گاهی سر بر آسمان داریم و چند دقیقه بعد در اعماق دوزخ. در هنگام روشنایی با تمام وجود رنج دیگران برایمان ملموس است و گاهی چنان در تاریکی فرو می‌غلطیم که جز خود و منافعمان چیز دیگری را نمی‌بینیم.

مایمونید^۴ می‌گوید «هر فردی باید تصور کند که در دادگاه عدل الهی ترازوی اعمال همه انسان‌های جهان در وضعیت تعادل قرار دارد؛ خیر و شر به یک میزان. حال این رفتار اوست که وزن یک کفه را بیشتر می‌کند. پس عمل او بر آینده کل بشریت تاثیر می‌گذارد.» جهان‌بینی مایمونید بر اساس اطعام فرد روبروی ما بر سر میز است. اینکه ما در طول زندگی‌مان در موقعیتی قرار بگیریم که با عملی قهرمانانه جان کسی را نجات دهیم یا مرتکب عملی جنایت

آن است. پس ذات ما به طور عام مورد سوال نیست بلکه آنچه اهمیت دارد چگونگی عملکرد ذاتی ما در برشی از زمان است. بدین ترتیب اهمیت چالش اخلاقی ما با خویشتن برجسته تر از تعاملات با محیط و افراد پیرامون ماست. چالشی که تا واپسین دم حیات هریک از ما ادامه دارد. به تعبیر الکساندر سولژنیتسین^۳ خط مرزی بین نیکی و پلیدی از میان وجود ما می‌گذرد.

توصیف خیر و شر در متون مذهبی مرتبط با بهشت و جهنم است. راستی و درست‌کاری را پاداش زندگی ابدی در ملکوت است و عقوبت بدکاری تحمل رنج و درد ابدی در دوزخ. اما مفهوم بهشت و جهنم فراتر از توصیف مکانی حیات پس از مرگ است. داستان معروف مرد زاهدی که از خداوند خواست که راز بهشت و جهنم را، پیش از مرگ، برایش آشکار کند شاید شنیده باشید. خداوند درخواست او را اجابت و فرشته‌ای را مامور راهنمایی او کرد. ابتدا به جهنم رفتند. در اتاقی آراسته و جایی زیبا میز بزرگی از بهترین خوراکی‌ها چیده شده بود که گرداگردش افرادی با چهره‌های نحیف و زرد نشسته بودند. مرد زاهد متوجه شد که در دست آنها قاشقی بلند قرار دارد ولی چون آرنجشان خم نمی‌شود نمی‌توانند غذا را در دهانشان بگذارند پس گرسنه و بی‌جان به سفره رنگارنگ خیره شده‌اند. سپس به دیدار بهشت رفتند. عجب که همان اتاق بود و همان مکان و همان سفره. با آدم‌هایی که بدون آرنج دور آن نشسته بودند. ولی چهره‌ها پرطراوت و شادمان بود و حکایت از سلامتی آنان داشت. مرد زاهد متعجب از یکسان بودن فضای بهشت و جهنم از فرشته راهنمایش پرسید که چرا با وجود تشابه هر دو مکان، آدم‌های اتاق اول زرد و نحیف و افسرده بودند ولی آدم‌های اتاق دوم شاد و سرحال و سلامتند. فرشته به او گفت چند لحظه با دقت نگاه کند. اینجا هر کدام از افرادی که دور میز نشسته بودند با قاشق بلندش خوراک را در دهان طرف مقابلش می‌گذاشت در نتیجه همه سیر و

^۴ - موسی ابن میمون (هارامبام)، فیلسوف، طبیب و ستاره‌شناس یهود در قرون وسطی.

^۳ - Alexander Solzhenitsyn نویسنده و برنده جایزه نوبل ادبیات، تاریخ نگار و منتقد سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی. م.

از دوستان عزیزی که
تبحری در نویسندگی دارند
و تمایل دارند با مجله همکاری کنند،
خواهشمندیم مطالب خود را
به ایمیل مجله ارسال نمایند.
بدیهی است در صورت هم‌خوانی
با اهداف مجله به نام نویسنده
چاپ خواهد شد.

نشریه افق بینا آماده دریافت و
چاپ آگهی‌های شما همکیشان
عزیز می‌باشد.
در صورت تمایل با دفتر نشریه بینا
محل انجمن کلیمیان تهران تماس
حاصل فرمایید.

بار شویم، بسیار نادر است. اما در تک تک لحظات زندگی ما با پرسش درباره ماهیت وجودی مان روبرو می‌شویم. مقابله همیشگی خیر و شر و چیرگی یکی بر دیگری در وجود ما. این طنز روزگار است که این مقاله را پشت میز زیبایی با صفحه مرمر می‌نویسم، در اتاقی که چشم‌اندازش بام خانه‌ها و کافه‌های مشهور پاریس است. اتاقی در هتل معروف لو تتیا^۵ در قلب پاریس. این هتل در سال ۱۹۱۰ ساخته شده و افراد سرشناس زیادی در آن اقامت داشته‌اند. پابلو پیکاسو، شارل دوگل، آندره ژید، پگی گوگنهایم و ژوزفین بیکر. جیمز جویس هم بخشی از رمان معروف اولیس را در این هتل نوشته است. پس از اشغال پاریس در سال ۱۹۴۰ این هتل به مرکز ستاد ضد جاسوسی ارتش آلمان نازی تغییر کاربری داد. محلی برای اسکان، تفریح و بازجویی‌های افسران نازی. اخیرا مالک فعلی هتل برای بازسازی و احیای اعتبار هتل میلیون‌ها یورو هزینه کرده است. اینجا جایی است که تصمیمات جنایت‌بار زیادی که زندگی هزاران نفر را تحت تاثیر قرار داده گرفته شده است و من امروز پس از نوشیدن یک شیر قهوه مطبوع مشغول فلسفه‌ورزی درباره خیر و شر هستم.

انسان گرگ انسان است؟ من خریدار چنین تفکری نیستم. خیلی ساده‌انگارانه و یک جانبه است. داستانی که من به آن باور دارم داستانی از بومیان آمریکاست. روزی رییس قبیله‌ای کودکان را گرد خود آورده بود و برایشان داستان دو گرگ را می‌گفت: یکی از آن دو مهربان، صلح طلب، بخشنده، دیگر دوست و متواضع است. در مقابلش دیگری درنده و جنگجو، خودپسند، لاف زن و ظالم است. محل نزاع هم درون آدم‌هاست. داستان رویارویی این دو، کودکان را به هیجان آورده بود و پی در پی سوال می‌کردند که در پایان کدامیک پیروز بر دیگری است؟ پاسخ رییس کوتاه بود: «آن که شما به او غذا می‌دهید.» ■

منبع

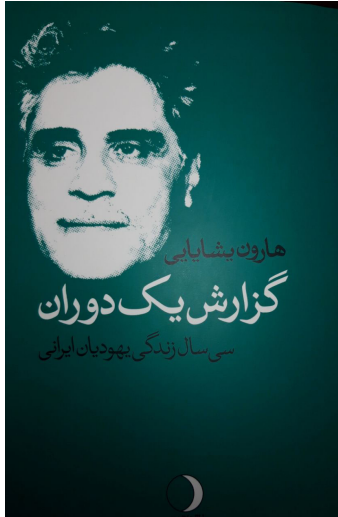
Special TIME Edition, 2019

رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز



لیورا سعیدی

کارشناس ارشد روانشناسی



محرکشان گرم شود و هر قدمی از دستشان، علم و هنرشان بر می‌آید برای خود و جامعه‌شان بردارند. حتی افرادی که در رأس امور هستند و مسئولیت‌های بزرگ‌تری در کمیته‌های انجمن برعهده دارند، با خواندن این کتاب به دلسردی‌های خود پشت پا بزنند تا در برابر ناملایمتی‌ها و کم‌لطفی‌هایی که از جانب دیگران نسبت به خود و خدمات‌شان می‌بینند یا می‌شنوند، دشواری‌های مسیر، حرف‌های درگوشی و پشت سر و ... تاب بیاورند، اجازه ندهند ضعف و سستی بر آنها غالب شود. راه را ادامه دهند و الگوی جوانان و نوجوانانی باشند که در نهادهای زیر مجموعه مشغول هستند.

افرادی مانند هارون یشایایی حس وظیفه‌شناسی، راه انداختن کارها و قاطعیت فقط در خونشان نیست، این موفقیت‌ها حاصل شب‌ها زود خوابیدن و صبح‌ها زود برخاستن است، حاصل مطالعه‌ی همیشگی کتاب‌های متعدد در زمینه‌های گوناگون است، حاصل هوش اجتماعی است، همان چیزی که روانشناسان از آن به عنوان EQ یاد

مدتی پیش وقتی کتاب «گزارش یک دوران» هارون یشایایی را مطالعه می‌کردم، به یاد برخی از نوجوانان و جوانان افتادم که بی‌انگیزه‌اند و از افسردگی و ضعف اعتماد به نفس رنج می‌کشند و باور به خود و توانمندی‌هایشان ندارند. اگر کسی به آنها بگوید بلند شو و کاری بکن، تحصیلت را ادامه بده، شغلی برای خودت دست و پا کن، هنری یا ورزشی را شروع بکن، یا ببین فلانی چقدر موفق است و جواب می‌دهند: «خب که چی بشه؟»

عبارت معروف «که چی؟» بین نوجوانان و جوانانی شایع است که می‌خواهند هر چیزی به راحتی نصیب‌شان بشود، همه چیز برایشان مهیا باشد و آنها فقط مصرف‌کننده باشند؛ هزینه‌های خود را از والدین مطالبه می‌کنند و باز هم شکایت دارند. اسم و رسم را با حساب بانکی و خانه و ماشین می‌سجند نه با تلاش، یادگیری و پیگیری.

این کتاب را باید همه بخوانند به خصوص افرادی که هدف ندارند، به دنبال الگو هستند، از توانمندی‌های خود آگاه نیستند، اهمال کارند، از ضعف‌هایشان می‌گویند اما راه غلبه بر آنها را نمی‌دانند، اشخاصی که اعتمادشان به خود ضعیف است، آنانی که احساس ناتوانی یا شکست می‌کنند، افرادی که میل به نبودن دارند؛ آن را باید به عنوان کتابی درمانی- انگیزشی مطالعه کنند تا بدانند در دشوارترین شرایط می‌توان راه باز کرد، با سرسخت‌ترین آدم‌ها می‌توان نشست و گفتگو کرد و در بحرانی‌ترین لحظات می‌توان باز هم ادامه داد.

تک تک جوانانی که در نهادها و سازمان‌های کلیمی مشغول فعالیت هستند یا فقط نامی در آنجاها دارند ولی با بی‌انگیزگی جمله‌ی معروف «که چی؟» همیشه در ذهن-شان می‌چرخد، این کتاب را یک بار بخوانند تا موتور

برخی از انسان‌ها به طور ذاتی دارا هستند و آن را پرورش می‌دهند؛ اینان مایلند در متن جامعه باشند و در مدیریت امور نقش اساسی و پررنگی داشته باشند، در مقابل افراد دیگری که ذاتاً ترجیح می‌دهند در حاشیه باشند.

ویژگی شخصیتی همچون مسئولیت‌پذیری و جدی گرفتن تک تک امور کوچک و بزرگ جامعه چیزی است که کمبودش در جامعه‌ی ایران و بالطبع جامعه‌ی کلیمی در بین جوانان احساس می‌شود؛ نقطه‌ای که اگر فشار داده شود هر کدام به بهانه‌هایی مثل: من وقت ندارم ... کار دارم ... چرا او نه؟ ... بقیه هستند ... به من چه! ... که چی بشه؟ ... متوسل می‌شوند تا از زیر بار آن فشار خلاص شوند.

اما هیچ کدام از این دلایل یا در واقع بهانه‌ها به ذهن یا زبان یشایایی یا امثال او جاری نشده و نخواهد شد. منظور من از بیان این نکات این نیست که همه جوانان باید یشایایی شوند یا مانند او ریاست انجمن را به عهده بگیرند یا فیلم بسازند یا نویسندگی و نقد انجام دهند، منظور این است که نگاهی به خود بیندازیم و ببینیم چطور از اوقات خود بهره می‌بریم؟ با چه کسانی نشست و برخاست می‌کنیم؟ چقدر مطالعه داریم؟ چقدر گوشه‌هایی از کار جامعه را گرفته و بلند کرده‌ایم؟ چقدر از ظرفیت و توان جسمی و فکری خود برای راه‌اندازی کار دیگران استفاده کرده‌ایم؟ چقدر از علم‌مان به بقیه بخشیده‌ایم؟ آدم‌ها چقدر برایمان ارزش دارند؟ خود را به جامعه بدهکار می‌دانیم یا از آن طلبکار؟ چقدر به خود و فرزندان‌مان گفته‌اند یا شنیده‌ایم در ایران نمی‌شود کاری کرد، اگر می‌خواهی خودت یا بچه‌ات پیشرفت کنی باید از ایران بروی.

هارون یشایایی ایرانی است و در ایران زندگی کرده است، یهودی است و پای‌بند به ارزش‌های دینی. تمام دشواری‌ها، موانع و محدودیت‌هایی که ما داریم او نیز داشت، چه بسا بیشتر و پررنگ‌تر؛ اما خصوصیات همچون پویایی، جسارت، عمل‌گرایی و واقع‌بینی وی (به نقل از ویراستار کتاب، ص ۱۱) که همه از انگیزه‌های درونی یک انسان هستند وی را برمی‌انگیخت، نه انگیزه‌های بیرونی از جمله داشتن حامی، پدر پولدار، پارتی و ...

می‌کنند؛ یعنی تنها IQ یا بهره‌ی هوشی کافی نیست که شخصی بهتر یاد بگیرد و پیشرفت کند، پول به دست بیاورد، موانع را پشت سر بگذارد و دوستان مهمی دور و بر خود داشته باشد؛ هوش اجتماعی یا به عبارتی سواد عاطفی نیز لازم است که این موضوع را بسیاری از آدم‌ها به خصوص والدین نمی‌دانند و تصور می‌کنند بالا بودن هوشبهر فرزندان برای تضمین موفقیتش کفایت می‌کند.

با وجودی که کتاب گزارش یک دوران، سرگذشت سی سال زندگی یهودیان در ایران را از زبان و تجربه‌ی نویسنده توصیف می‌کند؛ اما نورافکنی می‌اندازد به خود نگارنده و بازنمایی است از زندگی، افکار، جهان‌بینی و احساسات او، بدون این که نویسنده شخصا از خودش نوشته باشد.

ارتباط تنگاتنگ یشایایی با اقشار مختلف جامعه، چه اقلیت و چه اکثریت، چه ایرانی و چه خارجی، چه افراد خاص و چه اشخاص عام، نشان از هوش اجتماعی بالای او دارد؛ زندگی یشایایی تلفیقی از علم، هنر، سیاست، دین و تجربه است؛ انسانی چند بعدی یا ۳۶۰ درجه!

پا به بیرون از خود گذاشتن، خواستن و تجربه کردن، شکست خوردن، جلسه تشکیل دادن و صحبت کردن، چالش کردن، قانع کردن، پذیرفته نشدن، گوش دادن، ترسیدن و لرزیدن اما باز قدم برداشتن، حرکت کردن، سفر کردن، آدم‌های زیادی را دیدن، با عقاید و نظرات گوناگون آشنا شدن، طرد شدن، خسته شدن، ناکامی را تجربه کردن، اما باز جلو رفتن، از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که من از نویسنده‌ی این کتاب دریافتم که خودش در چگونه رقم خوردن دورانی از جامعه کلیمیان ایران نقش به سزا و پررنگی داشته است.

سال‌ها ریاست هیئت مدیره در انجمن کلیمیان به عنوان ارگان اصلی جامعه و کانون خیرخواه و بیمارستان دکتر سپیر، مدیریت در بخش‌های دیگر از جمله نشریه تموز و پس از آن نشریه افق بینا، فعالیت در کتابخانه مرکزی انجمن، جامعه روشنفکران یهودی و دیگر نهادها و سازمان‌های جوانان، صفت رهبری و داشتن توان بالای مدیریت را در آقای یشایایی توصیف می‌کند، از صفات شخصیتی که

خواستم اما نشد...

المیرا سعید

در شبت خواستم تک ستاره ای تنها شوم، اما نشد
 پر شوم من در هوایت، خواستم با تو هم آوا شوم اما نشد
 در دلت چون آرزویی، در رهت آوارهای
 بی تو من گم کرده راهم، خواستم با تو من پیدا شوم، اما نشد
 بر لبتم بودم ترانه، در دو دستت یک بهانه
 از همه باشم گریزان، خواستم در سرت سودا شوم، اما نشد
 مینشستم من به پایت، تا شوم روزی دچارت
 همه شب تا سحر، خواستم از غمت شیدا شوم، اما نشد
 از زمین تا کهکشانها میکشیدم پر به سویت
 میشدم باران به سویت، خواستم در برت دریا شوم، اما نشد
 در غروبی تلخ،
 میشدم ای کاش غرق در جادوی مستت
 در نگاه بیکران جادوی تو خواستم بی پروا شوم، اما نشد
 کاش میشد شهره هر سطر کتابت با نام من
 در کتاب عشق تو، خواستم من لیلا شوم، اما نشد

جوانانی که هنگام بی انگیزگی «که چی؟» هایشان زیاد می شود و تصور می کنند خدمت کردن مایه‌ی معطلی و قدرشناسی دیگر افراد جامعه خواهد بود، درس بزرگی را می توانند از این چهره ماندگار بیاموزند که او خدمت کردن را نه صرفاً از خود مایه گذاشتن، بلکه برای یادگیری و کسب تجربه بیشتر خودش به کار گرفته، همان طوری که در جایی از کتاب به عنوان نامه خداحافظی در آخرین شماره بینا در مهر ماه ۸۵ نوشته است:

«کسب تجارب و آگاهی بیشتر برای پیمودن این راه بود که همچنان در خدمت ملت بزرگوار ایران و جامعه یهودی خواهیم ماند و تا پایان عمر به میثاق مقدس خود در پیوند با فرهنگ و تمدن گرانقدر ایرانی و عشق و علاقه توأم با فداکاری برای وطن عزیزم ایران، یهودیت پاک نبوی، ارزش ها و آیین و سنن آن و اهمیت تاریخ دیرینه زندگی کلیمیان ایران پای بند خواهیم بود.» (ص ۳۷)

او در ادامه نامه اش از هدف بزرگ خود که شناساندن و پیوند ایرانیان کلیمی به خارج از ایران بوده و مستلزم به کارگیری تمام قوای درونی و بیرونی اش بوده نوشته است:

«تلاش من در این سالها انعکاس واقعیت زندگی مردم و یهودیان در ایران برای مردم جهان بوده و همه استعدادها و قابلیت های خود را به لحاظ معنوی و مادی در این راه به کار برده ام و از خداوند می خواهم که عشق و علاقه مرا به سرزمین و ملت ایران و اعتقاد مرا به عنوان یک یهودی راستین هم چنان مستدام بدارد.» (ص ۴۰)

و در آخر نامه اش، دورنمای این همه عشق، دلسوزی و زحمات فراوان برای خدمت به مردم را در پیامی و شاید آرزویی خلاصه می کند که به ما می گوید: «سهم من از این زندگی پرتلاش و ثمربخش با دیگران و تلاش طاقت فرسا برای خدمت به مردم فقط یک یادش به خیر خواهد بود!» (ص ۴۰) ■

منبع

گزارش یک دوران؛ سی سال زندگی یهودیان ایرانی: هارون
 یشایایی. انتشارات ماهریس. ۱۳۹۸

وزارت امور خارجه ايران و حفاظت از کليميان ايراني مقیم بالکان و فرانسه ویشی در خلال جنگ جهانی دوم (۲۵-۱۳۲۰)

رضا آذری شهرضایی

پژوهشگر تاریخ معاصر

رضا آذری شهرضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر زاده‌ی تنکابن و کارشناس ارشد علوم سیاسی است. او مقالات متعددی در زمینه تاریخ معاصر دارد که در نشریات مختلف به چاپ رسیده و کتاب‌هایی نیز در این زمینه منتشر کرده است که مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. این مقاله پیش از این در فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در زمستان ۱۳۹۶ منتشر شده و متن حاضر خلاصه‌ی مقاله‌ی اصلی است. سردبیر

خصوص آگاهی از وضعیت آنان به انجام رساند. سفارت سوئد در ۲۴ اسفند ۱۳۲۰ به وزارت امور خارجه ایران اطلاع داد که هیأت دولت رومانی قانونی را تصویب کرده که اموال غیرمنقول یهودی‌ها را مصادره نماید و کلیه یهودی‌ها باید اموال غیرمنقول خود را اعلام کنند. این قانون شامل یهودیان خارجی هم شده مخصوصاً کليميان ايراني، بنابراین مأمور سفارت سوئد به وزارت امور خارجه رومانی مراجعه و در خصوص کليميان ايراني به مذاکره می‌پردازد.



معاون وزارت امور خارجه خطاب به سفارتخانه‌های ایران در برن و آنکارا مشکلات یهودیان ايراني را در رومانی برشمارده و پیش‌بینی‌های لازم برای رفع مشکلات یهودیان ايراني را این گونه بیان می‌کند: «تصور می‌رود این مشکلات در نتیجه نداشتن روابط و عدم وجود قرارداد کنسولی باشد، چون بنا بر اصل مسلم حقوقی اگر دولتی بر اثر حق حاکمیتی که دارد خود را محق در ضبط قسمتی از اموال اتباع کليمی خود بداند نمی‌تواند به ملاحظات نژادی یا مذهبی اتباع کليمی دول دیگر را که برای امور تجارتي و یا کارهای دیگر در آن کشور اقامت دارند شامل نماید». او بعد از نقد اقدام دولت رومانی، به این دو سفارت مأموریت می‌دهد که «به وسایل ممکنه بازجویی نمایید که در این مورد نسبت به اتباع دول بی‌طرف خصوصاً مصر که وضعیت خاصی را دارد چه رفتار می‌شود و از نتیجه‌ی تحقیقات وزارت امور خارجه را آگاه سازید».

مشاور حقوقی وزارت خارجه بعد از بررسی خود اظهار داشت: «حق حاکمیت دول نسبت به اتباع خارجه مطلق نبوده بلکه محدود به حدی است که اصول و قواعد بین‌المللی مقرر می‌دارد. با توجه به اصول نامبرده هر دولتی مجاز و مختار است اتباع بیگانه مقیم قلمرو خود را از حق

پیش از جنگ جهانی دوم اقلیتی از کليميان ايراني در بالکان و فرانسه زندگی می‌کردند و دارای کسب و کار بودند که اگر نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در اروپا به خصوص سفارت ایران در سوئیس، هشپاری و پیگیری لازم را به عمل نمی‌آوردند صدها نفر از آنان در اروپا و در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها از بین می‌رفتند.

بعد از اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ سفارت سوئد در ایران حافظ منافع دول آلمان، مجارستان، رومانی و بلغارستان شد. همچنین دولت سوئد حافظ منافع ایران در بالکان گردید و سوئیس هم حافظ منافع ایران در فرانسه ویشی، یونان و آلمان. بنابراین حفظ اتباع ايراني در بالکان و فرانسه از طریق سفارت سوئد در بالکان و در فرانسه‌ی ویشی، توسط سفارت سوئیس انجام می‌شد. بعد از اشغال ایران توسط متفقین اتباع کليمی ایران در بالکان و فرانسه مورد اذیت و آزار و جان و مال آنان در معرض خطر قرار گرفت. اتباع ايراني نیازمند اقدامات عاجل وزارت امور خارجه ایران برای حفظ آنان بودند.

در رومانی

سفارت سوئد حافظ منافع اتباع ايراني به ویژه کليميان ايراني بود و وزارت امور خارجه ایران مکاتبات مستمری در

به بخارست می‌رود و در خصوص اقدامات سفارت سوئد در رومانی می‌نویسید: «در بوکارست تمام اتباع خودمان را پذیرفتم، دریافتیم که تماماً از مسلمان و ارمنی و یهودی فوق‌العاده از زحمات سفارت سوئد راضی بودند، حتی موقعی که آلمان‌ها و اولیاء آلمانی مآب رومانی سرکار بودند و زجر و زحمت فوق‌العاده به یهودی‌ها وارد آورده بودند و بیشتر آنها را کشته و دارایی آنها را ضبط و از منازل‌شان بیرون کرده بودند، در چنین مواقعی سفارت سوئد به اندازه‌ای زحمت کشیده و اقدامات نزد آلمان‌ها کرده که به ایرانی‌ها حتی یهودی‌های ایرانی کوچک‌ترین اذیت و آزاری وارد نیامد». «بیشتر این زحمات در نگاهداری جان و مال ایرانی‌ها را آقای Knut Anyou که مخصوصاً از سوئد برای رسیدگی به امور سفارت ایران و حفظ منافع ایرانی‌ها به سمت رئیس بخش B فرستاده شده بود کشیده است و ایرانی‌ها به قدری از ایشان امتنان کردند و یهودی‌ها مشارالیه را به اندازه‌ای پرستش نمودند که بنده وظیفه خود دانستم مشارالیه را به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی کنم تا برای قدردانی چندین ساله از ایشان یک قطعه نشان همایون از درجه سوم به او اعطاء فرمایند».

در بلغارستان

وزارت امور خارجه سوئد به عنوان حافظ منافع ایران در بلغارستان طی یادداشتی به تاریخ پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۲۲ به نمایندگی ایران در استکهلم اطلاع می‌دهد که دولت بلغارستان قوانینی تصویب کرده که به موجب آن کلیه یهودی‌های ساکن صوفیه باید این شهر را ترک و به شهرهای مختلف که مأمورین دولتی معین کرده‌اند بروند و به خانواده‌های یهودی اخطار شده که ظرف سه روز صوفیه را ترک کنند، در غیر این صورت به اجبار با ترن به لهستان تبعید خواهند شد.

به نظر سفارت سوئد در بلغارستان چون در شهرهای مختلف بلغارستان هیچ گونه تدابیری برای اسکان این جمعیت صورت نگرفته ظن قوی است که در نظر دارند یهودیان را بعد از جمع‌آوری و توقیف در میدان‌های اصلی شهر، به لهستان تبعید کنند نه به شهرهای بلغارستان. بدین جهت سفارت سوئد بلافاصله با مسئولین وزارت خارجه بلغارستان مذاکره کرده و خواستار عدم تبعید یهودیان ایرانی می‌شود و چون مقامات وزارت خارجه بلغارستان نتوانستند

تملک اموال غیرمنقول محروم نموده، آنها را وادار به فروش اراضی مزروعی و مستغلات خود بنمایند، ولی هیچ دولتی حق ندارد که املاک اتباع بیگانه را ضبط نماید و به طریق اولی هیچ دولتی محق نیست به ملاحظات نژادی و مذهبی، املاک پاره‌ای از اتباع خارجه را ضبط کند؛ اما «دولت رومانی می‌تواند به منظور رومانی ژاسیون یعنی استخلاص زندگانی اقتصادی و مالی رومانی از نفوذ یهودی‌ها، اتباع کلیمی دول خارجه را وادار به فروش املاک خود بنمایند، ولی به هیچ عنوان مجاز نیست مجانا و بدون پرداخت قیمت عادلانه املاک آنها را ضبط کند. اصل مندرجه فوق یک قاعده مطلق بوده و انعقاد قرارداد اقامت یا بازرگانی دیگری و یا بالاخره وجود یا عدم وجود شرط دولت کامله الوداد نمی‌تواند اثری در حل و قطع این موضوع داشته باشد».

اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه از سفارت ایران در استکهلم می‌خواهد موارد حقوقی ذکر شده را برای وزارت امور خارجه سوئد بیان و خواهان رفع مزاحمت از اتباع کلیمی ایرانی توسط دولت رومانی شود. در پاسخ، سفارت ایران در استکهلم به وزارت امور خارجه ایران طی تلگرامی متذکر می‌شود: «به قرار اطلاع حاصل از وزارت خارجه سوئد قوانین رومانی راه حل را در موضوع املاک یهودی‌های اتباع ایران مسدود نموده، امیدواری دارد موضوع به خوبی حل شود». سفارت ایران در برن طی نامه‌ای در ۴ خرداد ۱۳۲۲ به سفارت سوئد در برن از قوانین ضد یهودی دولت رومانی ابراز نگرانی کرده و از دولت سوئد می‌خواهد که یهودیان ایرانی را در قبال این قوانین حفاظت نماید و سفارت ایران در برن را در این خصوص مطلع نمایند. سفارت سوئد در رومانی تا زمانی که به اندازه کافی گذرنامه ایرانی در اختیار داشت به هر کسی که ادعای تابعیت ایرانی نمود، برای حفاظت از آنان گذرنامه ایرانی در اختیارشان گذاشت و حتی زمانی که گذرنامه ایرانی به اتمام رسید، گذرنامه سوئدی حافظ منافع برای کلیمیان ایرانی صادر می‌کرد. به گزارش عباس فروهر وزیر مختار ایران در بلغراد، سفارت سوئد در رومانی برای رفع مزاحمت آلمان‌ها خیلی سهل و آسان به هر کسی که ادعای تابعیت ایرانی داشت پاسپورت می‌داد. در دی ماه ۱۳۲۵ مأموریت سفارت سوئد در رومانی برای حفاظت از اتباع ایرانی پایان می‌یابد و وزیر مختار ایران در بلغراد برای بررسی اوضاع اتباع ایرانی

فراهم آورد. به نظر آنان ترکیه به سختی ویزا صادر می‌کند ولی رفتن به استانبول یکی از راه‌ها، می‌تواند باشد. سفارت ایران در استکهلم طی نامه‌ای به وزارت خارجه سوئد اعلام می‌کند در خصوص فروش اجباری اموال و اخراج یهودیان ایرانی از صوفیه، وزارت امور خارجه سوئد رسماً اعتراض وزارت خارجه ایران را به دولت بلغارستان ابلاغ کرده و در مورد اجحاف ظالمانه‌ی آن دولت نسبت به ایرانیان یهودی که مغایر با حقوق بین‌الملل بوده ابراز ناخرسندی کرد.

در مورد بازگشت یهودیان ایرانی از بلغارستان؛ دولت ایران اقداماتی نموده و وزارت کشور ایران به تاریخ ۱۳۲۲/۹/۳ به وزارت امور خارجه ایران اعلام می‌کند که «عبور از خاک ترکیه خالی از اشکال نیست و به علاوه مقامات رسمی بلغارستان نیز از دادن روایت به کشورهای که جزو [دول] محور نیستند امتناع دارند و همچنین به علل دیگر، به نظر وزارت کشور بهتر است به تقاضاکنندگان اعلام شود که فعلاً در محل سکونت خود بمانند تا اینکه وسایل مسافرت فراهم شود». سفارت سوئد در صوفیه تا اواسط سال ۱۳۲۶ همچنان به خدمات‌رسانی به ایرانیان در صوفیه پرداخته و بعد از این تاریخ سفارت ایران در بلغراد کار خدمات‌رسانی را برای ایرانیان در صوفیه به عهده می‌گیرد.

در یونان

تعداد قلیلی یهودی ایرانی در آتن زندگی می‌کردند که سفارت سوئیس در آتن به عنوان حافظ منافع ایران مسئول حفاظت از آنان گردید. وزارت خارجه سوئیس در گزارشی به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ می‌نویسد: «اشغالگران آلمانی در یونان اقدام به جمع‌آوری یهودیان نموده ظاهراً با قطار اجباراً به لهستان منتقل خواهند شد». مسئولین وزارت خارجه سوئیس خواستار مستثنی کردن یهودی‌های ایران و فراهم‌آوری شرایط مطلوب برای آنان گردیدند. مقامات آلمانی به سفارت سوئیس پاسخ دادند که تبعید یهودیان ایرانی نه به سبب یهودی بودن آنها است بلکه به این سبب است که آنان اتباع کشوری هستند که با آلمان قطع رابطه کرده و اعلان جنگ دادند.

در فرانسه

سوئیس حافظ منافع ایران در فرانسه، جهت حفظ یهودیان ایرانی از گزند حوادث، تدابیر و تلاش‌های وافری

قول مساعدی در این باره بدهند، سفارت سوئد «مستقیماً با کمیساریای مخصوص امور مربوط به یهودی‌ها وارد مذاکره و اقدام شده و تقاضا نموده است از مزاحمت اتباع یهودی ایران موقتاً خودداری شود. کمیساریای نامبرده فقط وعده کرده است که برای تسهیل امکان بازرسی احوال یهودی‌های ایرانی آنها را در یک محل در شهرستان‌های بلغارستان سکونت و تمرکز دهند و این موضوع را کمیساریای امور یهودی‌ها به طور اطمینان بخشی به سفارت سوئد وعده داده است که یهودی‌های ایرانی در جایی که در شهرستان‌ها برای آنها در نظر گرفته شده جمعاً و با هم اسکان یابند تا سفارت سوئد بتواند به وضعیت آنها رسیدگی و از حال آنها باخبر باشد». نماینده وزارت امور خارجه ایران در سوئد به وزارت خارجه اطلاع می‌دهد که یهودیان ایرانی خارج از بلغارستان تبعید نشدند و اقدام سفارت سوئد موفقیت آمیز بود.

به رغم تدابیر لازم، ظاهراً تعدادی از خانواده‌های یهودی ایرانی به روسیه تبعید شدند، بلافاصله سفارت سوئد در بلغارستان آگاه شده کلنل Brunson وابسته نظامی سفارت برای سرکشی و آگاهی از وضعیت آنان اعزام می‌شود؛ کلنل Brunson در گزارشی می‌نویسد: از من خواسته شده که برای بازدید از یهودیان ایرانی و بررسی اوضاع آنان به روسیه بروم. در ۲۷ ماه جون [۱۹۴۳] با دو نفر از افراد پلیس روسیه به دیدار آنان رفت. پلیس مساعدت و اطلاعات لازم را داشته و وی با تمام یهودیان ایرانی ملاقات کرده و از نزدیک از مشکلات آگاه شده جمعا ۱۳ نفر و دارای لباس و تغذیه خوب بودند، آنان به همراه یهودیان بلغار به روسیه تبعید شده بودند. خواسته‌ی آنان این بود گذرنامه ایرانی‌شان تمدید شده و راهی برای بازگشت‌شان به ایران فراهم شود. زندگی در بلغارستان برایشان از آن پس دیگر مقدور نبود، زیرا دولت بلغارستان با زور یهودیان ایرانی را وادار کرده اموال خود را بفروشدند و بلغارستان را ترک کنند و آنان دیگر امکاناتی برای احیاء زندگی و تأمین معاش خود نداشتند.

وزارت خارجه سوئد بعد از ارسال گزارش وابسته نظامی خود، متذکر می‌شود وضعیت یهودیان ایرانی مناسب است ولی چون امکان تأمین مایحتاج خود را در بلغارستان ندارند، لازم است وزارت امور خارجه ایران راهی برای بازگشت آنان

بازگشت به هیچ ایرانی را نمی‌دهد. سرداری در ادامه، باز بر روی ایرانی بودن آنان تأکید کرده و خواستار آن شد: تا زمانی که نمی‌توانند فرانسه را ترک کنند و از قوانین جاری تبعیت می‌کنند با توجه به حضور اجباری، شرایط برای آنان سخت‌تر نشود و همچنین فرمانداری پاریس کلمه «یهودی» را از روی اوراق آنها پاک کند.

وزارت خارجه سوئیس در گزارشی به سفارت ایران در سوئیس به تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۲۲ اعلام می‌کند که قانونی تصویب شد که تمامی مؤسسات یهودی بدون استثناء باید آریایی لیزه شوند. اموال یهودی‌های خارجی باید همچون یهودی‌های فرانسوی فروخته شود. قاسم‌زاده مشاور حقوقی در نامه‌ای به وزارت خارجه به تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۲۲ این اقدامات دولت ویشی را بررسی کرده و می‌نویسد: «موضوع کار اجباری یهودی‌های اتباع ایران مقیم فرانسه باید از دو جهت مورد بررسی واقع گردد یکی از لحاظ قراردادهای منعقد شده بین دولتین ایران و فرانسه و دیگری از حیث اصول و مقررات بین‌المللی». قاسم‌زاده شرایط را در دولت ویشی متفاوت می‌داند و می‌نویسد: «... دولت ایران محق است این عمل دولت فرانسه را مخالف اصول بین‌المللی دانسته و از دولت مشارالیها [فرانسه ویشی] معافیت یهودی‌های اتباع ایران را درخواست نماید». در تاریخ ۹ تیر ۱۳۲۲ وزارت خارجه سوئیس به سفارت ایران در برن اطلاع می‌دهد که چهار کلمه ایرانی در بازداشتگاه درانسی (Drancy) محبوس هستند. سفارت ایران در برن پی‌گیر اتباع یهودی خود بوده می‌نویسد: «در دنباله اقدامات پیشین خود توسط وزارت امور خارجه سوئیس اقدامات خود را پی و تأکید لازم نموده تا بلکه یهودی‌های اتباع ایران را از این مقررات مستثنی و آنها را آزادی بخشند. البته برآیند اقدامات به هر جا منتهی شد به عرض وزارت امور خارجه خواهد رساند». بدین طریق سفارت ایران در برن از طریق حافظ منافع ایران در فرانسه یعنی دولت سوئیس اوضاع یهودیان ایرانی را رصد و پیگیری می‌نمود. ■

انجام داد. دکتر قدیمی نوایی وزیر مختار ایران در برن به وزارت خارجه‌ی ایران اعلام کرد وزارت خارجه سوئیس گزارش کرده قوانین ضد یهودی و اجحافات علیه یهودیان در ویشی رو به ازدیاد است. در خصوص قوانین ضد یهودی می‌نویسد: «از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۲ [جمعه ۲۰ آذر ۱۳۲۱] عموم یهودی‌های اتباع بیگانه مکلفند که برگه‌های شناسنامه و خواری‌های خود را نزد [مقامات] محلی ارائه داده که کلمه یهود در روی آنها قید گردد. وزارت خارجه سوئیس می‌نگارد که چون معلوم نیست تا چه اندازه این مقررات شامل حال یهودی‌های اتباع ایران مقیم فرانسه می‌شود سفارت آنها [منظور سوئیس است] در ویشی از وزارت خارجه فرانسه در این زمینه توضیحات خواسته و مشغول اقدام است بلکه بتواند آنها را از این مقررات معاف دارد و عملاً زیر سرپرستی خود قرار دهد. برآیند به هر جا منتهی شد، بعداً به عرض خواهد رسانید». دکتر قدیمی نوایی در نامه‌ای دیگر به تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ به وزارت خارجه سوئیس در مورد ویژگی‌های یهودیان ایرانی می‌نگارد: ایرانیان یهودی که در ایران به دنیا آمده و اجداد آنان ایرانی است و در ایران به نام کلمی نام برده می‌شوند و به فارسی صحبت می‌کنند و ابداً زبان عبری و یدیش نمی‌دانند و کاملاً جزو جامعه ایرانی هستند به لحاظ جسمانی همانند دیگر ایرانیان هستند و خیلی وطن‌پرست هستند و همه آنان که در فرانسه اقامت دارند، خواهان بازگشت به ایران هستند اما دولت ویشی با خروج آنان مخالفت می‌کند.

آقای سرداری در تکمیل مطالب دکتر قدیمی نوایی به وزارت خارجه سوئیس می‌نویسد: یهودی‌های ایرانی مهاجر نیستند بلکه قسمتی از جامعه ایرانی هستند که کاملاً آداب و سنن ایرانیان را رعایت کرده در عین حال اصول دین حضرت موسی را رعایت می‌کنند. به همین دلیل در ایران به «موسایی» یا «جهود» نامیده می‌شوند. آنان هیچ‌گاه مهاجرت نکردند و با نژاد سامی هیچ اختلاطی ندارند. یهودیان ایرانی به همراه دیگر برادران ایرانی مسلمان خود در حدود سی سال پیش به قصد تجارت در اروپا سکنی گزیدند و همواره ارتباط خود را با اقوام خود در ایران و زادگاه خود قطع ننموده‌اند.

آنان هم در ابتدای جنگ همانند دیگران ایرانیان حفظ بی‌طرفی جنگ کردند، متأسفانه دولت ویشی اجازه

منابع

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
۲. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران
۳. سایت بی بی سی
۴. سایت روز آنلاین



سیمما افلاقی (رفوآ)
مترجم زبان انگلیسی

ریشه‌ی یهودیان اشکنازی

جغرافیایی تبدیل کرده است.^۱

در بررسی DNA یهودیان اشکنازی و مقایسه آن با داده‌های ژنتیکی پیشینیان آنها روشن شد که این گروه از یهودیان از نژاد اروپایی هستند و تنها ۳٪ ترکیب ژنتیکی آنان به مدیترانه شرقی (جایی که اکنون خاورمیانه نام دارد) شامل اسرائیل، لبنان، بخشی از سوریه و غرب اردن باز می‌گردد. مطالعات انجام شده توسط وی همچنین نشان می‌دهد که ۹۰٪ پیشینیان یهودیان شمال و شرق اروپا که به عنوان یهودیان اشکنازی شناخته می‌شوند از نسل یونانیان و ایرانیانی هستند که در ۲۰۰۰ سال پیش به کشور ترکیه کنونی مهاجرت کرده‌اند و بنابراین خاستگاه آنان به جای هر بخش دیگر از خاورمیانه، جایی در ترکیه کنونی بوده است.

این دانشمند بر این باور است که سه روستای فعلی ترکیه با نام‌های «اسکناز» (Eskenaz)، «آشاناز» (Ashanaz) و «ایسکناز» (Iskenaz) در غرب جاده ابریشم زادگاه این یهودیان بوده است و ریشه کلمه اشکناز از کلمه «آشگوزا» (Ashguza) است که مردم آشور و بابل سکایهاⁱⁱ را با این نام می‌خواندند. وی با اشاره به اسامی این روستاهای ترکی مدعی است که تنها در ناحیه شمال شرق ترکیه چنین روستاهایی با این نام‌ها وجود دارد. وی بر این باور است که سرزمین کنونی ایران هم خاستگاه دیگر یهودیان در قرن ششم بوده و تحملی که مردم فارسی‌زبان نسبت به یهودیان نشان دادند موجب گردید که آنان نام‌های ایرانی برای فرزندان خود انتخاب کنند، از آداب و رسوم و فرهنگ آنان پیروی کنند و در امر تجارت و بازرگانی در این کشور سرآمد باشند. آنها همچنین مردمی را که در کناره دریای سیاه زندگی می‌کردند به آئین خود درآوردند و به این ترتیب شبکه اجتماعی خود را گسترده‌تر کردند. در بین این یهودیان نوآئین، Alans

براساس نوشته‌های کتاب مقدس و باورهای دینی، یهودیان فرزندان ابراهیم، اسحق، یعقوب، سارا، راحل و لئا هستند. اما در طول تاریخ آنها با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه شده‌اند که منجر به مهاجرت‌های متعدد یهودیان به نقاط مختلف جهان گردیده است. در طول این تاریخ پر رمز و راز، یهودیان براساس مکانی که در آن سکنی داشته و تأثیری که از محیط زندگی و مردم اطراف خود می‌گرفتند به گروه‌هایی تقسیم شدند. از جمله یهودیانی که در فرانسه کنونی ساکن شدند خود را «سرفات» (Tsarefat) و گروهی که در کشور اسپانیای کنونی سکنی گزیدند خود را «سِفاراد» (Sefarad) و بالاخره گروه بزرگتری از یهودیان خود را اَشْکِنَازِی (Ashkenazi) نامیدند. در مورد خاستگاه یهودیان اشکنازی اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و محققان مختلف در برهه‌های مختلف زمانی براساس شواهد و مدارکی که در اختیار داشته‌اند فرضیه‌هایی را ارائه کرده‌اند. یک نظریه‌ی غالب در باره ریشه‌های یهودیت اشکنازی این است که آنها در امپراطوری روم موجودیت پیدا کردند و زبان «ییدیش» را هم که متشکل از زبان‌های عبری، آلمانی، اسلاویک و آرمائیکⁱ بود به عنوان زبان خود انتخاب کردند. طبق این نظریه‌ها محل سکونت این یهودیان در کناره‌های غربی رود راین بوده است.

طی سال‌های اخیر محققان مطالعات بسیاری را با استفاده از دانش علم ژنتیک، زبان‌شناسی و جغرافیای جمعیتی انجام داده‌اند که با نظریه‌های پیشین در یک راستا نیست. از جمله تحقیقاتی که اخیراً انجام شده مطالعاتی است که توسط دکتر Eran Elhaik، متخصص ژنتیک و یکی از محققان دانشگاه «شفیلد» انگلستان به عمل آمده است. وی با استفاده از سیستم مدل‌سازی کامپیوتری داده‌های ژنتیکی یهودیان اشکنازی را به اطلاعات

زبان سری در معاملات و تجارت خود استفاده می‌کردند. اما زمانی که امپراطوری خزرها در حوالی قرن یازدهم رو به افول گذاشت گروهی از یهودیان به بخش‌های مرکزی اروپا مهاجرت کردند. در این زمان بود که بازرگانان یهودی که به زبان ییدیش صحبت می‌کردند در تماس با مردم اروپای مرکزی قرار گرفتند که غالباً به زبان آلمانی صحبت می‌کردند و به تدریج کلمات اسلاوی را با کلمات آلمانی جایگزین کردند در حالی که دستور زبان اسلاو را همچنان به کار می‌بردند. به نظر می‌رسد که واژه‌های عبری هم کم‌کم راه خود را به این زبان باز کرده است. بررسی‌هایی هم که در باره زبان ییدیش توسط این دانشمند انجام گرفته نشان می‌دهد که این زبان اصالتاً زبان اسلاو است و در قرون ۸ و ۹ میلادی توسط بازرگانان یهودی که در شمال جاده ابریشم که چین را به اروپا متصل می‌کرد مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در زبان «ییدیش» وجود عناصر زبان ترکی و ایرانی بسیار قابل ملاحظه است. مجموعه تلمود که در قرن ششم میلادی تکمیل شد تاثیر زیادی از زبان و مذهب ایرانیان گرفته است. ■

منابع

1. Frontier
2. Wikipedia
3. The Independent

ⁱ -زبان Aramaic- زبان سامی قبایل آریایی که در شمال و مرکز خاورمیانه قدیمی زندگی می‌کردند. این زبان بسیار به زبان‌های عبری، سریانی و فنیقیه ای نزدیک است و با الفبای زبان فنیقیه ای نوشته می‌شود.

ⁱⁱ -مدل‌سازی ژنتیکی که در این تحقیق به کار گرفته شده بر اساس داده‌هایی است که از ۳۶۷ یهودی از مناطق شمالی و شرقی اروپا و ۶۰۰ فرد غیر یهودی از غرب آسیا و اروپا به دست آمده است. ⁱⁱⁱ -Scythians- سکاها- دسته ای از مردمان کوچ نشین ایرانی تبار بودند که قدمتشان به پیش از دوران هخامنشیان برمی‌گردد. ^{iv} -Shamanism- یک سنت تاریخی و یک سبک زندگی است. شمنیزم راهی است که انسان با طبیعت و تمامی مخلوقات ارتباط برقرار می‌کند. نام shaman اشاره به نام قبیله‌ای در سبیری دارد.

(قبیله‌های کوچ‌نشین ایرانی)، یونانیان و اسلاوها هم بودند که در ساحل جنوبی دریای سیاه سکونت گزیدند. آنها کتاب مقدس یهودیان را به زبان یونانی ترجمه کردند، کنیسه‌های متعددی ساختند و شبکه اجتماعی خود را توسعه دادند.

این مردم نام اشکناز را برای خود انتخاب کردند و دنبال کردن رد DNA یهودیان اشکنازی به اشکناز قدیم، جایی در جاده ابریشم در شرق ترکیه می‌رسد.

در زمانی که این یهودیان نام اشکنازی را برای خود انتخاب کردند گروه دیگری به نام Gok-Turks وارد عرصه شدند که در تاریخ یهودیان تاثیر گذار بودند.

در قرن ششم میلادی، این قبیله چادر نشین (Gok-Turks) تحت حکومت قبیله‌ای ترکی- سبیریایی به نام «آشینا» (Ashina) قرار داشتند. امپراطوری چین در آن زمان آنها را مجبور کرد که سرزمین خود را ترک کنند و به سمت غرب و دریای سیاه مهاجرت کنند.

قبیله «آشینا» به دلیل آشنا بودن با رموز جنگ با بسیاری قبایل در آن منطقه متحد شد و حکومت «خزرها» را تشکیل داد. در این حکومت آزادی ادیان وجود داشت و حکومت آنان به لطف برقراری سیستم مالیاتی توانست به سرعت قدرت بگیرد.

از دهه ۶۹۰ پس از میلاد، آزار و اذیت‌های امپراطوری مسیحی بیزانتین (روم) نقش مهمی در گسیل یهودیان از اطراف دریای سیاه به منطقه تحت حکمرانی امپراطوری خزرها داشته است. جایی که آنها را با آغوش باز می‌پذیرفتند. مردمی که تحت حکمرانی خزرها بودند اکثراً از نژاد اسلاو بودند. دانشمندان در بررسی‌های ژنتیکی یهودیان اشکنازی رد پای مردم خزر را هم یافته‌اند که از آئین خود -«شامانیزم»^v روی گردانده و به آئین یهودیت درآمده بودند. این بدین معناست که مردم «آشینا» که هسته مرکزی خزرها را تشکیل می‌دادند جذب جمعیت یهودیان شدند. جمعی از خزرها در دهه ۷۳۰ میلادی به آئین یهودیت پیوستند.

درست در همین زمان بود که یهودیان بسیاری از رسوم اسلاوها را هم آموختند و حتی از زبان اسلاو به عنوان یک

کلیمیان در آذربایجان ایران

(کلیمیان آذربایجان به کلیمیان ساکن در آذربایجان ایران اطلاق می‌شود)

نسترن جاذب



پادشاهان* می‌خوانیم: «و در سال نهم پادشاهی هوشع، پادشاه آشور، خطه سامره را اشغال کرد و اسرائیل را به سرزمین آشور به اسیری برد و آنان را در خلخ و خابور و نهر جوزان و شهرهای سرزمین ماد سکونت داد.» یهودیان در طول تاریخ در شهرهای مختلف ایران پراکنده شدند و از آن جا که مسافت‌ها دور و ارتباطها دشوار بود، هر جامعه یهودی یک واحد فرهنگی مستقل بود و با آن که همه یهودیان دارای باورهای دینی و آداب مذهبی مشترک بودند، ولی حتی زبان‌های محلی جداگانه‌ای بین آنان رایج گردید. بخشی از این یهودیان در خطه آذربایجان و بخشی دیگر در کردستان ایران ساکن گردیدند و دو فرهنگ جداگانه به وجود آوردند. شهر ارومیه مرکز استقرار یهودیان در آذربایجان ایران بود.

شهرها و مناطق سکونت

ارومیه

ارومیه از گذشته‌های دور دارای شماری از کلیمیان بوده است. در سال ۱۲۸۹ قمری جمعیت آنان در ارومیه ۱۲۰۰ نفر، ژاک دو مورگان نیز در سفری که به ایران داشت کلیمیان ارومیه را پرشمار ذکر کرده و آورده است که به جز بازرگانی به هیچ کار دیگری نمی‌پردازند. در سرشماری سال

آذربایجان ایران استانی است که در شمال غربی کشور واقع شده است. حضور یهودیان در آذربایجان به زمان آغاز سکونت یهودیان در پارس باز می‌گردد. اگر چه حضور این جامعه با مدارک و شواهد مستند فقط از قرن دوازدهم میلادی اثبات می‌شود.

بنیامین تودلایی بر پایه مسافرت‌های خود گفته است که بیش از صد دهکده در کوه‌های تفتان تا قسمت‌های میانی ایران وجود داشتند که در آنها آذربایجانی‌های ایران زندگی می‌کردند. ساموئل بن یحیی المغربي چنین نقل کرده است که داوید الرای (قرن دوازدهم) پیروانی برای حکومت مسیح‌نمایی خود در خوی، سلماس، تبریز و مراغه در ارومیه پیدا کرده است.

بعد از آنکه هولاکوخان در سال ۱۲۸۵ سلسله خود را در تبریز تاسیس نمود، پایتخت جدید، بسیاری از ساکنان یهودی را به خود جلب نمود. سعدالدوله نیز (۱۲۹۱) به عنوان یک درباری مدتی در این شهر حضور داشته است.

تبریز، سلطانیه و دیگر مکان‌ها در آذربایجان به عنوان مکان‌هایی شناخته می‌شوند که برخی از اتفاقات و رویدادهای مهم یهودی در قرن سیزده و چهاردهم در آنجا به وقوع پیوست. آذربایجان همچنین یکی از مراکز «قرائی‌ها» بوده است. در زمان حکمرانی صفویه نیز حضور یهودیان در چند ناحیه ذکر شده است.

یهودیان ایران بی‌تردید یکی از باستانی‌ترین اقوامی هستند که به این سرزمین رسیده و در آنجا سکونت یافتند و پیشینه یهودیانی که به فلات قاره ایران رسیدند به ۲۷۰۰ سال پیش باز می‌گردد. در آن روزگاران بود که امپراطوری آشور در چارچوب جهانگشائی‌های خود، مملکت ییسرائل را که یکی از دو حکومت یهودی سرزمین باستانی اسرائیل بود به اشغال درآورد و ساکنان آن را به سرزمین ماد تبعید کرد. در آن دوران، ماد خطه آذربایجان و همچنین کردستان امروز را که همگان دارای فرهنگ مشترک ایرانی بودند در بر می‌گرفت.

داستان ورود یهودیان به ایران و استقرار آنان در سرزمین ماد، در تورات مقدس نیز آمده است که در «کتاب

* - جلد دوم فصل ۱۷ آیه ۶.

گزارش تاجران ونیزی، یهودیان در تبریز سکونت دائم نداشتند و تنها برای تجارت به شهر می‌آمدند. به دلیل تبعیضات و تعدیات فراوان جمعیت کلیمیان تبریز در دوران صفوی پراکنده شدند. هر چند در قرن ۱۹ به حضور پررنگ ایشان در عرصه فرش اشاره شده است. امروزه همه‌ی آن‌ها به تهران مهاجرت کرده‌اند. در حال حاضر قبرستانی کشف شده که سنگ قبرهایی با نشان ستاره داود در آن‌ها دیده می‌شود که در منطقه دامنه سهند و روستای عنصروند شهرستان اسکو می‌باشد و این نشانگر حضور یهودیانی که به تجارت فرش مشغول بوده‌اند می‌باشد. آن‌ها در بافندگی چیره‌دست بوده‌اند.

سلماس

تسرتلی در دائرةالمعارف بزرگ شوروی از معدودی آشوری‌های سلماس سخن می‌گوید که یهودی بوده‌اند.

نقده

در سال ۱۸۸۱ نقده ۶۰ خانوار یهودی داشت که حدوداً ۳۶۰ نفر می‌شدند. تا سال ۱۹۰۱ جمعیت آنان به ۸۰۰ تن افزایش پیدا کرد که بعدها همه آنان مهاجرت کردند.

میاندوآب

در زمان قدیم این شهر کلیمیان زیادی داشته ولی به دلیل مهاجرت بسیار تعداد آنان کاهش یافته و همه در یک محله جمع شدند. در حال حاضر اقلیت بسیار اندکی از کلیمیان در میاندوآب هستند. آنان کنیسه ندارند و مراسم مذهبی را در خانه خود انجام می‌دهند.

یهودیان آذربایجان و کردستان به زمان باستانی «آرامیت» (زبان آرامی جدید) سخن می‌گویند که نشان پیشینه دیرین آنان در این سرزمین است، گرچه نسل‌های جدید متأسفانه این زبان محلی را به تدریج فراموش کرده‌اند و از میان ده‌ها هزار نفر یهودیانی که تا جنگ جهانی دوم در این خطه ایران زندگی می‌کردند، اکنون شمار بسیار اندکی باقی مانده است. وقتی در نیمه دوم قرن نوزدهم، یک پژوهشگر یهودی به نام ربی داوید دبیت هیلل از این خطه دیدن کرد، درباره شمار یهودیان چنین گزارش داد: ارومیه ۲۰۰ خانوار، سلماس ۱۰۰ خانوار، ساوجبلاغ (مهاباد) ۲۵ خانوار، میاندوآب ۱۵ خانوار. او می‌نویسد که در تبریز و مراغه یهودی باقی نمانده بود. ■

منبع

۱- سرنوشت و فرهنگ یهودیان آذربایجان، دالیا کهن امین.

۲- ویکی پدیا

۱۹۰۳-۱۹۰۴ میلادی جمعیت کلیمیان ارومیه ۲۲۰۰ نفر بود در جنگ جهانی اول یهودیان ارومیه در جنگ و درگیری میان آشوریان، ارمنه، ترک‌ها و روس‌ها گیر افتادند و در آتش این جنگ سوختند. آنان داستان‌های بسیاری از قتل و تجاوز به دست سربازان این ارتش‌ها به خاطر دارند. آنان کنیسه با قدمتی بالغ بر ۲۶۰ سال در این شهر دارند و گورستانی مخصوص به خود در تپه یهودیان یا جهودلرداغی. کلیمیان ارومیه به زبان آرامی و گویش لشان ددان صحبت می‌کردند. دبستان اتحاد در ارومیه به همت یهودیان برپا گردید.

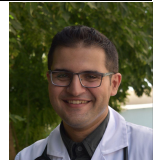
بوکان

از تاریخ آغاز سکونت یهودیان در شهر بوکان، اطلاعات دقیقی موجود نیست. اما دیوید یروشالمی در کتاب یهودیان ایران در قرن نوزدهم، جمعیت یهودی‌های ساکن بوکان را در سال ۱۹۰۱ میلادی مصادف با ۱۲۸۰ خورشیدی ۴۰۰ نفر (۶۰ خانه) ذکر نموده است. براساس گزارش‌های سازمان اسناد ملی ایران در سال ۱۳۲۶ تعداد ۸۰ خانواده یهودی در میان مسلمانان بوکان با آرامش و صمیمیت زندگی می‌کردند اما محله، کنیسه، قصابی، حمام و مغازه‌های آن‌ها جدا از مسلمانان بود. فرزندان آن‌ها در کنار فرزندان مسلمانان در یک مدرسه و کتابخانه مشغول به تحصیل بودند. یهودی‌ها بخشی از اقلیت مذهبی این شهر را تشکیل می‌دادند و پیشه‌ی بیشتر آن‌ها تجارت، پارچه‌فروشی و طلافروشی و پزشکی بود و در تاریخ بازار اکثر مغازه‌های این بازار را در اختیار داشتند.

کلیمی‌های این شهر در میان خود به زبان عبری صحبت می‌کردند و به زبان‌های کردی، فارسی و ترکی نیز آشنایی کامل داشتند. روزهای شنبه را تعطیل کرده و برای انجام مراسم مذهبی به کنیسه می‌رفتند. آن‌ها عمدتاً در محله‌ی یهودیان که در حال حاضر، کوچه‌های اطراف خیابان استاد هیمن و خیابان شهید نجاری را دربر می‌گیرد سکونت داشتند. کنیسه کلیمی‌ها در خیابان استاد هیمن در مجاورت منزل ابوبکر قاسمی واقع است.

تبریز

پیش‌تر جمعیت کوچکی از کلیمیان در شهر تبریز ساکن بودند. بعد از آنکه هولاکوخان در سال ۱۲۸۵ سلسله خود را تأسیس کرد بسیاری از یهودیان به این شهر مهاجرت کردند. در دوره حوالی دوره آق‌قویونلوها، بنابه



دکتر آرش آرمین

همه‌ی ما مقصریم

نگهداری و تعمیرات تاسیسات بیمارستان را دارند بی‌توجه از کنار این گزارش‌ها عبور کرده‌اند. از طرف دیگر شاید مسئولین اصلی بیمارستان به علت جلوگیری از خرج تراشی مانع از اصلاح این مشکل شده‌اند یا حتی شاید تامین‌کننده‌های مالی بیمارستان به علت کمبود بودجه یا مشکلات مشابه اجازه هزینه کردن در این زمینه را نداده‌اند.

همانطور که می‌بینید همه مقصرند.

این مثال کوچکی است از یک اتفاق ناخوشایند قابل پیشگیری که مشابهات بسیاری در اجتماع دارد. اما متأسفانه تنها به یافتن یک متهم جهت محاکمه بسنده می‌شود و معمولاً از تلاش برای یافتن علل زمینه‌ای صرف‌نظر می‌شود. فرض کنید یک جرم بزرگ مثلاً اختلاس در جامعه رخ دهد، پس از بررسی‌های اولیه مراجع قانونی، زمانی که رسانه‌ها به این موضوع پرداختند تحرکات مختلفی در واکنش به این جرم در جامعه رخ می‌دهد. عده‌ای شروع به محکوم کردن عده‌ای دیگر می‌کنند و عده‌ای دلیل تراشی می‌کنند، عده‌ی دیگری حتی از این کار حمایت می‌کنند و معتقدند کسی که توانایی چنین کاری دارد حقیقت است. اما نکته‌ای که اغلب فراموش می‌شود این است که تنها زمانی اختلاس امکان پذیر می‌شود که عده‌ی زیادی از بدنه جامعه با مجموعه‌ای از اقدامات یا حتی منفعل بودن‌ها زمینه مناسبی را فراهم آورده باشند. به عبارتی می‌توان گفت برای اینکه یک نفر بتواند اختلاس کند باید هزاران نفر به طرق مختلف با او همکاری کنند بدون اینکه از فرایند اختلاس سودی ببرند حتی اگر با ناآگاهی مورد سواستفاده قرار بگیرند، اینجا نیز نه یک نفر بلکه همه مقصرند.

تکدی‌گری، سوءاستفاده از کودکان کار، دزدی، قتل، کلاهبرداری، تجاوز و هزاران مثال دیگر می‌توان آورد که در آنها جرم، ناهنجاری و یا هر اتفاق منفی دیگری رخ دهد و در

استاد روانپزشکی تعریف می‌کرد چند سال قبل بیماری را که افکار خودکشی داشته بستری می‌کند و تاکید موکد بر این که ریسک بالای خودکشی دارد و نیازمند نظارت یکسره و شدید است، چند ساعت پس از ترک بیمارستان، حوالی شب خبر می‌رسد که بیمار خودکشی کرده و خودکشی موفق نیز بوده، روش خودکشی حلق آویز کردن و محل خودکشی حمام بیمارستان که فاقد دوربین و نظارت از راه دور بوده و متأسفانه چند لوله آب که از سقف بیرون بوده محل مناسبی شده برای که بیمار ملحفه‌های تختش را ریسمان کند و دقایقی که هیچ کس حواسش نبوده اقدام به خودکشی کند.

استاد می‌گفت بیمارستان مقصر اصلی شناخته شد و ملزم به پرداخت دیه گشت، پزشک کاملاً تبرئه شده چون تمام اقدامات لازم را توصیه کرده و درصد کمی هم سایر افراد حاضر در بیمارستان که غفلت کرده‌اند مقصر شناخته شده‌اند.

اما آیا این نحوه تقسیم قصور صحیح است؟ خودکشی یکی از اورژانس‌های روانپزشکی است و باید به سرعت به فردی که افکار خودکشی دارد رسیدگی شود.¹ از سن آن بیمارستان سال‌ها می‌گذرد و طی این مدت افراد زیادی در بخش مربوطه شاغل بوده‌اند، از خدمه گرفته تا پرستار و پزشک و اغلب این افراد با کسانی که تمایل به خودکشی داشته سر و کار دارند و نقص‌های محیطی را که می‌توانند در مسیر خودکشی مساعد کننده باشند به خوبی می‌شناسند، اما احتمالاً هیچ کدام گزارشی مبنی بر وجود محلی برای حلق آویز کردن در حمام بیمارستان نداده‌اند و یا اگر داده باشند افراد دیگری که مسئولیت رسیدگی به این موارد و

¹ - Kaplan and Sadock's Pocket_Handbook sixth edition 2019



زرتشتیان و نژاد آریایی بسیار مورد توجه قرار دارد اما مهرورزی محدودیت قومیتی ندارد.

حجت‌الاسلام «محمد رضا صالح» رئیس جامعه المصطفی مشهد مقدس هم با اشاره به مطالعات خود در زمینه «محبت در دین اسلام» اظهار داشت: در دین مبین اسلام، محبت به همه حتی دشمن توصیه شده است چون اسلام نیاز انسان‌ها به محبت را یکسان می‌داند.

وی با اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام در قرآن افزود: خداوند به حضرت موسی فرمود «بروید به سوی فرعون که او طغیان کرده است پس به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد».

کشیش «داریوش عزیزیان» هم عنوان کرد: آن که محبت ندارد از خدا کاملاً بی‌خبر است زیرا خداوند، منشأ محبت است؛ انسانی که فاقد محبت و تهی از مهر و شفقت به هم نوع خود باشد از جایگاه انسانیت برخوردار نیست.

«آرش آبائی» در بیان دیدگاه یهودیت درباره‌ی محبت و نودوستی، با ذکر آیاتی از تورات و مباحثی از تلمود در این زمینه، نشان داد که چطور دغدغه‌ی علمای دین، در درجه‌ی اول و پیش از بیان احکام آیینی، اخلاق و محبت به انسان‌ها فارغ از عقیده و هر نوع تفاوت بوده است.

وی با ذکر آیه‌ی «برادرت را در دلت دشمن مدار^۲» از تورات اظهار داشت: مفسران یهود درباره‌ی این آیه چنین می‌گویند که معمولاً منع دشمنی با همنوع را می‌توان در حد عدم آزار جسمی یا کلامی به شمار آورد، اما این آیه‌ی تورات با افزودن کلمه‌ی «در دلت» اعلام می‌دارد که حتی کینه و عداوت نسبت به دیگری در درون نیز باید محو گردد.

آبائی در پایان سخنان خود نقش روحانیون و رهبران دینی را در برداشت و تحلیل نوع‌دوستانه از آموزه‌های مستقیم یا غیر مستقیم وحیانی با اهمیت دانست.

همه آنها می‌توان به بیش از یک مقصر رسید، اما متأسفانه ما همیشه به دنبال یک مقصر می‌گردیم که بتوانیم او را محاکمه و تا حد زیادی وجدان خود و دیگر افرادی را که همه حتی به مقدار ناچیز مقصر هستیم آرام کنیم.

اما چاره چیست؟ آیا باید همه افراد به خاطر اختلاس یک نفر محاکمه و مجازات شوند؟ هدف از نوشتن این مقاله جز این است، در حقیقت باید اعضای یک جامعه از این موضوع آگاهی داشته باشند که همه از جمله خودشان نقش کوچکی در بروز آن داشته‌اند و خود را میرا ندانسته و مسئول بدانند، به دنبال نقش خود بگردند و در صورت امکان آن را اصلاح کنند، مسلماً جامعه‌شناسان می‌توانند نقش مفید و موثری در این آگاهی و یافتن نقص‌های مورد نظر داشته باشند تا از بروز این اتفاقات جلوگیری شود. نکته دیگر آموزش است که بال دیگر مسئولیت‌پذیری در قبال اجتماع است. متأسفانه در جامعه ما علوم اجتماعی کم‌رنگ‌ترین عناصر آموزش مدارس و دانشگاه‌ها هستند و همواره تحت‌الشعاع درس دیگری قرار می‌گیرند که به زعم آموزش‌دهندگان اهمیت بیشتری دارند در حالی که این آموزش‌ها اگر به جا و صحیح باشند موجب پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها و جرایم متعدد خواهند شد. ■

نشست تخصصی

«محبت و عطوفت در ادیان ابراهیمی»

دومین نشست تخصصی «محبت و عطوفت در ادیان ابراهیمی» از سلسله نشست‌های بین‌المللی کنگره ملی امام رضا و گفت‌وگوی ادیان ۹ آبان ماه در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد برگزار شد.

در این نشست تخصصی که به ابتکار سازمان فرهنگی و همکاری بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و دانشگاه علوم اسلامی رضوی برگزار شد، نمایندگان از ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی حضور داشتند.

«اردشیر خورشیدیان» رئیس انجمن موبدان زرتشتی در این نشست با بیان اینکه مهر و محبت جزیی از ذات و فطرت انسانی است، اما شاید طریقت و شریعت مهرورزی در جوامع مختلف تفاوت داشته باشد، گفت: محبت در میان

^۲ לֹא תִשָּׂא אֶת אֶחֶיךָ בְּלִבְךָ תورات- سفر لاویان ف ۱۹

یهودیان مراکش

میلااد فردمهر

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی



Beth-El Synagogue

مراکش در زمان جنگ جهانی دوم، از انتقال یهودیان به اردوگاه های مرگ جلوگیری نمود. به دنبال استقلال این کشور در سال ۱۹۵۶ یهودیان از حقوق یکسانی نسبت به دیگر ادیان برخوردار شدند. اخیرا نیز پادشاه مراکش دهها هزار دلار بودجه برای مرمت و بازسازی گورستان های یهودیان در این کشور اختصاص داده است.

مکان ها و آثار باستانی بسیاری مربوط به یهودیان در این کشور وجود دارد. یکی از زیباترین کنیسه های مراکش به نام ابن دانان (Ibn Danan Synagogue) در شهر فاس قرار دارد. این کنیسه در قرن ۱۷ میلادی توسط خانواده ثروتمندی به همین نام ساخته شد و در سال ۱۹۹۹ به همت سازمان یونسکو مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت.

کنیسه ی بت ال (Beth-El Synagogue) به عنوان کنیسه ی مرکزی و محل اجتماع جامعه یهودی در کازابلانکا شناخته می شود. پنجره های شیشه ای رنگی و سایر عناصر هنری آن هر ساله گردشگران

اکثرا با شنیدن نام کشور مراکش (Morocco) منطقه ای کویری و گرم خشک با نخلستان های فراوان در ذهن خود تداعی می کنیم. شاید حضور یهودیان در کشوری آفریقایی کمی دور از ذهن باشد ولی جالب است بدانید بسیاری از عالمان بزرگ یهودی همچون «هارامبام» (موسی ابن میمون) در این کشور می زیسته اند.

مغرب (یا مراکش) در شمال غربی آفریقا با حدود ۲۸ میلیون نفر جمعیت واقع شده است. پایتخت آن «رباط»، زبان های رسمی آن عربی، فرانسه و اسپانیایی، و مذهب رسمی آن اسلام می باشد. تاریخ سکونت یهودیان در «مغرب» یا به عبارتی در محدوده کنونی کشورهای مراکش، الجزایر و تونس به سال ۵۰۰ میلادی و طبق روایتی به قبل از خرابی معبد اول بیت المقدس برمی گردد. همچنین در سال ۱۴۹۲ میلادی بسیاری از یهودیان که از کشور های پرتغال و اسپانیا اخراج شده بودند به مراکش مهاجرت کردند، هرچند در خصوص نحوه و علل مهاجرت نخستین یهودیان به این کشور اطلاعات دقیقی در دسترس نیست.

یهودیان مراکشی ضمن حفظ اعتقادات و سنت های یهودی خود دارای فرهنگ قدیمی و دیرپای مراکشی بوده اند که نه تنها متأثر از اعتقادات دینی یهود بوده بلکه بخشی از فرهنگ و تمدن مراکش را تشکیل داده است. آن ها آهنگ و لحن خاص خود را هنوز در قرائت متون دینی حفظ کرده اند.

همزیستی مسالمت آمیز یهودیان و مسلمانان در کشور مثال زدنی است. سلطان محمد پنجم حاکم وقت



صدور فوری انواع بیمه‌نامه‌های
ثالث و بدنه، آتش‌سوزی، باربری، مسئولیت و مهندسی،
مسافرت، عمر و سرمایه‌گذاری، حوادث انفرادی و گروهی
روضه‌زاده
۰۹۱۲۹۳۴۲۶۱۳
۰۹۱۹۳۶۱۸۲۹۰



Ibn Danan Synagogue

جناب آقای دکتر همایون سامه‌یح رئیس محترم انجمن کلیمیان تهران

بدینوسیله پیوند فرخنده‌ی فرزند دلبدتان را
تبریک گفته و سعادت آن دو عزیز را از خداوند متعال
خواستاریم.

هیئت تحریریه نشریه افق بینا

جناب آقای موسی حریریان مسئول محترم کنیسه‌های پل چوبی

سال نو شما مبارک، از زحمات شبانه‌روزی شما
بسیار سپاسگزاریم.
سلامتی و عاقبت به خیری جنابعالی و خانواده
محترم را از پروردگار عالم خواستاریم.

جماعت کنیسه‌های پل چوبی

زیادی را به خود جذب می‌کند. این کنیسه در
سال ۱۹۹۷ کاملاً مرمت شد. موزه یهودیان مراکش
(El Mellah Museum) در حومه کازابلانکا، تنها
موزه مرتبط با یهودیت در جهان عرب است.
در سال ۱۹۴۰ با آغاز جنگ جهانی دوم به علت
مهاجرت روزافزون یهودیان اروپایی به کازابلانکا،
جامعه یهودیان آفریقای شمالی از اهمیت خاصی
برخوردار شد به طوری که جمعیت یهودیان در مراکش
به ۲۵۰۰۰۰ نفر رسید. امروزه با وجود موج‌های
گسترده‌ای از مهاجرت، حدود ۲۰۰۰ یهودی در
کازابلانکا و حدود ۵۰۰ نفر در مناطق دیگر مراکش
باقی مانده‌اند. ■

منابع

<https://www.jewishvirtuallibrary.org/morocco-virtual-jewish-history-tour>
https://en.wikipedia.org/wiki/Moroccan_Jews
https://en.wikipedia.org/wiki/Ibn_Danan_Synagogue
<https://www.iranjewish.com>

قدیمی‌ترین کنیسه‌های قاره آسیا

مهندس فرینوش لازار

کارشناس ارشد الکترونیک

لبنان

این سومین کنیسه‌ی بزرگ گرجستان پس از کنیسه‌های بزرگ تفلیس و کوتاویسی است. در جریان زلزله سال ۱۹۹۱، کنیسه به شدت آسیب دید. چهار سال بعد، این کنیسه با حمایت دولت و کمیته توزیع مشترک یهودیان آمریکا نوسازی شد. رئیس‌جمهور وقت گرجستان در آن زمان، ادوارد شوارد نازه، در مراسم بازگشایی مجدد حضور داشت.

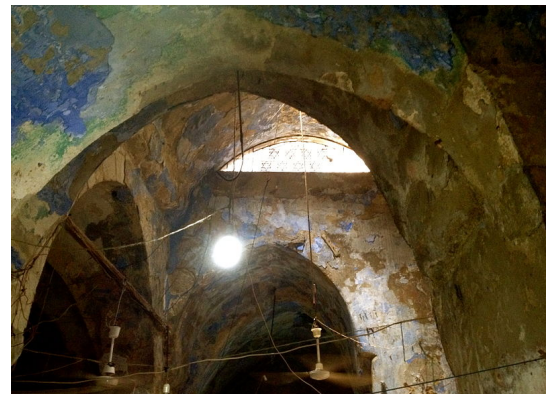
در سپتامبر ۲۰۱۵ مراسم برای جشن ۱۲۰ سالگی این کنیسه برگزار گردید، نخست‌وزیر وقت گرجستان (ایراکلی گاریبیش ویلی) نیز در آن زمان، در این مراسم شرکت کرد.

کشور گرجستان سابقاً ۲۵۰ هزار یهودی داشت، که متعلق به یک جامعه باستانی بود و قدمت آن به هزاران سال قبل می‌رسد. آنها آداب و رسوم محلی از جمله سبک مخصوص دعا را داشتند. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، اکثریت جمعیت یهودی به خارج از کشور مهاجرت کردند.

در سال ۱۹۷۲، کنیسه حدود ۳ هزار نفر جماعت داشت اما تا سال ۲۰۱۵ این تعداد به ۱۶ نفر کاهش یافت.



کنیسه سیدونیکه از قدیمی‌ترین کنیسه‌های جهان است. این کنیسه در شهر قدیمی سیدون (سعیده، لبنان) در محله یهودیان که به زبان محاوره Harat-al-hayud معروف است، قرار دارد. این کنیسه در سال ۸۳۳ میلادی ساخته شده، و اعتقاد بر این است که بنای کنیسه‌ی سیدون در مکانی بنا شده است که قبلاً کنیسه‌ای قدیمی قرار داشته که به قبل از تخریب معبد دوم بیت‌المقدس در سال ۶۶ میلادی باز می‌گردد. گفته می‌شود که حضرت مسیح در آن موعظه می‌کرده است. اگرچه از نظر اندازه بزرگ نیست، اما یکی از کنیسه‌های اصلی در لبنان به حساب می‌آید. بسیاری از یهودیان لبنانی پس از آغاز جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵، سیدون را ترک کردند و همین امر باعث شرایط نامساعد این کنیسه گردید.



Sidon synagogue

گرجستان

کنیسه اونی در اونی در جمهوری گرجستان، در منطقه راجا واقع شده است. کنیسه اونی در سال ۱۸۹۵ ساخته شده است و قدیمی‌ترین کنیسه‌ی دارای فعالیت در جمهوری گرجستان است.



Yu Aw Synagogue

پاکستان

کنیسه‌ی ماگن شالوم سنگ بنای یک جامعه یهودی قدیمی در کراچی پاکستان بود. این کنیسه توسط سلیمان دیوید عمردرکار در سال ۱۸۹۳ ساخته شد. کنیسه در سال ۱۹۱۲ توسط دو پسرش گرشون سلیمان امیردکار و رحیمیم سلیمان امیردکار گسترش یافت. یک سالن اجتماعات به نام «تالار شگلابای» توسط ابراهیم روبین کامردکار به یاد شگلابای سلیمان عمردکار ساخته شد. در سال ۱۹۱۶ جامعه یهودیان کراچی یک مدرسه عبری را در محوطه کنیسه افتتاح کردند و در سال ۱۹۱۸ تالار ناتان ابراهیم را ساختند. در کنیسه یک تابلو وجود داشت که بر روی آن خوانده می‌شد: «انجمن بنی اسرائیلیان پاکستان» و همچنین مواردی مانند: «فقط یهودیان مجاز به ورود به این مکان هستند.»

کنیسه به زودی به مرکز اجتماع کوچک یهودیان اما پرتحرک تبدیل شد، یکی از رهبران آن، ابراهیم روبین، در سال ۱۹۳۶ به عنوان مشاور در شورای شهر منصوب شد. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸، کنیسه ماگن شالوم ویران شد تا راهی برای مرکز خرید در محله رانچور لاینز کراچی شود.



Oni synagogue

افغانستان

کنیسه‌ی یوآوه در محله مماندا در شهر قدیمی هرات افغانستان واقع شده است. این منطقه زمانی با نام Mahalla-yi Musiyah یا «محله یهودیان» شناخته می‌شد. این تنها کنیسه در هرات است که با بیشتر خصوصیات اصلی خود حفظ شده است، اگرچه در حال حاضر دیگر کنیسه‌ای نیست و بقایای بنا در ضلع‌های شرقی، شمالی و جنوبی این صحن اکنون به عنوان مسکن خانوادگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اتاقی در زیرزمین سازه در ضلع غربی حیاط به عنوان مسکن توسط یکی از کارمندان اداره حفاظت از آثار تاریخی هرات استفاده می‌شود و باقیمانده ساختمان در وضعیت نامناسبی است.





Magain Shalome Synagogue

عراق

کودنگولار (که در آن زمان یک بندر تجاری رومی به نام موزیریس بود) مستقر شده بودند. آنها از پادشاهان محلی چریا مانند چرامان پرومال حمایت و حقوق ویژه‌ای دریافت می‌کردند و کنیسه‌ها را در شهرک‌های مربوطه خود برای عبادت عمومی تأسیس کردند.

کنیسه‌ی پاراوور یکی از قدیمی‌ترین کنیسه‌هایی است که هنوز در کرالا وجود دارد و همچنین یکی از بزرگترین کنیسه‌های موجود در هند می‌باشد. کنیسه‌ی کنونی در سال

کنیسه‌ی بزرگ بغداد، با نام Shafve'Yativ نیز شناخته می‌شود. به طور سنتی اعتقاد بر این است که محل کنیسه توسط پادشاه یهود، که از سرزمین اسرائیل به بابل تبعید شده بود، در سال ۵۹۷ پیش از میلاد ساخته شده است. گفته می‌شود از مصالحی که از خرابه‌های معبد اورشلیم جمع‌آوری شده، در ساخت آن استفاده شده است. این ساختمان اکنون به عنوان موزه‌ای که کنیسه در آن ساخته شده است مورد بازدید قرار می‌گیرد.



Shafve'Yativ Synagogue

هند

۱۶۱۵ میلادی در خیابان یهودیان پاراوور و بسیار نزدیک به بازار پاراوور ساخته شده است که جامعه یهودی در آنجا مستقر بوده و به عنوان بازرگان کار می‌کردند. در روایات سنتی به میراث بسیار قدیمی‌تری اشاره می‌شود و نشان می‌دهد که این بنا در بالای ویرانه‌های یک کنیسه‌ی قدیمی به تاریخ ۱۱۶۵ میلادی بنا شده است. ■

کنیسه‌ی پاراوور با نام مستعار پارور یکی از بزرگ‌ترین و کامل‌ترین کنیسه‌های یهودی در کرالا واقع در شمال پاراوور (پارور) هند می‌باشد. این بنا هم اکنون به عنوان کنیسه و برای عبادت استفاده نمی‌شود، با این حال اخیراً توسط دولت کرالا مرمت شده و اکنون به عنوان موزه تاریخ یهودیان کرالا برای بازدیدهای عمومی باز می‌باشد.

یهودیان مالا بار از هزاره اول قبل از میلاد برای تجارت وارد کرالا می‌شدند و جوامع آنها اکثراً در منطقه امروز

منابع

<https://www.bh.org.il>
<https://www.reuters.com>
<http://archive.diarna.org>

آشنایی با مشاهیر یهود جهان

امی نوتر

بزرگترین محقق زن یهودی در تاریخ ریاضیات مدرن

نیوشا پایاب



پرتوی امی نوتر در جوانی

آمالی امی نوتر (Amalie Emmy Noether)

ریاضی‌دان آلمانی بود که در قرن ۱۹ و ۲۰ دستاوردهای مهمی در علوم جبر انتزاعی و فیزیک نظری داشت. دانشمندان بزرگی از او به‌عنوان بزرگ‌ترین محقق زن در تاریخ ریاضیات یاد کرده‌اند. محققى که به‌نوعی تعریف مدرن ریاضیات را تدوین کرد. از مهم‌ترین نظریه‌هایی که توسط نوتر تدوین شدند می‌توان به حلقه، میدان و جبر میدانی اشاره کرد. دستاورد بزرگ او در فیزیک هم نظریه‌ای به نام خودش بود که ارتباط بین تقارن و قانون پایستگی را شرح می‌دهد.

دوران تحصیل و فعالیت‌های علمی نوتر با فشارهای متعدد حکومتی و اجتماعی جهت جلوگیری از کار و تحصیل زنان همراه بود. با این وجود او که از خانواده‌ای دانشگاهی به جامعه‌ی علمی معرفی شده بود، درجات علمی را یکی پس از دیگری طی کرد و حتی به مقام استادی در دانشگاه‌های آلمان رسید. شایان ذکر است پدر امیلی، مکس نوتر هم ریاضی‌دان بود.

از سال ۱۹۳۳ و با قدرت گرفتن نازی‌ها در آلمان، نوتر که از خانواده‌ای یهودی بود با شرایط دشواری روبه‌رو شد. به همین دلیل او هم مانند بسیاری دانشمندان دیگر به آمریکا مهاجرت کرد و در کالج برین ماور پنسیلوانیا مشغول به کار شد.

تولد و تحصیل

امی نوتر در ۲۳ مارس ۱۸۸۲ در ارلانگن باواریا متولد شد. او اولین فرزند از خانواده‌ای با چهار فرزند بود. پدرش مکس نوتر در سال ۱۸۶۸ از دانشگاه هایدلبرگ مدرک دکترای ریاضیات دریافت کرده بود و در سال ۱۸۷۵ با ایدا

آمالیا کافمن ازدواج کرد. مکس دستاوردهای مهمی در علم ریاضیات داشت که تمرکز عمده‌ی آن‌ها روی هندسه‌ی جبری بود و به‌نوعی دنباله‌روی آلفرد کلبش محسوب می‌شود. از میان دستاوردهای مهم مکس نوتر می‌توان به نظریه‌ی بریل-نوتر اشاره کرد که به منحنی‌های جبری می‌پردازد.

خانواده‌ی نوتر یک دختر و سه پسر داشتند. امی از سال‌های کودکی محبوب خانواده بود و با وجود روند متوسط در تحصیلات آکادمیک، هوش بالایی از خود نشان می‌داد. او از کودکی مبتلا به نزدیک‌بینی و کمی لکنت زبان بود. یکی از دوستان خانواده‌ی نوتر درباره‌ی دوران کودکی امی تعریف می‌کند که او هوش بالایی در بازی‌های فکری از خود نشان می‌داد. امی مانند بسیاری از دختران زمان خود، آشپزی و خانه‌داری و پیانو می‌آموخت؛ هرچند به هیچ‌یک از آن‌ها علاقه‌ی آن‌چنانی نشان نمی‌داد.

امی ابتدا در رشته‌ی زبان انگلیسی و فرانسه تحصیل کرد. دانشگاه ارلانگن در سال‌های تحصیل نوتر تنها دو

گوردان، استاد تحصیلات تکمیلی نوتر تا سال ۱۹۱۰ به تدریس در ارلانگن پرداخت و سپس بازنشسته شد. او تا مدتی در کنار استاد جایگزینش ارهارد اشمیت به فعالیت ادامه داد. اشمیت هم پس از مدتی دانشگاه را به مقصد وروتسواف ترک کرد. در نهایت گوردان در سال ۱۹۱۱ به صورت کامل بازنشسته شد و ارنست فیشر کرسی اصلی ریاضیات را در ارلانگن تصاحب کرد.

فیشر از اساتیدی بود که تأثیرات زیادی روی نوتر گذاشت و از همه مهم‌تر، او را با تحقیقات دیوید هیلبرت آشنا کرد. تحقیقات نوتر در ادامه‌ی هیلبرت، منجر به انتشار مقالات متعددی در سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۶ شد. مقاله‌های نوتر عموماً متمرکز بر موضوعاتی همچون میدان‌ها در توابع گویا و نامتغیرهای گروه‌های منتهای بود. این دوره‌ی زمانی از فعالیت‌های نوتر، شروعی بر درگیری او با مفاهیم جبر انتزاعی بود. زمینه‌ای که او در سال‌های بعدی دستاوردهای بسیار مهمی را در آن رقم زد.

دانشگاه گوتینگن در سال ۱۹۱۵ دعوت‌نامه‌ای را برای نوتر ارسال و او را به تدریس در دانشگاه دعوت کرد. دیوید هیلبرت و فلیکس کلین اساتیدی بودند که دعوت از نوتر را به جریان انداختند. البته درخواست آن‌ها با مخالفت اعضای دیگر دپارتمان‌های دانشگاه همچون زبان‌شناسی و تاریخ بود که به صراحت با تدریس زنان مقابله می‌کردند. یکی از اساتید در اظهار نظری گفته بود: «وقتی سربازان ما از نبرد بازگردند و متوجه حضور یک استاد زن در دانشگاه شوند، با خود چه فکری می‌کنند؟» در مقابل هیلبرت با جدیت با نظرات آن‌ها مخالفت می‌کرد و به هیچ وجه جنسیت را در تصمیمات آکادمیک مهم نمی‌دانست.

با وجود تمام مخالفت‌هایی که از سوی دپارتمان‌های متفرقه در دانشگاه گوتینگن وجود داشت، نوتر در آوریل همان سال برای تدریس راهی آنجا شد. کمی بعد مادر او فوت کرد و برادرش نیز برای خدمت به ارتش در جنگ جهانی اول، خانواده را ترک کرد. امی مجبور شد تا چند هفته‌ای را

دانشجوی دختر در میان ۹۸۶ دانشجوی خود داشت. امی در چنان شرایطی تنها امکان مطالعه‌ی دروس و حضور نسبی در کلاس‌ها داشت. به‌علاوه او برای شرکت در هر کلاس باید اجازه‌ی شخصی استاد مدرس را دریافت می‌کرد. با وجود تمام چالش‌های تحصیلی، امی نوتر در سال ۱۹۰۳ آزمون فارغ‌التحصیلی را با موفقیت در نورمبرگ به انجام رساند.

ترم زمستان ۱۹۰۳-۱۹۰۴ منجر به آشنایی امی نوتر با اساتید بزرگ ریاضی و فیزیک آن سال‌های آلمان شد. او در دانشگاه گوتینگن به تحصیل پرداخت و در کلاس‌های بزرگانی همچون کارل شوارتزشیلد، هرمان مینکوفسکی، اوتو بلومنتال، فلیکس کلاین و داوید هیلبرت شرکت کرد. پس از مدتی که از تحصیل نوتر در دانشگاه گوتینگن گذشت، محدودیت‌های تحصیل دختران در آن دانشگاه برداشته شد.

تحصیل در دانشگاه گوتینگن، نوتر را بیش‌ازپیش به ریاضیات علاقه‌مند کرده بود. او در سال ۱۹۰۴ به ارلانگن بازگشت و تمرکز خود را روی مطالعه و یادگیری ریاضیات گذاشت. پائول گوردان استاد جدید امی بود که در نوشتن تز نوتر در سال ۱۹۰۷ با موضوعی مرتبط به نامتغیرها در سال ۱۹۰۷، به او کمک کرد. گوردان از اعضای گروه محققان نامتغیرها بود و تز دانشجویی با استعدادش، شامل فهرستی از ۳۰۰ نامتغیر می‌شد. اگرچه اولین تز نوتر با استقبال مناسب اساتید و جامعه‌ی علمی روبه‌رو شد، خودش این مقاله و برخی نوشته‌های علمی مرتبط با آن را بی‌ارزش می‌دانست.

دوران تدریس

دستاوردهای مهم علمی نوتر در دوران تحصیل و تحقیق، تا حدودی محدودیت‌های حضور او در دانشگاه را کم‌رنگ کرد. مقامات حتی به او اجازه‌ی تدریس دادند. نوتر از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۵ در دانشگاه ارلانگن به تدریس پرداخت و البته هیچ حقوقی به خاطر فعالیت خود دریافت نمی‌کرد. البته عموم فعالیت‌های تدریسی نوتر به‌عنوان جایگزینی برای پدرش در زمان‌های بیماری انجام می‌شد.



و تأثیراتش بر جبر انتزاعی نوشت:

توسعه‌ی جبر انتزاعی که یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های قرن بیستم در ریاضیات محسوب می‌شود، به مقدار زیادی به او وابسته است. نوتر در مقاله‌های چاپ شده، کلاس‌ها و تأثیراتش بر همکاران و دانشجویان، یادگاری ماندگار در حوزه‌ی جبر انتزاعی از خود بر جای گذاشت.

نوتر برخی اوقات افتخار و ارزش تحقیقات و ایده‌های خود را به همکاران و دانشجویان منتقل می‌کرد. در واقع او از ارائه‌ی ایده‌هایش به دیگران و حتی کمک به آن‌ها در توسعه‌ی ایده و نظریه به نام خودشان، هیچ ابایی نداشت.

فعالیت‌های مهم ریاضی‌دان آلمانی در حوزه‌ی جبر از سال ۱۹۲۰ شروع شد و اولین مقاله به کمک اشمیدلر به نظریه‌ی ایده‌آل‌ها و ایده‌آل‌های چپ و راست در حلقه‌های ریاضیاتی پرداخت. یک سال بعد مقاله‌ی پیشرفته‌تری با تمرکز روی مفاهیم ایده‌آل‌ها منتشر شد که اروینگ کاپلانسکی جبرشناس آن را انقلابی نامید. مقاله‌ی دوم منجر به تولد مفهومی به نام «حلقه‌های نوتری» شد و در پی آن، مفاهیم متعدد ریاضیاتی به نام «نوترین» نام‌گذاری شدند.

بی‌ال فن در واردن دانشجویی بود که در سال ۱۹۲۴ از هلند به گوتینگن آمد و به‌صورت مستقیم تحت تعلیمات نوتر قرار گرفت. فن در واردن مهارت نوتر در تدریس و انتقال مفاهیم را غیر قابل قیاس با هر استادی دیگر می‌دانست. او بعدها در سال ۱۹۳۱ مقاله‌ای با موضوع جبر مدرن منتشر کرد که هنوز به‌عنوان مفهومی مرکزی و مرجع در این علم شناخته می‌شود. واردن در بخش‌های

به‌خاطر مراقبت از پدر بیمارش در ارلانگن سپری کند. امی نوتر در سال‌های ابتدایی تدریس در دانشگاه گوتینگن هیچ عنوان رسمی یا حتی حقوق و دستمزد نداشت. در واقع خانواده‌ی او هزینه‌ی تحصیلات و اقامتش در گوتینگن را پرداخت می‌کردند. کلاس‌ها نیز عموماً به نام هیلبرت برگزار می‌شدند و نام نوتر تنها به‌عنوان دستیار ثبت می‌شد. محدودیت‌های تحصیل زنان در آلمان مانع از پیشرفت‌های علمی نوتر نمی‌شد.

مقاله‌ی مهم نوتر در سال ۱۹۱۸ توسط یکی از همکارانش به نام اف کلاین به انجمن سلطنتی علوم گوتینگن ارائه شد. باز هم محدودیت تحصیل و تحقیقات زنان مانع از حضور خود نوتر در جلسه‌ی مذکور می‌شد، چون او هنوز به عضویت انجمن سلطنتی علوم در نیامده بود. نظریه‌ی نوتر به قدری در تاریخ علم اهمیت دارد که فیزیک‌دانان آمریکایی لئون ام لدرمن و کریستوفر تی هیل در کتاب خود پیرامون مفهوم تقارن، آن را یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌ها در توسعه‌ی فیزیک مدرن می‌دانند که حتی در کنار نظریه‌ی فیثاغورس قرار می‌گیرد.

پس از پایان جنگ جهانی اول، تغییرات اجتماعی شدیدی در آلمان رخ داد و زنان حقوق بیشتری پیدا کردند. به هر حال تغییرات سال‌های بعد باعث شد نوتر به موقعیتی رسمی‌تر در حوزه‌ی تدریس برسد. البته با وجود تأیید شدن استادی نوتر، او باز هم با موقعیت‌های رسمی استادی دانشگاه‌ها فاصله داشت و هنوز حقوق قابل توجهی هم برای تدریس و تحقیق دریافت نمی‌کرد. در نهایت در سال ۱۹۲۳ موقعیت رسمی (Lehrbeauftragte) از موقعیت‌های رسمی استادی و تدریس در آلمان) به نوتر اهدا شد.

جبر انتزاعی

نظریه‌ی نوتر که در بالا به آن پرداختیم، تأثیر عمیقی بر مفاهیم مکانیک کلاسیک و کوانتوم داشت. با این وجود نوتر بیش از همه در میان ریاضی‌دانان به خاطر تأثیراتش بر جبر انتزاعی شهرت دارد. نیتان جیکوبسون درباره‌ی نوتر

تلاش برای تدریس در دانشگاه ایالتی هم شد که در نهایت موفقیت آمیز نبود.

مهاجرت به آمریکا و مرگ

با به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان، شرایط برای اساتید یهودی همچون نوتر دشوار شد. فشارها بر آن‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یافت و دانشجویهای طرفدار حزب نازی هم تظاهراتی علیه اساتید غیر آریایی برگزار می‌کردند. یکی از قوانین هیتلر اساتید یهودی را مجبور می‌کرد تا برای خدمت در دانشگاه‌ها، ابتدا وفاداری به آلمان در جنگ جهانی اول را اثبات کنند. رخدادهای مذکور باعث شدند تا در آوریل ۱۹۳۳ نامه‌ای برای نوتر ارسال شود و او را از ادامه‌ی تدریس و فعالیت در گوتینگن منع کند.

امی نوتر مقاومت چندانی در برابر حکم نازی نداشت و به‌نوعی آن را به راحتی پذیرفت. او تدریس در دانشگاه را رها کرد، اما در خانه‌ی خود جلساتی با حضور دانشجویان قدیمی برگزار می‌کرد و به موضوع نظریه‌ی میدان‌های ریاضیاتی می‌پرداخت. حتی یکی از دانشجویان با یونیفرم نازی در کلاس خانگی او شرکت کرد، اما امی هیچ شکایتی به این اتفاق نداشت.

اساتیدی که به خاطر فشارهای حزب نازی بیکار شده بودند، به مرور به‌دنبال موقعیت‌های شغلی دیگر در خارج از آلمان رفتند. همکاران آمریکایی آن‌ها، موقعیت‌های متعدد علمی را پیشنهاد می‌دادند. آلبرت اینشتین و هرمان ویل از مؤسسه‌ی تحقیقات پیشرفته‌ی پرینستون پیشنهادهایی دریافت کردند. نوتر از دو مؤسسه‌ی علمی پیشنهاد دریافت کرد. کالج برین ماور در آمریکا و کالج سامرویل در آکسفورد پیشنهاد تدریس را به نوتر اعلام کردند. در نهایت پس از مذاکرات متعدد با بنیاد راکفلر در آمریکا، نوتر پیشنهاد برین ماور را پذیرفت.

نوتر در برین ماور با آنا ویلر دیداری مجدد داشت که زمانی در گوتینگن با هم دوست بودند. آشنای دیگر او در دانشگاه جدید، مدیر دانشگاه یعنی ماریون ادواردز پارک بود

متعددی از کتاب از آموزه‌های نوتر استفاده کرد و در ویرایش هفتم نیز اشاره‌ای به استادش داشت. هرچند نوتر هیچ‌گاه به‌دنبال کسب اعتبار از آن آموزه‌ها نبود.

بسیاری از نظریه‌های نوتر توسط شاگردانش تکمیل و منتشر شدند.

دانشگاه گوتینگن در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به مرکزی برای فعالیت ریاضی‌دانان و فیزیک‌دانان بزرگ جهان تبدیل شده بد. پاول الکساندروف از اساتید مشهور توپولوژی در آن سال‌ها بود که بازدیدی از دانشگاه داشت و بحث‌هایی کاربردی هم با نوتر پیش می‌برد. نوتر تلاش می‌کرد تا موقعیتی برای تدریس پاول در دانشگاه ایجاد کند که البته تنها به بورسیه‌ای از بنیاد راکفلر منجر شد. الکساندروف که از بحث و تبادل نظر با نوتر مفاهیم متعددی را فرا گرفته بود، در یادداشتی او را «بزرگ‌ترین ریاضی‌دان زن تاریخ» نامید.

سفر به مسکو

دانشگاه ایالتی مسکو برای ترم ۱۹۲۸-۱۹۲۹ دعوت‌نامه‌ای را برای نوتر ارسال کرد. او با پذیرفتن دعوت در کنار الکساندروف مشغول به کار شد و علاوه بر تحقیقات، کلاس‌هایی را هم با موضوع جبر انتزاعی و جبر هندسی برگزار می‌کرد. لو پانتریاجین و نیکولای چبوتاریوف از توپولوژیست‌هایی بودند که در مسکو با نوتر همکاری می‌کردند و بعدها از تأثیرات او در شکل‌گیری نظریه‌ی گالوا نوشتند.

امی نوتر هیچ فعالیت جدی در سیاست نداشت، اما در زمان حضور در مسکو علاقه‌ی زیادی به فعالان سیاسی آنجا و خصوصاً انقلاب روسیه نشان داد. او از پیشرفت‌های حکومت شوروی در حوزه‌های علوم پایه و خصوصاً ریاضیات شگفت‌زده بود و آن‌ها را نتیجه‌ی پروژه‌ی بلشویک می‌دانست. چنین رویکردهایی بعداً برای نوتر مشکلاتی به همراه داشت؛ چون برخی هم‌وطنان آلمانی به او به چشم یک مارکسیست نگاه می‌کردند. به‌هرحال رفت‌وآمد نوتر به مسکو باز هم ادامه یافت و حتی منجر به

درباره‌ی این ریاضی‌دان بزرگ گفته بود:

در مقام مقایسه‌ی برترین ریاضی‌دان‌های زنده، نوتر را می‌توان خلاق‌ترین ریاضی‌دان باهوش دانست که از زمان آزادی تحصیلات عالی برای زنان، زیسته است. در حوزه‌ی جبر که بزرگ‌ترین ریاضی‌دان‌ها سال‌های زیادی را به آن پرداختند، او راه‌هایی را کشف و کرد و توسعه داد که اهمیت زیادی در پرورش ریاضی‌دانان بزرگ امروز دارد.

امی نوتر جوایز زیادی را در زمان حیات دریافت نکرد، اما پس از مرگش در جوامع متعدد علمی از او تجلیل شد. از میان مهم‌ترین رخدادهایی که به‌عنوان یادبودی برای ریاضی‌دان بزرگ آلمانی برگزار می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انجمن زنان ریاضی‌دان در مریلند جایزه و رویدادی به‌نام نوتر دارد که هرساله در آن از زنان ریاضی‌دان تجلیل می‌کند.
- دانشگاه سیجن ساختمان دپارتمان‌های ریاضی و فیزیک را امی نوتر نام نهاده است.
- بنیاد تحقیقات آلمان برنامه‌ای برای تحقیقات پیشرفته‌ی علمی دارد که به نام برنامه‌ی امی نوتر شناخته می‌شود.
- خیابانی در ارلانگن به نام امی نوتر و پدرش مک نوتر قرار دارد.
- مؤسسه‌ی پریمتر در فیزیک نظری جایزه‌ای سالانه به نام امی نوتر دارد که به پیشرفت‌های مهم در حوزه‌ی فیزیک نظری از سوی زنان، اهدا می‌شود.
- از سال ۲۰۱۳ انجمن فیزیک اروپا جایزه‌ای را مخصوص زنان فعال در حوزه‌ی فیزیک به نام امی نوتر راه‌اندازی کرد.

نوتر علاوه بر تأثیراتی که در مفاهیم نظری و پایه‌های جبر انتزاعی داشت، دانشجویهای متعددی را نیز تا مقاطع دکترا تربیت کرد که بسیاری از آن‌ها امروز به‌عنوان شخصیت‌های مشهور جهان علم شناخته می‌شوند. از میان مشهورترین آن‌ها می‌توان به مکس دورینگ، ورنر وبر، گریته هرمان و ولفگانگ ویسمن اشاره کرد. ■

که با اشتیاق فراوان دانشجویهای گوناگون ریاضیات را به شرکت در کلاس‌های نوتر و آشنایی با او دعوت می‌کرد. در سال ۱۹۳۴، آبراهام فلکسندر و ازوالد وبلن از نوتر دعوت کردند تا در مؤسسه‌ی تحقیقات پیشرفته‌ی پرینستون به تدریس بپردازد. او دعوت همکاران خود را پذیرفت، اما با وجود حضور در دانشگاه، بعدها پرینستون را دانشگاهی مردانه خوانده بود که استقبال خوبی از او نداشت.

امی نوتر هم مانند بسیاری از دانشمندان میانه‌ی قرن بیستم آلمان، مجبور به مهاجرت شد

دوران زندگی نوتر در آمریکا با شرایطی مناسب همراه بود. او از تحقیقات و تدریس لذت می‌برد و حتی سفری به آلمان هم انجام داد. ریاضی‌دان بزرگ قرن بیستم در سال ۱۹۳۴ به کشورش بازگشت تا با برادرش دیداری داشته باشد. به‌علاوه با وجود اخراج اکثر همکارانش از دانشگاه، او اجازه پیدا کرد تا به‌عنوان یک مقام علمی خارجی دیداری از کتابخانه داشته باشد.

پزشکان در سال ۱۹۳۵ توموری را در لگن نوتر تشخیص دادند. بیماری او بعداً پیشرفت کرد و تومورهای بیشتری هم در بدنش پیدا شد. پس از چند جراحی موفق و استراحت جزئی، نوتر در ۱۴ آوریل همان سال دچار حمله‌ی تب شد و از دنیا رفت. چند روز پس از مرگ نوتر، تعدادی از دوستان و همکارانش مراسمی را برای یادبود برگزار کردند. خاکستر جسد او در راهروهای کتابخانه‌ی کری توماس در برین ماور دفن شد. هرمان ویل و ریشارد براوئر از پرینستون به برین ماور رفتند و در مراسم حضور یافتند. در ماه‌های بعد یادداشت‌های یادبودی از سوی بزرگان دنیای علم همچون آلبرت اینشتین، فن در واردن، پاول الکساندروف و دیگران برای امی نوتر نوشته شد.

یادبودها و یادگاراها

همان‌طور که گفته شد دانشمندان بزرگی در جهان نوتر را بزرگ‌ترین ریاضی‌دان زن قرن بیستم و حتی کل تاریخ دانسته‌اند. آلبرت اینشتین در نامه‌ای به نیویورک تایمز

گذری بر تاریخچه کنیساهای تهران

کنیсай מלא חַינָא (محلّه) (بخش اول)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری



سابقه‌ی سکونت کلیمیان در تهران حدوداً به ۲۱۰ سال پیش باز می‌گردد یعنی تقریباً یک دهه و اندی بعد از زمانی که آغامحمدخان قاجار، تهران را به عنوان پایتخت حکومت خود برگزید. البته در آن زمان کلیمیان در تهران زندگی نمی‌کردند، بلکه در منطقه‌ای بنام گیلیارد (از توابع شهرستانهای دماوند و فیروزکوه) سکنی داشتند. مهمترین دلیل براین مدعا وجود آرامستان تاریخی گیلیارد (متعلق به جامعه کلیمیان)، در منطقه گیلیارد دماوند است که هنوز بعد از گذشت قریب به دو قرن، همچنان جزئی از آثار باستانی آن منطقه به شمار می‌آید. بعد از گذشت حدود نیم قرن بعد، آرام آرام کلیمیان به دلایل مختلفی از جمله سرما و یخبندان بسیار شدید و طاقت‌فرسای زمستان‌های منطقه دماوند تصمیم گرفتند که از آن منطقه کوچ کرده و در تهران ساکن

شوند. بهترین گزینه در آن زمان برای سکونت آنان، منطقه خیابان سیروس و اطراف آن بود که در آن زمان جزئی از بخش ارگ قدیم تهران به شمار می‌رفت. لازم به ذکر است که اولین گروه کلیمیان ساکن در منطقه دماوند حدود سال -های ۱۲۴۷ و ۱۲۴۸ خورشیدی از آنجا خارج شدند و این جابجایی به شهر تهران تقریباً تا ۱۵ سال بعد نیز ادامه داشته است.

علت شهرت منطقه قدیمی سکونت کلیمیان به

عنوان محلّه یا سرچال

دلیل انتخاب کلیمیان قدیم تهران پس از جابجایی از منطقه گیلیارد دماوند به خیابان سیروس تهران و محلات اطراف اولاً نزدیکی به منطقه بازار تهران جهت ایجاد شغل

و کسب و کار مناسب و ثانیاً به جهت وجود ارگ قدیم تهران و بافت سنتی آن بوده است که بتوانند با امنیت و احساس آسودگی بیشتر در یک منطقه خاص از تهران قدیم آن زمان مجتمع گردند، اما دلیل نامگذاری «محلّه» بیشتر به این علت بوده است که همکیشان کلیمی بیشتر در یک منطقه خاص با محلات نزدیک به هم زندگی کرده و از محدوده زندگی خود خارج نمی‌شدند تا امنیت زندگیشان از تضمین بیشتری برخوردار باشد. در مورد مشاغل کلیمیان باید گفت که به فراخور علاقه و تخصصی که داشتند به مشاغلی از جمله نجاری، بزازی (پارچه فروشی)، قصابی و مرغ فروشی، فروشنده پرندگان و طیور، کفاشی و مشاغل مربوط به پوست و چرم و امثال آن اشتغال ورزیدند.

مشکلات کلیمیان در منطقه سیروس (سرچال)

گفته می‌شود که ابتدایی‌ترین مشکل کلیمیان پس از سکونت در خیابان سیروس و محلات تابعه آن ایجاد شغل مناسب و ایجاد مکان یا اماکنی جهت عبادات و انجام فرائض مذهبی آنان بوده که مدت‌ها با این دو مسئله دست به‌گریبان بوده‌اند.

حدود ۱۵۰ سال قبل مشکل مکان عبادت توسط افراد متمول و سرشناس و خیراندیش آن زمان تا حدود زیادی به‌صورت موقت حل شد، قضیه به این صورت بود که افراد سرشناس کلیمی که تا حدود زیادی از نظر موقعیت اجتماعی و وضعیت مالی در میان همکیشان، از جایگاه بهتری برخوردار بودند و دستی نیز به کارهای خیر (میسوا) داشتند، تصمیم گرفتند که در صورت داشتن مکان‌های مناسبی از جمله منزل بزرگ، قسمتی یا تمامی ملک مسکونی خود را به ایجاد کنیسا یا مکان مذهبی جهت ادای فرائض دینی و نیایش‌های مذهبی مردم همکیش خود اختصاص دهند. این قضیه تا مدتی مشکل وجود کنیسا را در این منطقه حل نمود اما دیری نمی‌پایید که پس از مدتی شخص خیر کلیمی یا از دنیا می‌رفت و پس از آن خانواده و بازماندگان او اعلام می‌کردند که دیگر راضی نیستند که منزل مسکونی پدرشان که در حقیقت ارثیه آنهاست به عنوان کنیسا مورد استفاده عموم قرار بگیرد (لازم به ذکر می‌باشد که در آن زمان وقف کردن ملک در میان جامعه کلیمیان رایج نبوده است)، اینجا بود که مشکل وجود کنیسا به‌طور جدی‌تر و ملموس‌تر از گذشته به چشم می‌آمد و برای مردم همکیش آزاردهنده‌تر از قبل می‌شد.

لذا طی جلسات و نشست‌های متعددی که با حضور بزرگان و افراد سرشناس و خیر جامعه کلیمی و اعضای انجمن کلیمیان وقت تهران (جبرا) برگزار شد، اتفاق نظر بر آن شد که در اسرع وقت تصمیم عاجلی جهت ایجاد و ساخت کنیسا جهت ادای فرائض مذهبی کلیمیان در محدوده خیابان سیروس و محلات اطراف آن گرفته شود.

ساخت کنیسای مَلاحینا (محلّه)

مَلاحینا، فرزند مَلا مُشه یزدی، بانی اصلی کنیسای مَلاحینا در خیابان سیروس می‌باشد. تاریخ فوت او به سال ۵۶۶۶ عبری و تاریخ تأسیس کنیسای مَلاحینا که بنام خود آن مرحوم نامگذاری گردیده است، در سال ۵۶۶۰ عبری (مطابق با ۱۲۷۸ خورشیدی)، ثبت شده است.

مَلا حَینا مَلَمِد یزدی از مهاجران یزدی‌الاصل مقیم تهران بود. محل سکونتش خیابان سیروس به سمت شمال، نرسیده به کوچه سرجنیونک (شهید مرادی فعلی) بوده که بعدها منزل وی با کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپهر فعلی) به‌صورت دیوار به دیوار واقع گردید.

او بخشی از منزل مسکونی خود را به عنوان کلاس تعلیم قوانین یهودیت و آموزش قرائت تورات مورد استفاده عموم همکیشان خود قرار داده و گفته می‌شود که همه روزه جلسات تعلیم به همراه تفیلائی روزانه (مینحا و عرویت) در منزل او با حضور جمعیت مشتاق همکیش نمازگزار برگزار می‌شد.

ادامه دارد...

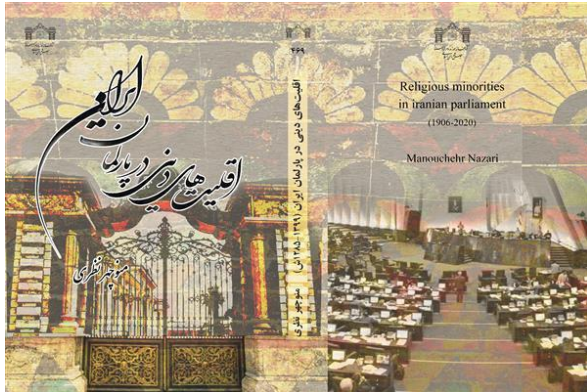
منبع

محلّه کلیمیان تهران، ناصر تکمیل همایون

معرفی کتاب

تاریخچه‌ی حضور نمایندگان کلیمیان در مجلس

مهندس آرش آبائی



به کوشش منوچهر نظری، دبیر شورای گروه مطالعات پارلمانی کتابخانه مجلس، کتابی با عنوان «اقلیت‌های دینی در پارلمان ایران» توسط انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) منتشر شده است. این کتاب گزارشی کامل از حضور اقلیت‌های دینی در مجلس ایران از تشکیل اولین دوره‌ی مجلس شورا در سال ۱۲۸۵ خورشیدی تا امروز ارائه نموده است. در این اثر ارزشمند پژوهشی، از مشاوره و آثار لثا دانیالی و پروفسور گوئل کهن نیز استفاده شده است.

این کتاب دارای سه فصل است: فصل اول: اطلاعاتی از حقوق اقلیت‌های دینی در اسناد بین‌المللی، قانون انتخابات و قانون اساسی از دوران مشروطه تاکنون.

فصل دوم: زندگی‌نامه و عملکرد نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای ملی و سنا که ۲۴ دوره از اواخر دوره قاجار (۱۲۸۵) تا پایان سلطنت پهلوی (۱۳۵۷) را در بر می‌گیرد. فصل سوم: زندگی‌نامه و عملکرد نمایندگان اقلیت‌های دینی در ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۹۹.

اولین نماینده‌ی منتخب کلیمیان در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی عزیزالله سیمانی بود که هنگام گشایش مجلس با مخالفت عده‌ای نسبت به حضور نمایندگان کلیمی و مسیحی مواجه شد و به ناچار کلیمیان نمایندگی دوره‌ی اول را به آیت الله سید عبدالله بهبهانی (و ارامنه به آیت الله سید محمد طباطبایی) واگذار کردند. اما از دوره‌ی دوم مجلس شورا تا انقلاب سال ۵۷، کلیمیان ۷ نماینده به این شرح برای مجلس انتخاب کردند:

- ۱- لقمان نهری (دوره‌های ۲ تا ۴ و ۶ تا ۱۳)
- ۲- شموئل حیییم (دوره‌ی ۵)
- ۳- مراد اریه (دوره‌های ۱۴ و ۱۸ تا ۲۰)
- ۴- موسی برال (دوره‌ی ۱۶)
- ۵- جمشید کشفی (دوره‌ی ۲۱)

- ۶- لطف الله حی (دوره‌های ۲۲ و ۲۳)
- ۷- یوسف کهن (دوره‌ی ۲۴)

نکات قابل توجه این که کلیمیان در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی علیرغم انتخاب مراد اریه، به دلیل عدم تایید اعتبارنامه‌ی وی، فاقد نماینده در مجلس بودند. همچنین موسی برال در سال ۱۳۲۸ نماینده‌ی کلیمیان در مجلس موسسان دوم جهت اصلاح قانون اساسی نیز بود. علاوه بر این، مراد اریه و یوسف کهن در مقاطعی به عضویت شورای شهر تهران نیز انتخاب شدند.

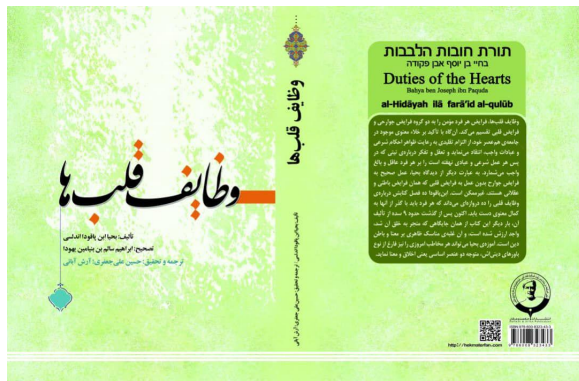
پس از انقلاب، اولین نماینده‌ی منتخب کلیمیان برای مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸)، اسحاق فرهمندپور بود که اعتبارنامه‌ی وی در مجلس تایید نشد و در انتخابات میان دوره‌ای سال ۱۳۵۹، کلیمیان نماینده‌ی دیگر برای دوره‌ی اول مجلس انتخاب نمودند و بدین ترتیب در تمام دوره‌ها تاکنون کلیمیان صاحب نمایندگانی به شرح زیر بوده‌اند:

- ۱- خسرو ناقی (دوره‌ی اول)
 - ۲- منوچهر نیکروز (دوره‌های ۲ و ۳)
 - ۳- کوروس کیوانی (دوره‌ی ۴)
 - ۴- منوچهر الیاسی (دوره‌ی ۵)
 - ۵- موریس معتمد (دوره‌های ۶ و ۷)
 - ۶- سیامک مره‌صدق (دوره‌های ۸ تا ۱۰)
- لازم به ذکر است که عزیز دانش‌راد نیز نماینده‌ی

کلیمیان در مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸) بود. ■

در باب وظایف قلبها

مهندس آرش آبائی



بحیا بن یوسف ابن پاقودا^۱، عارف و فیلسوف یهودی-اسپانیایی (متوفای ۱۱۶۱ میلادی) در منطقه‌ی مسلمان‌نشین منطقه بزرگ ساراگوسا (سَرَقِسْطَه) در اسپانیای اسلامی زندگی می‌کرد. از وی که دیان، یا قاضی محاکم شرعی یهود بود، کتابی اخلاقی - عرفانی با عنوان «الهدایه الی فرائض القلوب» برجای مانده که آراء فلسفی و عرفانی خود را در آن بیان کرده است. این کتاب در سال ۱۱۴۰ م. به عربی تالیف و در فاصله سال‌های ۱۱۵۰-۱۱۶۱ م. توسط یهودا بن تبون با عنوان «تُورَت حُوּوֹت הֶלְוֹאוּוֹת»^۲ (هدایت به سوی وظایف قلبها) به عبری ترجمه شد و مورد استقبال گسترده‌ی جامعه‌ی یهودیان قرار گرفت و مهم‌ترین و پرخواننده‌ترین کتاب در ادبیات یهودی قرون وسطی شد. ترجمه عبری این کتاب، تأثیر عمیقی بر ادبیات زاهدانه‌ی یهودیان نسل‌های بعدی گذاشت. این اثر که نخستین بیان نظام‌مند اخلاقیات یهودی را ارائه می‌کند مشتمل بر مقدمه و ۱۰ فصل با عنوان‌های زیر است:

بحیا بن یوسف ابن پاقودا اندلسی در مقدمه‌ی کتاب وظایف قلبها، وظایف یا فرایض هر فرد مومن را به دو گروه فرایض جوارحی (علم ظاهر) و فرایض قلبی (علم باطن) تقسیم می‌کند. آنگاه با تأکید بر خلاء معنوی موجود در جامعه‌ی یهود در زمان خود، از التزام تقلیدی به رعایت ظواهر احکام شرعی و عبادات واجب، انتقاد می‌نماید و تعقل و تفکر درباره‌ی نیتی که در پس هر عمل شرعی و عبادی نهفته است را بر هر فرد عاقل و بالغ واجب می‌شمارد. زیرا عقل، تورات و سنت حاخامی در توافقتند که حقیقت عبادات وابسته به نیتی است که در آن است. به عبارت دیگر از دیدگاه بحیا، عمل صحیح به فرایض جوارح (احکام ظاهری) بدون عمل به فرایض قلبی که همان فرایض باطنی و عقلانی هستند، غیر ممکن است^۳.

ابن پاقودا ده فصل کتابش درباره‌ی وظایف قلبی را ده دروازه‌ای می‌داند که هر فرد یهودی باید از آنها گذر کند (به رعایت آنها بپردازد) تا به کمال معنوی دست یابد.

فارغ از ارزش آکادمیک و تاریخی این اثر، اکنون پس از گذشت حدود ۹ سده از تالیف آن، بار دیگر این کتاب از

- باب اول: اخلاص توحید خداوند عزوجل.
- باب دوم: عبرت گرفتن از خلائق و فضل خداوند بر آنان.
- باب سوم: التزام به اطاعت خداوند.
- باب چهارم: توکل بر خداوند عزوجل.
- باب پنجم: اخلاص عمل برای خداوند و تحفظ از ربا.
- باب ششم: تواضع و خشوع در برابر خداوند.
- باب هفتم: توبه و حدود و توابع آن.
- باب هشتم: محاسبه‌ی انسان مر نفس خویش را از برای خداوند.
- باب نهم: زهد و نتایجی که از آن به دست می‌آید.
- باب دهم: محبت خداوند عزوجل و درجات آن.

^۳ دکتر فاطمه لاجوردی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱

^۱ בחי' בן יוסף ابن פקודה
^۲ חובות הלבבות

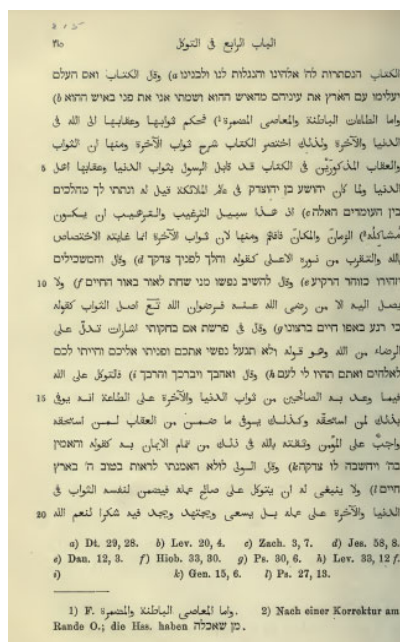
جایزه را از آن خود کردند. جایزه اقتصاد تنها جایزه‌ای است که توسط آلفرد نوبل ایجاد نشده و در سال ۱۹۶۸ توسط بانک مرکزی سوئد تعیین شده است. رویکرد این سه محقق تقسیم مسئله‌ی فقر به پرسش‌های کوچکتر و قابل کنترل‌تر بوده است، به‌عنوان مثال بررسی موثرترین اقدامات برای بهبود نتایج تحصیلی و یا سلامت کودکان. آزمایشات آنها با دقت طراحی شده و در بین افرادی که از فقر بیشترین آسیب‌ها را دیده‌اند، امتحان می‌شود. آکادمی علوم سلطنتی سوئد گفت: «به‌عنوان نتیجه‌ی مستقیم یکی از مطالعاتشان، بیش از ۵ میلیون کودک هندی از برنامه کلاس‌های بازآموزی در مدارس بهره‌مند شده‌اند. نمونه دیگر یارانه‌های سنگین برای مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه است که در بسیاری از کشورها معرفی شده‌اند».

در اواسط دهه ۱۹۹۰، کرمر و همکارانش با استفاده از آزمایشات میدانی برای آزمایش طیف وسیعی از مداخلات که می‌توانند نتایج تحصیل را در غرب کنیا بهبود ببخشند، نشان دادند که رویکرد جدید چقدر قدرتمند است.

مایکل (میشائیل) رابرت کرمر Michael Robert Kremer دانشمند در زمینه اقتصاد توسعه و اقتصاد سلامت و استاد دانشگاه هاروارد اهل ایالات متحده آمریکا است. او در سال ۱۹۶۴ در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. پدرش از خانواده‌ی اتریشی-لهستانی بود که به امریکا مهاجرت کردند. مادر او نیز از خانواده‌ی لهستانی مهاجر به امریکا، استاد ادبیات انگلیسی با تخصص در ادبیات یهودیان امریکا و ادبیات هولوکاست بود. کرمر در سال ۱۹۸۵ لیسانس علوم اجتماعی و در سال ۱۹۹۲ دکترای اقتصاد را از دانشگاه هاروارد دریافت نمود و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ تحقیقات فوق دکترایش را در مؤسسه فناوری ماساچوست ادامه داد. وی پس از دریافت مدرک فوق دکترای اقتصاد از ام‌آی‌تی در بهار سال ۱۹۹۳ به عنوان استادیار مدعو (مهمان) در دانشگاه شیکاگو شروع به فعالیت نمود، سپس به ام‌آی‌تی رفت و به عنوان استاد از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ در آنجا مشغول به تدریس گشت. کرمر از سال ۱۹۹۹ به بعد هم استاد تمام وقت در دانشگاه هاروارد است. ■

منابع

۱- www.independentpersian.com
۲- encyclopedia Wikipedia



همان جایگاهی که منجر به خلق آن شد، واجد ارزش شده است، و آن غلبه‌ی فقه و مناسک ظاهری بر معنا و باطن دین است. در دوران ما چه بسیار کسان که در تلاشند فقط «ظاهر» را مقبول جامعه جلوه دهند، هر چند آن ظاهر فاقد باطنی هماهنگ و گاه حتی با نیتی خلاف وظایف جوارحی باشد. آموزه‌ی بحیا می‌تواند مخاطب امروزی را نیز فارغ از نوع باورهای دینی‌اش، متوجه دو عنصر اساسی اخلاق - این گمشده‌ی عصر ما - و معنا - گوهر دین - نماید.

این کتاب با تحقیق و ترجمه‌ی آرش آبائی و دکتر حسین علی‌جعفری (از دو زبان عربی و عبری) با عنوان «وظایف قلب‌ها؛ بحیا بن یوسف ابن یاقودا اندلسی؛ تصحیح ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا» توسط انتشارات حکمت و عرفان در مهرماه ۱۳۹۸ منتشر شده است. ■

اقتصاددان یهودی، برنده نوبل ۲۰۱۹

آرش آبائی



سه اقتصاددان آمریکایی، استر دافلو، مایکل کرمر و آبهیجیت بانرجی برنده جایزه سال ۲۰۱۹ بانک مرکزی سوئد در علوم اقتصادی شدند. این جایزه به

یادبود آلفرد نوبل اهدا می‌شود و این سه به خاطر کار خود در زمینه‌ی کاهش فقر در سراسر جهان این



بهانه ...

شرگان انورزاده

فعال اجتماعی

من همیشه به دنبال بهانه می‌گردم. من همیشه به دنبال معنای ویژه‌ی بهانه می‌گردم. به نظرم واژگان می‌توانند هم بار منفی و هم بار مثبت داشته باشند و من همیشه به دنبال بار مثبت واژگان می‌گردم. من به دنبال بهانه‌ای برای دوستی، برای دوست داشتن می‌گردم. من به دنبال بهانه‌ای برای زندگی کردن می‌گردم. من به دنبال بهانه‌ای برای شاد کردن دل خانواده‌ام، دوستانم و عزیزانم می‌گردم. به دنبال بهانه‌ای برای لبخند، لبخندی از ته دل، برای آشنایان و حتی غیر آشنایانم می‌گردم. بهانه‌ای برای لبخند، هر چند سطحی، برای انسان‌هایی که شاید دیگر نبینمشان. لطیفه‌ای، نکته‌ی ظریفی، برای فروشنده‌ای که از او خرید می‌کنم، نشاندن لبخند بر لب کارمند بانک که معتقدم لبخند، خستگی‌اش را بیرون می‌کند.

بهانه‌ای برای شاد بودن خودم، آن چه که خوشحالم می‌کند. زنگ زدن به دوستانی که دوستشان دارم. دیدن فیلم یا نمایشی که خوشحالم می‌کند، غافلگیر کردن عزیزانم، ساختن اوقاتی زیبا برای خودم، خلق لحظاتی آرامش‌بخش برای خودم و عزیزانم. چون معتقدم، دنیا، خود، بهانه‌ای برای زندگی کردن است، زیباترین بهانه. ■

قدر این آدم‌ها را باید دانست...

سمر برونی

چراغ راهنما...
در کنارشان احساس امنیت، تمام وجودت را فرا می‌گیرد.
می‌توانی در کنارشان خودِ خودت باشی...
می‌توانی دردهایت را هر چند ناچیز، با آن‌ها در میان بگذاری...
می‌توانی بدون نگرانی، از حماقت‌هایت بگویی...
و چه دلچسب است وجود چنین کسانی در زندگی.
قدر این آدم‌ها را باید دانست.
باید برای بودنشان، ماندنشان و از دست ندادنشان، هر کاری کرد.
این‌ها برای یک عمر زندگی هستند...
دنبال خوشی‌های زودگذر و سرگرمی‌های موقت نیستند.
اگر در زندگی از این آدم‌ها دارید، غرورتان را نادیده بگیرید، بگویید که دوستشان دارید و حاضرید برای بودنشان، هر کاری بکنید.
ارزشش را دارند...

بعضی‌ها هستند که همه چیزشان فرق می‌کند...
نگاه‌شان...
محبت‌شان...
نگرانی‌هاشان...
دوست داشتن‌شان...
انگار که با بقیه متفاوت‌اند
همین که می‌آیند، ته دلت قرص می‌شود...
آرامش جانت می‌شوند...
این‌ها به طور عجیبی دل آدم را می‌برند.
حرف نمی‌زنند بلکه عمل می‌کنند...
شعار نمی‌دهند...
احترامت را حفظ می‌کنند...
مهربانی از وجودشان چکه می‌کند...
انگار که رها هستند از بدی‌ها و زشتی‌ها؛ و غوطه‌ورند در خوبی‌ها و زیبایی‌ها...
در روزهای سرد زمستان، گرمابخش وجودند...
رها هستند و با آمدنشان آدم را هم از شر همه ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها رها می‌کنند و در عوض لبریزت می‌کنند از خوشحالی و شادی...
خوشحالی و شادی...



سه کتاب تنخ: سه فلسفه زندگی

مهندس آرش آبائی

محقق و مدرس در موزه یهودیت



غیر از تورات، برخی از کتب تنخ (کتاب مقدس: عهد قدیم) در مناسبت‌های دینی یهودیان مورد مطالعه و قرائت قرار می‌گیرند. از جمله کتاب ایوب^۱ که معمولاً در روزهای سوگواری نهم آو (سال‌روز ویرانی معبد بیت‌المقدس) خوانده می‌شود و دیگر، کتاب غزل‌های^۲ سلیمان که در متن سیدور (کتاب نماز) جای دارد و هر عصر جمعه در آستانه ورود به شبات (شنبه) قرائت می‌گردد. کتاب سوم، کتاب جامعه^۳ سلیمان است که البته کمتر از دو کتاب مذکور مورد مطالعه (به لحاظ آیینی) قرار دارد.

«پیتر کریفت» (متولد ۱۹۳۷) استاد امریکایی فلسفه و نویسنده‌ای معروف در زمینه‌ی الاهیات و فلسفه‌ی مسیحی است. به زعم او در کتاب «سه فلسفه‌ی زندگی»^۴، در نهایت، فقط سه فلسفه‌ی زندگی وجود دارد و هریک توسط یکی از کتاب‌های کتاب مقدس یعنی کتاب‌های جامعه، ایوب و غزل‌ها که سه اثر اصیل و منحصر به فرد فلسفی هستند، بر اساس سه وضعیت مختلفی که انسان در آن قرار می‌گیرد، فلسفه‌ی زندگی را بیان می‌کنند.

کتاب جامعه، زندگی را بی هدف و همه‌ی آنچه را که در این عالم هست بیهوده می‌داند و این مانند دوزخ است که ناامیدی بر آن حکم فرماست. کتاب ایوب با بیان رنج‌های ایوب فلسفه‌ی زندگی را رنج می‌داند و رنج، ماهیت برزخ است. در نهایت، غزل‌ها با بیان عشق واقعی

میان عاشق و معشوق، فلسفه‌ی زندگی را عشق می‌داند؛ و عشق پاسخ نهایی به کتاب جامعه و کتاب ایوب است.

سلیمان در کتاب جامعه به تلاش برای یافتن یا ساختن معنا در زندگی می‌پردازد و با تقسیم این تلاش به «پنج مشقت» اعلام می‌دارد که هیچ کدام از آنها به اندازه‌ی کافی برای بهره‌مندی از معنای زندگی کافی نیستند. این پنج مشقت عبارتند از: ۱- حکمت، ۲- لذت، ۳- ثروت و قدرت، ۴- وظیفه، دیگرخواهی، خدمات اجتماعی، افتخار، و ۵- پارسایی و دینداری (ظاهری).

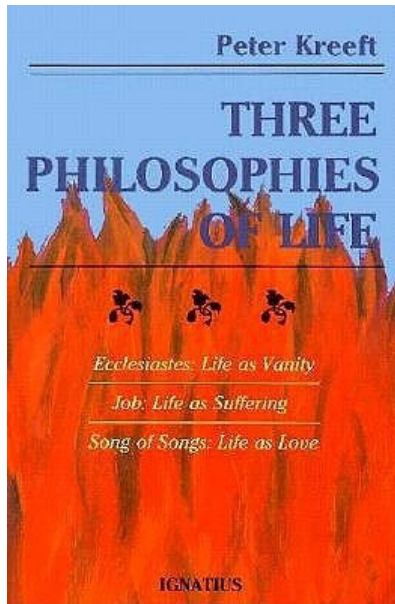
کتاب جامعه صادقانه و سرسختانه این پرسش بزرگ را بررسی می‌کند که: «زندگی ما در این جهان برای چیست؟» و پاسخ آن در کتاب دیگر کتاب مقدس یعنی غزل‌ها ارائه می‌شود، و آن، عشق است. اما دستیابی به آن از طریق کتاب ایوب میسر خواهد بود.

^۱ איוב

^۲ שיר השירים

^۳ קהלת

^۴ Peter Kreeft :Three Philosophies of Life (1990) - Ecclesiastes (life as vanity), Job (life as suffering), Song of Songs (life as love)



ایوب برزخ روی زمین بود، و عشق سلیمان در غزل غزل‌ها بهشت روی زمین است.

در غزل غزل‌ها، نامی از خداوند ذکر نشده، اما بطور نمادین در آن متن، داماد اشاره به خداست و عروس، مردم هستند. به نظر نویسنده، این کتاب عمیق‌ترین کتاب در تنخ (کتاب مقدس عبری) است، که هدف نهایی از زندگی را که در پایان کتاب ایوب می‌یابیم، شرح می‌دهد: دیدار و پیوند بین خودمان و خداوند. غزل غزل‌ها یک داستان عشق است، و نکته‌ی داستان واقعی زندگی، عشق به مثابه بهشت است، و آزاد بودن از عشق، و از خدا، دقیقاً دوزخ است. بنابراین غزل غزل‌ها پاسخی قطعی به پرسش کتاب جامعه و به جستجوی ایوب است. عشق به تنهایی می‌تواند بیهودگی کتاب جامعه را، و بیهودگی شما را، پر کند. عشق به تنهایی خواسته‌ی ایوب و خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند. ■

کتاب ایوب، به یکی از عمیق‌ترین مسائل زندگی می‌پردازد و آن، مسئله‌ی شر، رنج و بی‌عدالتی در جهانی است که تحت حکومت خدایی عادل، خیرخواه و قادر مطلق است. پیتر کریفت با تحلیل موضوع، چهار روش را در پاسخگویی به این مسئله بررسی می‌کند و در ادامه، به نظریه‌ی «ویکتور فرانکل»^۵ می‌پردازد. فرانکل از تجربه‌ی شگفت‌انگیز و تغییر ناگهانی دیدگاه یا چشم انداز در شرایط اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها سخن می‌گوید؛ که بسیاری از زندانیان یاد گرفتند مطرح کردن پرسش «معنای زندگی چیست؟» را متوقف کنند و دریافتند که زندگی در حال پرسش از آنهاست که معنای خود آنها چیست. نویسنده‌ی کتاب در جایی می‌گوید: «این معنای زندگی است: به دست آوردن اعتبار، واقعی شدن، خودتان شدن. زندگی فرایند خودتان شدن است، اما این امر با رنج انجام می‌شود، نه با گناه کردن؛ معنای زندگی جنگ است.»

و او پایان داستان ایوب و مهم‌ترین آیه‌ی این کتاب را به عنوان پاسخ ایوب چنین بیان می‌کند:

לִישׁמַע-אֵזְרוּ שְׁמִיעַתִּי; וְיִתֶּנָּה, יְיָי רָצוֹן.

«من تاکنون از تو (ای خدا) با شنوایی گوش شنیده بودم، اما اکنون چشم‌های من تو را می‌بیند» (ایوب باب ۴۲ آیه ۵)

ایوب درباره‌ی خداوند شنیده بود، اما اکنون خدا را می‌بیند. بدین ترتیب او راضی است، زیرا تصویری مسرت بخش که در انتظار همه‌ی معتقدان در بهشت است برای یک لحظه روی زمین به ایوب اهدا شده است.

اما غزل غزل‌ها، گام بعدی ایوب است، گامی از برزخ به بهشت. پوچی کتاب جامعه، دوزخی روی زمین بود، رنج

منابع

- ۱- سه فلسفه‌ی زندگی، نوشته‌ی پیتر کریفت، ترجمه‌ی بتول قزل‌بیگلر، نشر کرگدن، ۱۳۹۸
- ۲- ملال، رنج و عشق؛ محسن آزموده، روزنامه اعتماد، ۳ مهر ۱۳۹۸

⁵ ویکتور امیل فرانکل (Viktor Frankl) (۱۹۰۵-۱۹۹۷) روانپزشک و عصب‌شناس اتریشی و پدیدآورنده‌ی معنادرمانی (لوگوتراپی) بود. معروف‌ترین کتاب او، انسان در جستجوی معنا، روایت تجربیات او در دوران فاجعه‌باری است که به‌عنوان یک یهودی در اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی حضور داشت و در خلال آن، او به اهمیت معنای زندگی برای انسان در سخت‌ترین شرایط می‌پردازد.

طنز



بهرتر نیست که به «تیمارستان» بروی؟

(ممن دلریمه)

عوض کرد و با نیرویی تازه نفس وارد میدان شد و با «ب-۵۲» خود مرا زیر بمباران سنگ و پاره آجر قرار داد. هر چند با سطلی که در دست داشتم دفاع ضد هوایی من قوی بود ولی با هجوم و حمله‌ی حریف به قدری ناگهانی صورت گرفت که ناچار پایگاه خود را ترک کردم و در حین عقب‌نشینی سنگی به کمرم اصابت کرد و انبار مهمات آن را به کلی منفجر ساخت. در حالی که دود غلیظی از دماغم بیرون می‌آمد به هر جان‌کنندی بود خود را به پناهگاه دیوار رساندم و پس از تجدید قوا به حمله‌ی متقابل پرداختم.

استاد ابراهیم که انتظار چنین واکنشی را نداشت دست و پای خود را گم کرد و برای جلوگیری از تلفات چپق خود را بیرون کشید و در زیر پوششی از دود میدان مبارزه را ترک کرد و به پایگاه اولیه عقب نشست. در این موقع چند نفر از کارگران ساختمانی مأمور تشکیل کمیسیون ترک مخاصمه شدند و تصمیم گرفتند که هیئتی برای نظارت بر آتش‌بس تعیین کنند اما اجرای این تصمیم هم به علت مخالفت شدید اوسا ابراهیم بنا به تعویق افتاد و در بیانیه‌ای که به این مناسبت انتشار داد گفته بود که تا یعقوب مستقیماً با من وارد مذاکره صلح نشود حاضر به قبول هیچ پیشنهادی نخواهم بود.

گفتم آقا یعقوب مطلب کاملاً دستگیرم شد، فعلاً چه تصمیمی گرفته‌ای؟

گفت: فعلاً می‌خواهم برای پانسمن زخم‌هایم به بیمارستان دکتر سپیر بروم.

گفتم بهتر نیست که به «تیمارستان» بروی؟! ■

یعقوب کارگر ساختمانی جوان کم حرف و سر به زیری بود و کاری به کار هیچکس نداشت. معمار و بنا و سایر کارگران از رفتار او کمال رضایت را داشتند. اما در چند هفته پیش یعنی از وقتی که یک رادیو ترانزیستوری خریده بود اخلاق و رفتار او به کلی عوض شده است. گوش دادن مداوم به اخبار جنگ عربستان و یمن و سوریه و عراق و پاکستان و طالبان و ساقط کردن پهباد آمریکایی در خلیج فارس توسط نیروی سپاه و چنان اثری در فکر و روح او به جا گذاشته است که رفتار او غیرعادی و حرکاتش جنون‌آمیز شده چرت و پرت‌هایی به هم می‌بافد که در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. دیروز صبح موقعی که آجر به دست استاد ابراهیم بنا می‌داد، یک هو دچار هیجان‌ات روحی شد و یک دانه آجر را چنان محکم به پشت گردن استاد ابراهیم بنا نواخت که بیچاره از بالای دیوار نقش زمین شد و در نتیجه یک دنده‌اش شکست. کارگرانی که در آن حوالی بودند به طرفداری از استاد ابراهیم با مشت و لگد و سنگ و پاره آجر به جان یعقوب افتادند و حسابی حالش را جا آوردند.

نزدیک ظهر بود که او را با لب و لوچه‌ی خون‌آلود و صورت ورم کرده و دست و پای خراشیده ملاقات کردم همین که علت را پرسیدم گفت:

آقا رحیم به جان بچه‌ها من در مدار ۱۷ درجه عرض جغرافیایی بودم و با هیچ کس هم اختلاف مرزی نداشتم، یک وقت خبرگزاری‌ها خبر دادند که اوسا ابراهیم با تجهیزات کامل از جناح راست قصد حمله دارد. من هم ناچار وضع فوق‌العاده اعلام کردم و به حال آماده‌باش درآمدم و برای آن که غافل‌گیر نشوم مواضع خود را مستحکم کردم و با پرتاب یک عدد آجر حریف را مجبور به عقب‌نشینی ساختم اما تا آمدن بجنیم دشمن تاکتیک خود را

طنز



از من پرسید

شیپورچی

مواد لازم برای خواهر داماد بودن:

- ۱- مو شینیون (۸۵ سانتی ارتفاع)
- ۲- کفش پاشنه بلند (حداقل ۴۰ سانت)
- ۳- سایه چشم سبز براق (دو قاشق غذاخوری)
- ۴- عشوه مردافکن به مقدار لازم
- ۵- دُم لباس (۳ متر)
- ۶- هلاک کردن خود در پیست رقص
- ۷- دوست عزیز توجه کنید که برگ برنده شما رقص چاقو است. از این فرصت استفاده کنید و تا می‌توانید آن وسط جولان بدهید و هر چند ثانیه یک بار یک نگاه فاخرانه به مادر عروس می‌اندازید.
- ۸- رقص با سینی طلا از شام شب واجب‌تر است.

سوال بعدی: دختر خانمی نوشته‌اند خواستگار نداریم چه کنیم؟

والا ما هم نداریم، ولی چند روش که روی نیاکان ما جواب داده است را مطرح می‌کنم، انشا... که فرجی حاصل شود.

- ۱- در تمام مناسبت‌ها و محافل و مراسم و گردهمایی‌های بالای ۳ نفر شرکت کنید.
- ۲- مراسم خبر نمی‌کند! لذا همیشه آماده باشید. یک دست لباس رسمی، آرایش غلیظ، کفش پاشنه بلند و روسری رنگ به همراه داشته باشید و در تمام اماکن از کنیسا و تالار گرفته تا پارک ارم و شمرون و سازمان به تن کنید. هر چه لباس رسمی‌تر شانس بیشتر.
- ۳- در روشنایی و زیر نور بایستید.
- ۴- شما آخرین نفری هستید که شب‌ات از کنیسا به خانه برمی‌گردد، فراموش نکنید.

سلام، من شیپورچی هستم! همه چیزدان و همه چیز فهم. قرار بود که امروز به سوالاتی که شما عزیزان از من پرسیده بودین پاسخ بدم. وقت رو تلف نمی‌کنیم، بی‌واسطه می‌ریم سراغ سوال اول.

سوال اول: خانمی پرسیدن مدتی است با آقای به قصد آشنایی بیشتر در رفت و آمد است، در این مدت هر جا رفتیم ما را با هم دیده‌اند ولی میل نداریم قبل از رسمی شدن کسی چیزی بفهمد، چه کنیم؟

عرضم به حضورتون که اساسا در دوره آشنایی هر جا بروید اصل به این است که چند تا از همکیشان شما را خواهند دید. هر چه محل پرت‌تر، احتمال دیده شدن بیشتر، زیاد دست و پا زنین، به جرات می‌تونم بگم که در این مدت اگر به روستایی در منجیل بروید احتمال دیده شدنتون بیشتر از این است که شب یکشنبه به یکی از رستوران‌های کاشر بروید. من خود به شخصه یک بار در قهوه‌خانه‌ای بین راهی جاده ساوه قرار گذاشتم. آنجا برایمان چایی آوردند من برای صرف چای براخا گفتم وقتی براخا تمام شد سی و پنج نفر جواب امن دادند. لاکن زیاد حرص نخورین کاریش نمی‌شود کرد یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: دختر و پسر اگر در سیاره مشتری هم باشند همکیشی برای دیدنشان حاضر می‌شود.

سوال دوم: من خواهر داماد هستم و ما این هفته مراسم داریم. برای بیشتر دیده شدن و درآوردن چشم عروس و خانواده‌اش چه کنیم؟

به سوال خوبی اشاره کردن در زیر به اختصار توضیح می‌دهم:

فقط از قصابی‌های گلد کاشر و پرناسا خرید نکنین. کیپا هم از سرتان نیافتند.

۲- انشاا... همیشه شادی باشد و جای شادی بروید ولی از رفتن به تمام مراسم تدفین و ختم و سایر مراسم مرحومین کوتاهی نکنین. در مراسم تدفین عزیزان مردم با کراوات مشکی اولین نفر حاضر شده و عکس یادگاری بگیرید. (عکس باید طوری باشد که انگار حواستان به عکاس نیست و دارید گریه می‌کنید)

۳- در مراسم فوق جوری حاضر شوید و ضجه مویه کنید که مردم بستگان متوفی را رها کرده آب قند به دست به شما شما بیایند.

۴- از مسئولین قبلی تا می‌توانید بد بگوئید و به آن‌ها انگ و برچسب بزنید.

۵- مراسم بگیرید !!! در مدت کاندیداتوری به هر بهانه‌ای که شده (سالگرد میلانکون، ماه‌گرد ازدواج، دورهمی، شیرینی خرید زیر پیراهن جدید و ...) مراسم گرفته، همه را از دوست و دشمن دعوت کرده و سور بدهید.

سوال بعدی: برای دفع چشم بد چه چیزهایی با خود به همراه داشته باشیم؟

پاسخ: سیخ، میخ، انبر ذغال، خرمهره، سنجاق سر، شیشه نوشابه، یک چسب زخم به انگشت دست که هر کس پرسید چی شده، بگوئید ناخنم شکسته و مرغ فریزی کاشر آماده به طبخ (این آخری رو گیر ندین چرا، اسپانسر برنامه باید دیده بشه)

و در آخر دوست عزیز پیغام داده‌اند، شیپورچی عزیز من خیلی تو را دوست دارم.

در جواب این دوست نازنین باید بگم که Me To شب بیا PV. ■

امضاء شیپورچی

۵- از کنار مادر خود جُم نخورید تا همه بفهمند برای چی چسبیده‌اید.

۶- کیک، شیرینی، گل مصنوعی، ترمه‌دوزی و ... بخیرید از آن عکس بگیرید و با هشتک دختر هنرمند در صفحات اجتماعی بارگذاری کنید. (البته این‌ها زمان پدران ما آپشن محسوب می‌شد، الان تعویض رادیات ماشین هم بلد باشین جواب نمی‌دهد).

۷- از دید جامعه دختر خوبی باشید!!!!!! دختر خوب از دید جامعه ما دختری است که زیاد نمی‌خندد، نمی‌رقصد، از خانه تنها بیرون نمی‌رود، دوست زیاد ندارد، ملاک ندارد، توقع و آرزو ندارد، زندگی اجتماعی جدا از خانواده ندارد و کلا در اجتماع حضور ندارد، با هیچ پسری به هیچ عنوانی دوست اجتماعی، هم‌سازمانی، هم‌کنیسی، فامیل، صحبت نمی‌کند، کار نمی‌کند، زیاد تحصیل نمی‌کند، حق طلاق و کار و سرپرستی اولاد نمی‌خواهد، کلا حقوقش را نمی‌خواهد، مدام به هر نحوی اعلام می‌کند که مرد هر چند تا بخواهد با هر شرایطی برایش می‌زاید!! دختر خوب بالای ۱۹ سال وجود ندارد مگر این که ۱۰ سال از داماد کوچک‌تر باشد.

۸- چشم گوی مطلق باشید.

۹- پسر اگر قبل از ازدواج هر کار دلش خواست بکند، بکند شما حق کتابخانه رفتن تنهایی هم ندارید!

۱۰- مجیزگو باشید. از همه تعریف کنید و از دست هیچ‌کس هم ناراحت نشوید.

اما سوال چهارم: دوست عزیز از ما پرسیده‌اند برای تصدی یکی از نهادهای جامعه قصد نامزد شدن در انتخابات را دارند چگونه رای جمع کنند؟

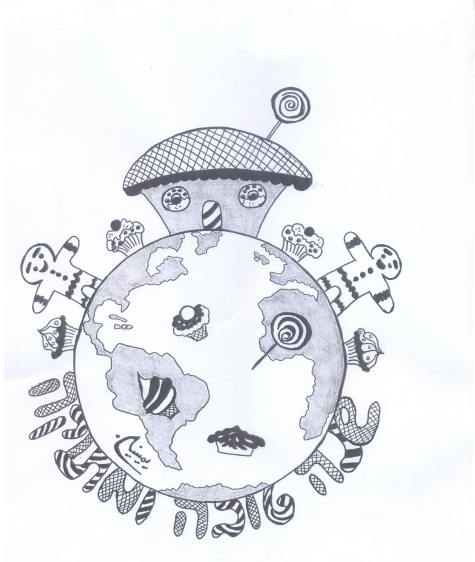
خوب دوست عزیز این که کاری ندارد بسیار ساده است:

۱- خود را حتی به دروغ به مذهبی بودن بزنید. در طول مدت کاندیداتوری مدام به کنیسا بروید و با افراد مشهور مذهبی عکس یادگاری بگیرید. مهم نیست که تا دیروز هر چیزی را از هر جایی می‌خریدید و میل می‌کردین الان



سال نو و شیرینی

مژده یمینیان
کارشناس تغذیه



شیرینی، ماده غذایی که اشتهای هر انسانی را تحریک می‌کند. اکثر افراد با مصرف شیرینی به احساسی مطلوب دسترسی پیدا می‌کنند و انگشت‌شمارند افرادی که نسبت به مصرف این خوراکی خوشمزه، ابراز علاقه نکنند.

شیرینی، ماده غذایی شادی‌بخش که می‌تواند حداقل برای چند لحظه، حس شادی و مسرت را به روح انسان‌ها به ارمغان ببخشد، به طوری که از دیرباز انسان‌ها برای شادباش، به یکدیگر شیرینی اهدا می‌نمودند و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، برای خوشحال نمودن و به دست آوردن دل میوه‌های باغ زندگیشان به آنها شیرینی تعارف می‌کردند.

در زندگی روزمره برای توصیف بسیاری از خصوصیات، از لفظ شیرین استفاده می‌شود، از جمله شیرین‌زبانی و شیرین‌کامی و همچنین برخی وقایع مطلوب زندگی با واژه‌ی شیرین مزین می‌شوند مانند خاطرات شیرین، خواب شیرین، ایام شیرین و ... سال شیرین.

یهودیان، سال نوی عبری را با آرزوی داشتن سالی شاد، با مصرف مواد غذایی شیرین نظیر عسل آغاز می‌کنند و همواره امید دارند که سال جدید برای آنها، سالی مملو از شادی و وقایع شیرین باشد.

اما به راستی قند و شکر و شیرینی در رژیم غذایی انسان‌ها چه جایگاهی دارد؟

به طور کلی مواد مغذی به چند گروه کربوهیدرات‌ها، پروتئین‌ها، چربی‌ها، ویتامین‌ها، مواد معدنی و آب تقسیم می‌شوند. کربوهیدرات‌ها که توسط گیاهان ساخته می‌شوند و منبع عمده‌ی انرژی در رژیم غذایی می‌باشند، به دو گروه کربوهیدرات‌های ساده یا همان قندهای ساده نظیر گلوکز، فروکتوز، گالاکتوز و کربوهیدرات‌های پیچیده یا کمپلکس نظیر نشاسته، فیبر و گلیکوژن، تقسیم می‌شوند که نشاسته کربوهیدرات ذخیره شده در گیاهان و گلیکوژن کربوهیدرات ذخیره شده در حیوانات است که به آن نشاسته‌ی حیوانی نیز می‌گویند.

منابع قندهای ساده، میوه‌جات، سبزیجات، عسل، شیر و همچنین قندهای صنعتی در محصولات نظیر انواع کیک،

شیرینی، بیسکویت، آب‌نبات، شکلات، بستنی، شربت، نوشابه و ... می‌باشند. بنابراین قندهای ساده یا به صورت طبیعی در مواد غذایی وجود دارند و یا این که به صورت صنعتی تولید و در دسترس قرار می‌گیرند و منابع کربوهیدرات‌های پیچیده، نان، برنج، ذرت، غلات، سیب‌زمینی و ... می‌باشند.

هر انسانی با شرایط طبیعی در طول ۲۴ ساعت معمولاً ۵۰ تا ۵۵ درصد انرژی مورد نیاز خود را از گروه کربوهیدرات‌ها تأمین می‌کند که قسمت اعظم این انرژی باید از کربوهیدرات‌های پیچیده تأمین شود و تنها ۱۰ درصد آن از قندهای ساده تأمین می‌شود که برای یک فرد بزرگسال سالم تقریباً معادل ۲۵ گرم می‌باشد و این مقدار شامل قند و شکر و همچنین قندهایی می‌باشد که به صورت نهفته در محصولات و فرآورده‌های غذایی موجود می‌باشند.

جایگاه قندهای ساده در هرم غذایی، در آخرین طبقه هرم در کنار چربی‌ها می‌باشد و در واقع قندها، کمترین فضا را در هرم به خود اختصاص داده‌اند و این برخلاف گروه نان و غلات می‌باشد که شامل کربوهیدرات‌های پیچیده هستند و در قاعده‌ی هرم قرار گرفته‌اند و بیشترین فضای هرم غذایی را به خود اختصاص داده‌اند و این بدان معناست که بدن هر انسان در طول بیست و چهار ساعت، در واقع

بیشترین مقدار انرژی را از طریق کربوهیدرات‌های پیچیده به دست می‌آورد.

اما آیا قرار گرفتن مواد قندی و شیرینی‌جات در قله‌ی هرم غذایی به معنی کم ارزش بودن این ماده غذایی است؟ به طور کلی در بدن انسان، هر ماده‌ی غذایی نقش مهمی ایفا می‌کند، به طوری که کمبود هر ماده‌ی غذایی در بدن، عوارض خاصی را به دنبال خواهد داشت.

قندها، تأمین‌کننده‌ی انرژی تمام سلول‌های بدن از جمله سلول‌های مغز و اعصاب می‌باشند و در واقع تنها منبع انرژی سیستم اعصاب مرکزی، گلوکز است و از آنجایی که گلوکز، تنها کربوهیدراتی است که در گردش خون عمومی بدن وجود دارد، به عنوان قند خون شناخته می‌شود و اگر مقدار آن در خون به کمتر از ۶۰ میلی‌گرم در دسی لیتر برسد، بدن دچار عوارضی از جمله کج‌خلقی، زودرنجی، خشکی، افسردگی، سردرد، لرزش و ... می‌شود که به این حالات هیپوگلیسمی یا کاهش قند خون می‌گویند که در حالت پیشرفته می‌تواند منجر به حالت غش، نایبایی موقت و حتی مرگ شود.

بنابراین قرار گرفتن مواد قندی و شیرینی در قله‌ی هرم، نشان‌دهنده‌ی ارزش غذایی پایین این مواد نمی‌باشد، چرا که بدون وجود قندهای ساده، بدن قادر به ادامه‌ی زندگی نیست و دلیل این که جایگاه مواد قندی در هرم غذایی در قله می‌باشد و کمترین فضای هرم را به خود اختصاص داده است، تنها این است که بدن به میزان کمتری از این مواد نیاز دارد و انرژی کمتری را در مقایسه با دیگر گروه‌های غذایی باید از طریق مواد قندی به دست آورد.

قندهای ساده مخصوصاً قندهای صنعتی که به غذا افزوده می‌شوند، تنها باعث شیرین شدن غذا و بهبود بافت غذا می‌شوند و البته در فرآیند تولید بعضی محصولات غذایی باعث تخمیر می‌شوند و برای تولید بعضی مواد غذایی نقش اساسی دارند. اما از نظر علم تغذیه فقط انرژی تولید می‌کنند و تأمین‌کننده‌ی هیچ ماده مغذی دیگری نیستند، اما کربوهیدرات‌های پیچیده معمولاً در گیاهانی هستند که علاوه بر کربوهیدرات‌های پیچیده، در برگیرنده‌ی بسیاری از مواد مغذی مورد نیاز بدن از جمله آب، ویتامین‌ها، مواد معدنی، آنتی‌اکسیدان‌ها و ... هستند. از طرفی کربوهیدرات‌های پیچیده به مدت زمان بیشتری برای هضم نیاز دارند و انرژی را برای مدت زمان طولانی‌تری تأمین

می‌کنند و گرسنگی را به تأخیر می‌اندازند.

برخلاف کربوهیدرات‌های پیچیده، قندهای ساده به سرعت در بدن جذب می‌شوند و به صورت ناگهانی باعث افزایش قند خون می‌شوند، در نتیجه بدن در پاسخ به این افزایش سریع قند خون، اقدام به ترشح هورمون انسولین می‌کند که منجر به کاهش قند خون می‌شود. بنابراین پس از مصرف مواد غذایی شیرین به تنهایی، در یک فاصله زمانی کوتاه، به دلیل ترشح هورمون انسولین با افت قند خون و سردرد مواجه می‌شویم و احساس گرسنگی و خستگی می‌کنیم و مصرف مواد غذایی شیرین و شیرینی‌جات به تنهایی نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای وعده‌های غذایی باشد. این نکته مخصوصاً باید مورد توجه افرادی قرار گیرد که عادت به مصرف صبحانه ندارند و روز خود را با مصرف شیرینی، شکلات و یا برشی از کیک‌های شیرین آغاز می‌کنند و با این توضیحات، جای تعجب برای به سرعت گرسنه شدن این افراد و نشانه‌های افت قند خون بعد از مدت زمانی کوتاه، باقی نمی‌ماند، مخصوصاً اگر این افراد محصل یا دانشجو باشند و یا مشغله‌های آنها، وابسته به فعالیت‌های ذهنی باشد. مسلماً این افراد به دنبال افت قند خون، برای بالا بردن قند خونشان، مجدداً به سراغ مصرف غذاهای شیرین می‌روند و چرخه‌ی معیوب مصرف قندهای ساده تکرار می‌شود و چون این قندها به غیر از انرژی، هیچ ماده مغذی دیگری در اختیار بدن قرار نمی‌دهند، با مصرف اضافه بر نیاز، در نهایت برای بدن مضر و باعث اضافه وزن و چاقی می‌شوند، مخصوصاً اگر در زندگی افراد فعالیت بدنی نقش نداشته باشد.

اضافه وزن و چاقی تنها یکی از عوارض مصرف زیاد قند و شکر می‌باشد. اگر قندهای ساده بیش از حد نیاز مصرف شوند، در بدن تبدیل به تری‌گلیسرید می‌شوند و با افزایش میزان چربی خون به همراه اضافه وزن و چاقی، زمینه را برای پیدایش بیماری‌های قلبی، عروقی و دیابت مساعد می‌سازند.

از جمله دیگر عوارض مصرف زیاد قند و شیرینی، کاهش ترشح هورمون رشد می‌باشد و این مسئله مخصوصاً برای کودکان و نوجوانانی که در سنین رشد هستند، بسیار حائز اهمیت است و همواره باید این نکته را مد نظر قرار داد که افراد در سنین رشد و در دوران بلوغ، حداقل دو ساعت قبل از خواب شبانه، از خوردن شیرینی‌جات، امتناع بورزند.

در دهه‌های اخیر، در بین اکثر بیماران دیابتی و افرادی که دچار اضافه وزن و چاقی هستند، همچنین به منظور پیشگیری از چاقی، مصرف قندهای رژیمی متداول شده است. چون قندهای رژیمی در وزن مساوی دارای قدرت شیرین‌کنندگی چندین برابر قندهای طبیعی هستند و با مصرف کم آنها، افراد می‌توانند به حس مطلوب شیرینی دسترسی پیدا کنند، در مقایسه با قندهای معمولی، دارای کالری بسیار کم می‌باشند. از طرفی هم چون برخلاف قند و شکر منجر به تخریب دندان‌ها نمی‌شوند، به شدت در بسیاری از آدم‌ها و فرآورده‌های قندهای رژیمی به کار برده می‌شوند. اما همواره باید این نکته‌ی مهم را در مد نظر قرار داد که مصرف غذایی رژیمی هم به هیچ عنوان نمی‌تواند فاقد ضرر باشد، بلکه این مواد هم می‌توانند عوارضی نظیر بیماری‌های قلبی، عروقی، افسردگی، افزایش اشتها و ... را در بر داشته باشند و برخلاف تصور عمومی، باعث اضافه وزن و چاقی شوند. لذا مصرف قندهای رژیمی حتما باید طبق تجویز پزشک صورت گیرد.

در انتها ضمن تأکید بر کاهش مصرف قند و شکر و شیرینی، برای تک تک خوانندگان محترم، سالی شیرین و برای کل زمین، دنیایی شیرین به دور از تلخی جنگ، حوادث طبیعی و ... آرزو مندیم. ■

همچنین افرادی که از بیماری ریفلاکس یا بازگشت اسید معده رنج می‌برند، باید در نظر داشته باشند که مواد غذایی شیرین باعث تشدید بیماری آنها می‌شود.

از دیگر زیان‌های مصرف زیاد شیرینی‌جات، می‌توان به کاهش جذب کلسیم و مساعد نمودن زمینه برای ایجاد پوکی استخوان اشاره کرد. همچنین مصرف زیاد مواد غذایی شیرین، باعث اسیدی شدن محیط دهان و پوسیدگی دندان‌ها می‌شوند.

متأسفانه، بعضی افراد در زندگی روزمره، چنان به مصرف قند و شکر و شیرینی‌جات عادت کرده‌اند که مصرف غذاهای شیرین جزء لاینفک رژیم غذایی‌شان شده است، به طوری که عده‌ای اظهار می‌کنند که در صورت عدم مصرف مواد غذایی شیرین در طول روز، دچار عوارضی نظیر سردرد می‌شوند. لازم به توضیح است که چون قندهای ساده به طور طبیعی از طریق بسیاری از مواد غذایی تامین می‌شوند و با توجه به نیاز کم بدن انسان به آنها، باید مصرف قند و شکر را به حداقل رساند و دانستن این مسئله حائز اهمیت است که قند و شکر هم مانند نمک و هروئین به عنوان سم سفید شناخته شده‌اند و بر هر انسانی لازم است که جهت کم کردن مصرف قندهای ساده، در رژیم غذایی خود تغییراتی ایجاد کند.

فتوگالری مهر (کوروش شایان مهر)

نامزدی - عروسی - تولد - برمیصوا - بریت میلا

دو دوربین HD فول HD
آلبوم دیجیتال ۱۰ برگ (۲۰×۳۰)
۳۰ عکس (۱۳×۱۸) باغ
۱۰ عکس (۱۶×۲۱) آتلیه
۵۰×۶۰ شاسی شب مراسم

تومان ۱۸۰۰۰۰۰

دارای منوهای مختلف

تخفیف ویژه جهت مراسم برمیصوا و بریت میلا

با مجوز رسمی از اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران

۰۹۱۲۲۷۸۷۸۵۸ - ۲۲۵۲۳۶۲۷ - ۷۷۵۴۰۱۴



لیت شب مراسم
خدمات ویژه: کرین و هلی شات
اجرای کلیپ شب مراسم

چاپ عکس در سایزهای مختلف از روی ریمو فلش
تبدیل انواع فیلم (آپارات و VHS و ...) به DVD
عکس 4x3 و 4x6 فوری
عکاسی نوزاد / کودک / بارداری

آدرس: رسالت خ کرمان جنوبی خ موسوی پلاک ۴۳

فیشینگ چیست؟



کلاهبرداری صورت می‌پذیرد. در برخی از روش‌های فیشینگ ارز دستورات جاوا اسکریپت استفاده می‌شود تا نوار آدرس را اصلاح کند و تغییر دهد. به زبان ساده‌تر این کار با قرار دادن تصویر یک آدرس اینترنتی قانونی در نوار آدرس یا بستن نوار آدرس اصلی و باز کردن یک نوار جدید که حاوی آدرس اینترنتی موجه است انجام می‌شود.

فیشینگ از طریق تلفن

تمامی حملات فیشینگ نیاز به استفاده از یک وبسایت جعلی و ساختگی ندارند. این نوع حملات شامل پیام‌هایی می‌شوند که ادعا می‌کند از طرف بانک هستند و از مشتری می‌خواهند با توجه به مشکلی که برای حساب آن‌ها به وجود آمده است با یک شماره تماس بگیرند. به محض تماس قربانی با این شماره تلفن اینترنتی، دستوراتی به او داده می‌شود تا شماره حساب و رمز خود را وارد کند. فیشرهایی که از سرویس تلفن اینترنتی استفاده می‌کنند گاهی اوقات از داده‌های جعلی برای آی دی کالر استفاده می‌نمایند تا برای مشتریان این گونه به نظر برسد که این تماس از طرف یک سازمان مطمئن و معتبر انجام می‌شود. دوقلوهای شر (یا Evil Twin) از روش‌هایی است که شناسایی و کشف آن بسیار سخت است. یک فیشر یک شبکه بی‌سیم ساختگی ایجاد می‌نماید. این شبکه‌ها می‌توانند همچون شبکه‌های قانونی در محل‌هایی مانند

امیرفرزاد نعیموت

کارشناس ارشد مقوق

از جمله جرائم متداول و مرسوم در فضای مجازی سرقت اطلاعات شخصی کاربران نظیر گذرواژه (password) رمز عبور، کلمه کاربری، شماره ۱۶ رقمی کارت بانکی، رمز دوم و CVV۲ از طریق ابزارهای الکترونیکی است که امروز به فیشینگ معروف است.

مجرم در این موارد با به دست‌آوری موارد فوق اقدام به تخلیه حساب‌های مالی و بانکی قربانی و سوءاستفاده از اطلاعات شخصی کاربر می‌نماید.

این حمله سایبری معمولاً از طریق ایمیل‌ها و پیام‌ها صورت می‌پذیرد و قربانیان به صورت مستقیم اطلاعات حساس و محرمانه خود را در وبسایت‌های جعلی که در ظاهر کامل شبیه وبسایت‌های قانونی و سالم وارد می‌نمایند.

به نقل از پایگاه اینترنتی پلیس سایبری انواع روش‌های متداول فیشینگ به شرح ذیل می‌باشد:

دستکاری و تقلب در لینک‌ها و آدرس‌ها

یکی از شیوه‌های متداول در فیشینگ ارسال لینک‌ها و آدرس‌های متعلق به سازمان‌های غیرواقعی و جعلی از طریق ایمیل می‌باشد. آدرس‌هایی که تنها تفاوت آن‌ها با آدرس اصلی یک یا دو حرف است.

دور زدن فیلتر

فیشرها با استفاده کردن از عکس به جای متن، کار فیلترهای ضدفیشینگ را برای شناسایی متن‌هایی که عموماً در ایمیل‌های حاوی آدرس‌های جعلی یافت می‌شوند را سخت می‌کنند.

وبسایت‌های جعلی

تنها با ورود و بازدید یک قربانی به سایت جعلی عمل

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت

شادروان منصور یوم‌طویبان

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه و تاسف فراوان، درگذشت مرحوم منصور یوم‌طویبان، از چهره‌های برجسته صدیق و خیر جامعه و از اعضای هیأت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان را به جماعت کلیمیان اصفهان و تهران و به خصوص به بازماندگان بزرگوار و محترم تسلیت گفته و برای نیشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است. بی‌تردید روح آن مرحوم نیکوکار اکنون از ثمره سال‌ها خیرخواهی، جانفشانی و خدمت برای رفاه و آسایش جامعه، قرین رحمت الهی خواهد بود.

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت

شادروان دکتر بهمن عرب‌زاده

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان و با کمال تاسف، درگذشت شادروان دکتر بهمن عرب‌زاده، از اعضای سابق هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران و از چهره‌های برجسته و شناخته‌شده دانشگاهی کشور را به جامعه و به خصوص، به بازماندگان محترم تسلیت گفته و برای نیشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است.

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت ابوی

مهندس شاهین آشوری

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران درگذشت ابوی مهندس شاهین آشوری از اعضای سابق هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران را به بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نیشاما و روح آن مرحوم، علو درجات را خواستار است.

جناب آقای دکتر سلیمان کهن‌صدق

درگذشت پدر گرامی همسرتان را به شما و خانواده تسلیت گفته و از خداوند منان برای بازماندگان طول عمر و سلامتی آرزومندیم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران
هیئت تحریریه نشریه افق بینا

هتل‌ها، فرودگاه‌ها و کافی‌شاپ وجود داشته باشند و وقتی یک نفر وارد شبکه جعلی می‌شود کلاهبرداران سعی می‌کنند رمزهای عبور و سایر اطلاعات مرتبط با کارت اعتباری او را ثبت و ضبط کنند.

برای جلوگیری از افزایش آمار فیشینگ و سرقت اطلاعات باید آگاهی کاربران را افزایش داد. نباید به ایمیل‌هایی که از شما خواسته شده در آن‌ها فرمی پر کنید اطمینان کرد. نباید اطلاعات حساب کاربری خود را در اختیار سایت‌ها قرار داد. کاربران برای پرداخت آنلاین باید از درگاه‌های مخصوص بانک استفاده کنند. همچنین تلاش کنید از ایمیل‌های داخل اسپم در حساب کاربری‌تان بی‌اعتنا باشید.

در زمان ورود به حساب‌های حساس مانند ایمیل یا بانک پیش از وارد کردن نام کاربری و گذرواژه دقت به آدرس وبگاه حیاتی است. لازم است بدانیم که چنانچه با موارد این چنینی مواجه شدیم راه کار پیگیری و شکایت چیست؟

جهت اقدام عاجل قانونی لازم است بدون فوت زمان مراتب وقوع جرم را به اطلاع پلیس فتا برسانیم و برای آغاز فرآیند قضایی پیگیری و رسیدگی به وقوع جرم با مراجعه به دادسرای ویژه جرائم رایانه که در همکاری با پلیس فتا است تشکیل پرونده می‌شود. لازم است جهت تسریع امر و بهبود در روند رسیدگی از راه مشاوره با حقوقدانان، وکلا و یا مشاورین حاضر در محل دادسرا اقدام به تنظیم شکوائیه نموده و با اخذ دستور دادستان پرونده را به جریان اندازید.

جرائمی از قبیل جعل و سرقت و کلاهبرداری رایانه‌ای (مواد ۷۳۴ و ۷۴۰ و ۷۴۱ قانون جرایم رایانه‌ای) شنود غیرمجاز (ماده ۷۳۰ قانون جرایم رایانه‌ای) هتک حیثیت و نشر اکاذیب به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای (ماده ۷۴۴ و ۷۴۵ قانون جرایم رایانه‌ای) همگی از جمله جرایم متداول در فضای مجازی است که با اعلام شاکی خصوصی در مراجع اختصاصی جرایم سایبری یعنی دادسرای ویژه جرایم رایانه و پلیس فتا به عنوان ضابط دادگستری قابل طرح و پیگیری است. ■

منابع

۱. صفحه اینترنتی پلیس سایبری (فتا)

۲. قانون تعزیرات بخش جرایم رایانه‌ای



اخبار

مهندس امید ممبئی مقدم

مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

برگزاری جشن پایان دوره نونهالان پیش دبستان یلدا ۲

جشن پایان دوره نونهالان پیش دبستان یلدا ۲ در ساختمان سرابندی در تاریخ ۳۰ خرداد برگزار گردید. اجرای برنامه‌های مختلف توسط کودکان به همراه موسیقی و برنامه‌های شاد، بخش‌های مختلف این برنامه را تشکیل می‌داد.

خاطر نشان می‌سازد مهد یلدای ۲، روزهای دوشنبه با کلاس‌های متنوع هنری، شطرنج، سفالگری و روزهای چهارشنبه با گردش و جشن‌های مختلف در خدمت نونهالان عزیز می‌باشد. بازدید از پارک ژوراسیک، اولین اردوی تابستانی مهد یلدا ۲ بوده است.

سه نسل در کنار هم



همزمان با فعالیت پایگاه‌های تابستانی انجمن کلیمیان تهران و برگزاری گردش‌های تابستانی، سرای سالمندان یهودی در ۱۳ تیرماه ۱۳۹۸ شاهد صحنه‌های بسیار زیبا و چشم‌نوازی بود. این بار دانش‌آموزان شرکت کننده در گردش‌های تابستانی با بازدید از سرای سالمندان یهودی، ضمن تجربه لحظاتی شاد و فرحبخش، خالق تصاویری شدند که سه نسل مختلف را در کنار هم نشان می‌داد. این برنامه با هماهنگی کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و هیأت مدیره و مسئولین سرای سالمندان یهودی برگزار گردید.

برگزاری جلسه تغییر و تحول انجمن کلیمیان تهران

به دنبال برگزاری انتخابات انجمن کلیمیان تهران در تاریخ ۴ آذرماه ۱۳۹۷ و نتایج تایید صلاحیت منتخبین، جلسه تغییر و تحول انجمن کلیمیان تهران ۱۶ تیرماه ۱۳۹۸ در محل انجمن و با حضور هیأت ریسه، هیأت مدیره قدیم و هیأت مدیره جدید برگزار گردید.

اسامی نهایی اعضای هیأت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان تهران طبق پروانه فعالیت، به قرار ذیل می‌باشد: اعضای هیأت مدیره: همایون سامه‌یح، شهاب شهبامی‌فر، امید محبتی‌مقدم، موسی ثانی، ایلن میشاعلیان، بهداد میکائیل، هرصل گلشیرازیان، یهودا آصاف، سلیمان کهن‌صدق، دانیل مرادی، کیارش دقیقی‌نیک و نغمه کدخدا. بازرسین: فرید یاشار، فریدون طوبی و سهیل نیسانی. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران نهایت سپاس و تشکر خود را بابت زحمات هیأت ریسه محترم در طول این چند ماه اعلام می‌دارد.

نتایج انتخابات داخلی انجمن کلیمیان تهران

با آغاز به کار هیأت مدیره جدید انجمن کلیمیان تهران، اعضای هیأت مدیره انتخابات داخلی خود را در دو جلسه برگزار نمودند که نتایج به این شرح است:

الف) پست‌های اساس نامه‌ای:

رییس: دکتر همایون سامه‌یح

نایب رییس اول: شهاب شهامی‌فر

نایب رییس دوم: مهندس امید محبتی‌مقدم

خزانه‌دار: موسی ثانی

مهردار: مهندس بهداد میکائیل

دبیر: ایلن میشاعلیان

کارپرداز: مهندس هرصل گل شیرازیان

صاحب‌جمع اموال: یهودا آصاف

ب) کمیته‌ها

مسئول کمیته فرهنگی: دکتر سلیمان کهن‌صدق

مسئول کمیته علمی-آموزشی: ایلن میشاعلیان

مسئول کمیته املاک: مهندس دانیل مرادی

مسئول کمیته ورزش و بهشتیه: مهندس بهداد میکائیل

مسئول کمیته جوانان: مهندس هرصل گل شیرازیان و مهندس نغمه کدخدا (به طور مشترک)

مسئول کمیته کسروت: موسی ثانی

مسئول کمیته تعاون: کیارش دقیقی‌نیک

مدیر روابط عمومی: مهندس امید محبتی‌مقدم

رابط سرای سالمندان: مهندس هرصل گل شیرازیان

رابط مهدکودک: شهاب شهامی‌فر

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران آرزو دارد به لطف قادر مطلق و با همدلی و تشریک مساعی بین اعضا، هیأت مدیره جدید انجمن کلیمیان تهران بتواند به بهترین شکل ممکن، امین رای جامعه بزرگوار کلیمی بوده و در اجرای وظایف محوله، چه در پیشگاه قادر مطلق و چه در پیشگاه تک‌تک افراد جامعه، خادمان مناسبی برای آحاد مردم باشد.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمی در همایش تحریم در تقابل با صلح جهانی از نگاه ادیان

به دعوت رییس مرکز گفتگوی ادیان و فرهنگ‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نمایندگان جامعه کلیمیان در همایش «تحریم در تقابل با صلح جهانی از نگاه ادیان» در ۳۱ تیرماه شرکت نمودند.

این همایش در راستای محکومیت نابخردانه دولت ایالت متحده در وضع تحریم‌های جدید علیه مقامات عالی کشورمان و با مشارکت و همکاری اندیشمندان و رهبران ادیان مختلف و با حضور شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آیت‌اله تسخیری (مشاور رهبری)، آیت‌الله اعرافی (مدیر حوزه‌های علمی کشور و عضو شورای نگهبان) و دکتر رحمانی فضلی (وزیر کشور) برگزار شد.



از طرف جامعه کلیمیان، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی)، دکتر همایون سامه-یح (رییس انجمن کلیمیان تهران)، دکتر سلیمان کهن‌صدق (مسئول کمیته فرهنگی)، شهاب شهامی‌فر (نایب رییس اول) و مهندس امید محبتی مقدم (نایب رییس دوم و مدیر روابط عمومی) در این همایش حضور داشتند.

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار در سخنرانی خود به بیان تعریف دقیقی از واژه صلح پرداختند و آن را متفاوت با تسلیم شدن در مقابل

ظالم دانستند. رهبر دینی کلیمیان ایران تحریم را وسیله فشار برای تسلیم و نه مذاکره دانستند و بیان داشتند که وضع تحریم‌های دارویی را هیچ عقل سلیم و منطق انسانی تایید نمی‌کند.

نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی نیز با بیان این نکته که «احترام متقابل با پذیرش تفاوت‌ها» سر همبستگی ملت ایران است در سخنان خود شراکت رییس‌جمهور آمریکا را در کشتار کودکان یمنی و همچنین تحت فشار قرار دادن نیازهای حیاتی ملت ایران از طرف دولت آمریکا را مورد انتقاد قرار داد و بیان نمود که سردمداران آن دولت به هیچ دین و آیینی پایبند نیستند.

خاطرنشان می‌سازد در حاشیه این همایش، شبکه‌های مختلف خبری با جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار و دکتر همایون سامه‌یح به گفتگو پرداختند.

برگزاری برنامه غذاهای گیاهی توسط انجمن بانوان کلیمی



۸ مرداد ماه، ساختمان سرابندی به مناسبت فرارسیدن ایام ماه آو، شاهد برگزاری برنامه غذاهای گیاهی توسط انجمن بانوان کلیمی بود. بدین ترتیب انجمن بانوان کلیمی، برای چهارمین سال متوالی، موفق به برگزاری این برنامه شد که با استقبال پرشور و هنرنمایی بی‌نظیر بانوان هنرمند جامعه نیز روبرو شده است.

در این برنامه، سونیا خرمی در مورد فواید غذاهای گیاهی به ایراد سخنرانی برای حضار پرداخت. با توجه به پرهیز کلیمیان از خوردن غذاهای گوشتی در چند روز ابتدایی ماه عبری آو، اطلاعات ارائه شده در این برنامه برای حضار مفید و سازنده بود.

بازدید اعضای هیأت مدیره انجمن از اماکن متعلق به کلیمیان در محله عودلاجان

روز سه‌شنبه مورخ ۱۹ ماه آو سال ۵۷۷۹ عبری، مطابق با ۲۹ مرداد ۱۳۹۸ مصادف بود با سالروز درگذشت شادروان عزرا یعقوب.

مرحوم عزرا یعقوب از خیرین نکونام جامعه بود که در سال ۵۶۱۳ عبری (۱۲۳۲ شمسی) در تهران و در کوی کلیمیان متولد شد. این مرد خیر، در سن ۴۰ سالگی به دیدار معبود شتافت (اقتباس تاریخ‌ها از تقویم جامع ادیان توحیدی). کنیسای عزرا یعقوب در طول دوران حیات خویش شاهد حضور چهره‌های برجسته تاریخی جامعه کلیمیان و حتی ایران بود. این مکان مقدس تا به امروز نیز جزو مهم‌ترین کنیسه‌های محله قدیمی عودلاجان به شمار می‌رود. خاطر نشان می‌سازد جمعی از اعضای هیأت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان در ۲۱ مرداد ماه ضمن حضور در محله عودلاجان از اماکن متعلق به کلیمیان در این منطقه دیدار نموده و وضعیت آنها را مورد بررسی قرار دادند. توضیحات مهندس بهداد میکائیل در مورد هر یک از اماکن و محله عودلاجان شنیدنی و قابل توجه بود. کنیسای عزرا یعقوب، کنیسای حاداش و حمام کشوریه از جمله اماکنی بود که مورد بازدید اعضای هیأت مدیره قرار گرفت.

برگزاری برنامه دوره‌می کمیته جوانان

به همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران یک برنامه دوره‌می، با حضور جمعی از فعالین اجتماعی چند نسل مختلف از جامعه کلیمیان، ۲۸ شهریور ماه در تالار اجتماعات محبان برگزار شد. تقدیر از دکتر منوچهر الیاسی، ادموند معلمی، مهندس فریدون طوبی (از مسئولین سابق کمیته)، شهاب شهامی‌فر و مهندس بهادر میکائیل (از مدیران همایش‌های جوانان)، اجرای تک نوازی پیانو توسط رویطال نیسانی، نمایش کلیبی از عکس‌های خاطره‌انگیز سازمان دانشجویان یهود و خانه جوانان یهود و اجرای گروه موسیقی سازمان دانشجویان از جمله آیتم‌های مختلف این دوره‌می بود. تقدیر از فعالین اجتماعی توسط مهندس نغمه کدخدا و مهندس هرصل گلشیرازیان (مسئولین کمیته جوانان) و همچنین تقدیر از دکتر نوبل (پزشک افتخاری سرای سالمندان) توسط دکتر همایون سامه‌یح و شهرام شهرداد (مدیریت سرای سالمندان یهودی) از دیگر بخش‌های این برنامه بود.

بازدید از مراکز آموزشی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید و بازگشایی مدارس، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی-آموزشی) و دیگر نمایندگان کمیته علمی-آموزشی (مهندس بهادر میکائیل، امید شایان‌مهر، هاراو فهیم لاله‌زاری و شرلی سیمانیان) از چند مدرسه اختصاصی کلیمیان دیدار کردند. مجتمع آموزشی روحی شاد، فخر دانش، موسی بن عمران و اتفاق مراکزی بودند که مورد بازدید قرار گرفتند. در این بازدیدها که در تاریخ‌های ۳۱ شهریور و اول و سوم مهرماه صورت گرفت، سخنرانی و صحبت با مسئولین مدارس و اولیای دانش‌آموزان انجام شد. شایان ذکر است دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌یح به مناسبت آغاز سال تحصیلی به طور جداگانه در مجتمع آموزشی اتفاق و دبیرستان موسی بن عمران حضور به هم رسانیدند.

برگزاری مراسم باشکوه پاسداشت یاد شهدای ادیان توحیدی



با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و انجمن کلیمیان تهران (کمیته بهشتیه)، مراسم پاسداشت یاد شهدای ادیان توحیدی ۴ مهرماه در محل بهشتیه تهران برگزار شد. تنی چند از سرداران عالی رتبه سپاه پاسداران از جمله سردار حسینی (فرمانده قرارگاه ثار اله)، فرمانده مقاومت بسیج منطقه ۱۵ و شهردار منطقه ۱۵ به همراه تعداد دیگری از مقامات عالی رتبه در این مراسم حضور داشتند.

از طرف جامعه کلیمیان نیز جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک

مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌یح، جمعی از اعضای هیأت مدیره انجمن و تعداد قابل توجهی از اقشار مختلف همکیشان در این مراسم حضور داشتند.

سخنرانی، غبار روبی از مزار شهدا و قرائت دعا برای تعالی روح شهدای سرافراز، بخش‌هایی از این مراسم بود.

تبریک دبیرخانه امام رضا (ع) و گفتگوی ادیان به مناسبت آغاز روش هشانا سال جدید یهودی

با فرا رسیدن روش هشانا، سپیده دم روز ۲۹ سپتامبر یهودیان جهان سال ۵۷۸۰ را آغاز کردند.

روش هشانا آغاز سال نوی یهودیست و دهه بین روش هشانا و روز مقدس یوم الکیپور برای یهودیان سراسر جهان ایام پرهیز و تعمق روحانی محسوب می‌شود.

یهودیان در این ایام فرصت پیدا می‌کنند تا روند زندگی عادی را متوقف کنند و به اتفاقات گذشته‌ی زندگی خویش بیندیشند و به برنامه‌هایی که برای سال در پیش رو دارند فکر کنند.

تورات روش‌هشانا را با نام روز ترواً معرفی می‌کند و آن را روز نخست از ماه هفتم تقویم توراتی می‌داند. نواختن شوفار امروزه هم مهم‌ترین مشخصه روش هشانا به شمار می‌رود.

عید سال نو ابتدای ده روز توبه به شمار می‌آید. بنا به روایات یهودی این عید روز آفرینش حضرت آدم را خاطر نشان می‌کند، که در آن تقدیر هر موجودی در سال جدید تعیین می‌شود. مثل اینکه، بنا به تجسم تصویری شاعر، در این روز سرنوشت او در کتابی که در حضور پرودگار عالم داور تمام زمین گذاشته شده نوشته و مهر می‌شود. خداوند در این روز زندگی سال جدید جامعه و افراد را بر اساس اعمال سال گذشته‌ی آنها تعیین می‌نماید. از این رو برای کلیمیان دو روز روش‌هشانا تعطیل کامل مقرر شده است و آنان با حضور در کنیساها و اجرای مراسم ویژه، سرنوشت نیک و سعادت‌مندان را از خداوند تقاضا می‌کنند.

دبیرخانه امام رضا علیه السلام و گفتگوی ادیان آغاز سال نوی یهودی را به همه یهودیان جهان بخصوص هموطنان یهودی تبریک می‌گوید.

پیام تبریک نماینده رئیس جمهور به مناسبت رؤس هشانا

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی یونسی، نماینده رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌ها، در پیامی آغاز سال نو عبری را به جامعه کلیمیان تبریک گفت.

متن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین علی یونسی بدین شرح است:

«این روز در آیین یهودیت، روز توبه و رحمت است. درس بزرگ حضرت موسی (ع) و همه پیامبران بزرگ الهی به بشریت اصلاح رفتار خود با خداوند و انسان‌ها است. بازبینی رفتار خویش و توبه از اشتباهات و بازگشت به سوی رحمت خداوند است. روزی است برای دگرگونی واقعی و اطاعت از فرامین الهی. فرامینی که انسان را به یکتاپرستی، اخلاق، صلح و عدالت دعوت می‌کنند.

ایرانیان کلیمی از قدیمی‌ترین پیروان ادیان توحیدی هستند که قدمتی چند هزار ساله در تاریخ ایران زمین دارند. آنان تعالیم حیات بخش حضرت موسی (ع) را با باورهای اصیل ایرانی همچون محبت، میهن‌دوستی، رعایت حقوق شهروندی و پذیرش دیگری، در هم آمیختند و بدین جهت انسان‌های فرهیخته و شایسته‌ای در میان یهودیان جهان بوده و هستند. بسیار بجاست که همه ما ایرانیان پیرو ادیان توحیدی با همبستگی و انسجام اجتماعی و همچنین با عمل به آموزه‌های رحمانی و تعالیم اخلاقی ادیان آسمانی، در گسترش عدالت، صلح و امید در ایران و جهان کوشا باشیم. ضمن آرزوی سالی سرشار از آرامش و سعادت از خداوند متعال، برای همه‌ی ایرانیان عزیز کلیمی، بهروزی توأم با موفقیت را مسألت دارم.»

حضور رئیس انجمن کلیمیان تهران در همایش ملی اربعین نماد محبت ادیان الهی

همایش ملی «اربعین؛ نماد محبت ادیان الهی و مذاهب اسلامی به امام حسین(ع)» ۱۱ مهرماه با حضور علمای اهل سنت، کلیمی، مسیحی و شیعی در محل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برگزار شد. دکتر همایون سامه‌یح رئیس انجمن کلیمیان تهران با حضور در این همایش گفت: فقط پیروان ادیان الهی به بهشت نمی‌روند بلکه هر فردی که همنوع خود را دوست داشته باشد و انسانیت را اجابت کند به بهشت خواهد رفت. اگر انسان باشیم و هم‌نوعان خود را به تعالی رهنمون سازیم لایق رفتن به بهشت هستیم همان‌طور که هندویی به نام گاندی چون ملت هند را از اسارت استعمار نجات داد لایق رفتن به بهشت است زیرا احسان او موجب نجات بشریت از ظلم شد. رئیس انجمن کلیمیان تهران با بیان اینکه امام حسین (ع) در آزادی، موسای زمانه خود بود افزود: فرمان اصلی خداوند به حضرت موسی تلاش برای آزادی بنی‌اسرائیل بود و قیام و شهادت امام حسین (ع) نیز در راستای احیای مفهوم آزادی و آزادی در میان مسلمانان رخ داد. پروردگار به حضرت موسی گفت که «برو و قوم من را از این ظلم و ستم رهایی بخش» زیرا انسان آزاد آفریده شده و باید آزاد زندگی کند و حضرت موسی و امام حسین (ع) هر دو برای آزادی جامعه خود قیام کردند و از این لحاظ می‌توان آن بزرگواران را قدیس اخلاقی دانست. حضرت موسی کاخ فرعون و لذایذ و منافع آن را به خاطر قوم بنی‌اسرائیل رها کرد و از آزار و خطرات این اقدام نهراسید، همان‌طور که امام حسین (ع) نیز از لذت و منافع سازش خود با ستمگران زمانه اش همانند یزید چشم پوشید و خطر جنگ در صحرای کربلا را به جان خرید تا ندای آزادی را اعلام کند.

سامه یح افزود: موسی عبد خداوند است زیرا ذره‌ای غرور و خودخواهی در وجود وی نیست، تمام اقداماتش نه برای منافع شخصی بلکه برای جلب رضایت خداوند و سعادت جامعه است و به همین ترتیب آنچه بر شخصیت و زندگی امام حسین (ع) در تمام عمرش حاکم بود، عبودیت و عمل به تکلیف بود و آن حضرت نیز عبد شایسته خدا بود. وی ادامه داد: حسینی کسی است که ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و معنوی او شبیه امام حسین باشد یعنی از عدالت و اخلاق، انصاف و انسانیت و طهارت و تقوا بهره داشته باشد.

آیین آغاز سال تحصیلی دانشگاه ادیان و مذاهب



آیین آغاز سال تحصیلی دانشگاه ادیان و مذاهب قم با حضور نمایندگان بیوت مراجع معظم تقلید، جمعی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نمایندگان اقلیت‌های دینی و مذهبی کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اساتید حوزه و دانشگاه و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ۲۱ مهرماه برگزار شد. به دعوت رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب، حجت الاسلام نواب، رئیس انجمن کلیمیان تهران در آیین آغاز سال تحصیلی این دانشگاه حضور یافت.

در پایان این مراسم، دانش‌نامه نمادین دکتری به چند تن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادیان و مذاهب با حضور نمایندگان ادیان از جمله دکتر همایون سامه‌یح اهدا شد و از دانشجویان و کارکنان نمونه تقدیر به عمل آمد.

گرامیداشت موعد سوکا (عید سایبان‌ها) با حضور اعضای شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان در کنیسای حکیم (پسیان)



چهارشنبه ۱۳۹۸/۷/۲۴، اعضای انجمن بانوان کلیمی میزبان اعضای شبکه ارتباطی غیردولتی زنان به ریاست خانم دکتر نوابی‌نژاد بودند. این مراسم که در سوکای کنیسای حکیم (پسیان) برگزار شد با استقبال حاضرین مواجه شد و رییس انجمن بانوان توضیحاتی در خصوص این مراسم ارائه کردند. در ادامه خانم دکتر نوابی‌نژاد ضمن تبریک عید مذهبی سایبان‌ها اظهار داشت بزرگترین افتخار بنده در شبکه آشنایی و صمیمیت نزدیک به دو دهه با دوستان کلیمی است.

مناسبت‌های تقویمی سال ۵۷۸۰ عبری

مهندس آرش آبائی

مناسبت	تاریخ عبری	تاریخ خورشیدی	
آدینه‌ی رُوش‌هشانا - هتارتِ نِداریم (ابطال نذرها)	۲۹ اِلول ۵۷۷۹	۷ مهر ۱۳۹۸	یکشنبه
اول رُوش‌هشانا - آغاز سال ۵۷۸۰ عبری - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱ تیشری ۵۷۸۰	۸ مهر	دوشنبه
دوم رُوش‌هشانا - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲ تیشری	۹ مهر	سه‌شنبه
تَعْنِیت (روزه) گِذلیا	۳ تیشری	۱۰ مهر	چهارشنبه
آدینه‌ی یومِ کیپور - هتارتِ نِداریم - کِپَر	۹ تیشری	۱۶ مهر	سه‌شنبه
تَعْنِیت (روزه) یومِ کیپور - تعطیل مذهبی	۱۰ تیشری	۱۷ مهر	چهارشنبه
آدینه‌ی موعِد سوکُوت	۱۴ تیشری	۲۱ مهر	یکشنبه
اول موعِد سوکُوت (عید سایه‌بان‌ها) - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱۵ تیشری	۲۲ مهر	دوشنبه
دوم موعِد سوکُوت - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱۶ تیشری	۲۳ مهر	سه‌شنبه
هفتم موعِد سوکُوت - هُوشَعناربا	۲۱ تیشری	۲۸ مهر	یکشنبه
موعِد شِمیمِنی عَصِرِت - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲۲ تیشری	۲۹ مهر	دوشنبه
موعِد سِیمحا تُورا - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲۳ تیشری	۳۰ مهر	سه‌شنبه
اول خنوکا (جشن روشنایی‌ها) - به مدت ۸ روز (تا دوشنبه ۹ دی)	۲۵ کیسلوُ	۲ دی	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) دهمِ طُوت	۱۰ طُوت	۱۷ دی	سه‌شنبه
ایلائُوت (جشن درختان)	۱۵ شیواط	۲۱ بهمن	دوشنبه
تَعْنِیت (روزه) اِسْتِر	۱۳ آدار	۱۹ اسفند	دوشنبه
پوریم	۱۴ آدار	۲۰ اسفند ۱۳۹۸	سه‌شنبه
آدینه‌ی موعِد پَسَح - تَعْنِیت (روزه) نخست‌زادگان ذکور	۱۴ نیسان	۲۰ فروردین ۱۳۹۹	چهارشنبه
اول موعِد پَسَح (عید فطیر) - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱۵ نیسان	۲۱ فروردین	پنجشنبه
دوم موعِد پَسَح - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱۶ نیسان	۲۲ فروردین	جمعه
هفتم موعِد پَسَح - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲۱ نیسان	۲۷ فروردین	چهارشنبه
هشتم موعِد پَسَح - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲۲ نیسان	۲۸ فروردین	پنجشنبه
پَسَح شِینی - هیلولای رَبی مِئیر بَعْل هَئِث	۱۴ ایار	۱۹ اردیبهشت	جمعه
لَگ باعُومِر - هیلولای رَبی شِیمعُون بَریوحای	۱۸ ایار	۲۳ اردیبهشت	سه‌شنبه
اول موعِد شاووعُوت (عید هفته‌ها) - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۶ سیوان	۹ خرداد	جمعه
دوم موعِد شاووعُوت - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۷ سیوان	۱۰ خرداد	شنبه
تَعْنِیت (روزه) هفدهمِ تَموز	۱۷ تَموز	۱۹ تیر	پنجشنبه
تَعْنِیت (روزه) نهمِ آو	۹ آو	۹ مرداد	پنجشنبه
آدینه‌ی رُوش‌هشانا - هتارتِ نِداریم	۲۹ اِلول ۵۷۸۰	۲۸ شهریور	جمعه
اول رُوش‌هشانا - آغاز سال ۵۷۸۱ عبری - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۱ تیشری ۵۷۸۱	۲۹ شهریور	شنبه
دوم رُوش‌هشانا - یومِ طُووُ (تعطیل مذهبی)	۲ تیشری	۳۰ شهریور	یکشنبه



برگزاری مراسم باشکوه پاسداشت یاد شهدای یهودی ایران - بهشتیه تهران، مهرماه ۱۳۹۸



حضور رئیس انجمن کلیمیان تهران در همایش اربعین - مشهد، مهرماه ۱۳۹۸



برگزاری جشن فارغ التحصیلی نونهالان پیش دبستان یلدا ۲ - خرداد ماه ۱۳۹۸

OFEGH **BINA**

Cultural, Social and News Magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
VOL.21, No51 , Nov 2019



« **סימחא תורה** למחמת תורה »
تقاسی **Elena Flerova** هنرمند یهودی معاصر روسیه